

فهرست

شماره صفحه

عنوان

درس

عربی دهم

۸	ذَاكَ هُوَ اللَّهُ
۳۵	الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ
۵۴	مَطَرُ السَّمَكِ - التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ
۸۲	هَذَا خَلَقَ اللَّهُ
۱۰۶	ذُو الْقَرْنَيْنِ
۱۲۷	يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ
۱۴۴	صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

الدُّرُسُ الْأَوَّلُ
الدُّرُسُ الثَّانِي
الدُّرُسُ الثَّالِثُ وَ الرَّابِعُ
الدُّرُسُ الْخَامِسُ
الدُّرُسُ السَّادِسُ
الدُّرُسُ السَّابِعُ
الدُّرُسُ الثَّامِنُ

عربی یازدهم

۱۶۲	مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ
۱۸۱	فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ
۱۹۹	عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ
۲۱۶	آدَابُ الْكَلَامِ
۲۳۳	الْكَذِبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ
۲۵۲	أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلَ
۲۷۰	تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

الدُّرُسُ الْأَوَّلُ
الدُّرُسُ الثَّانِي
الدُّرُسُ الثَّالِثُ
الدُّرُسُ الرَّابِعُ
الدُّرُسُ الْخَامِسُ
الدُّرُسُ السَّادِسُ
الدُّرُسُ السَّابِعُ

عربی دوازدهم

۲۹۰	الَّذِينَ وَ التَّدْبِيرُ
۳۱۱	مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ
۳۳۱	الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ
۳۵۲	الْفَرَزْدَقُ

الدُّرُسُ الْأَوَّلُ
الدُّرُسُ الثَّانِي
الدُّرُسُ الثَّالِثُ
الدُّرُسُ الرَّابِعُ

درک مطلب

پاسخ نامه

۴۰۰	
۶۰۲	

پاسخ نامه تشریحی

پاسخ نامه کلیدی

مَطَرُ السَّمَاءِ - التَّعَايُشُ السَّلَامِيُّ

اشکال الاعمال

افعال ثلاثی مزید

همان طور که قبلاً خوب یاد گرفتید، فعل ها، کلماتی هستند که از «انجام کار» یا «اتفاق افتادن» موضوعی خبر می دهند و دارای شخص و زمان هستند. فعل ها مهم ترین قسمت زبان عربی اند و باید اطلاعات و شناخت خودمان را در مورد آن ها بیشتر و بیشتر کنیم؛ زیرا هر چه آن ها را بهتر یاد بگیریم تسلطمان بر زبان عربی کامل تر می شود.

پیشخوان چیزهایی که در پایان این درس یاد می گیریم:

- ۱) افعال ثلاثی مجرد و مزید چه تعریفی دارند؟
- ۲) فعل های ثلاثی مزید چه طور صرف می شوند؟
- ۳) تعداد حروف زائد یک فعل مزید را چگونه تعیین کنیم؟
- ۴) ترجمه فعل ها در باب های مختلف با هم چه فرقی دارد؟
- ۵) بیشتر فعل هایی که در زبان عربی هستند، دارای ۳ حرف اصلی هستند. به همین خاطر به آن ها فعل های ثلاثی (سه تایی) گفته می شود.
- ۶) چگونه فعل های ثلاثی مجرد و مزید را از هم تشخیص بدهیم؟
- ۷) چگونه بفهمیم که یک فعل ثلاثی مزید از چه باب یا مصدری است؟
- ۸) فعل ها و باب هایی که شبیه هم هستند را چه طور از هم تشخیص بدهیم؟
- ۹) جدول مربوط به فعل های مزید را کاملاً بشناسیم و حفظ کنیم.
- ۱۰) بیشتر فعل هایی که در زبان عربی هستند، دارای ۳ حرف اصلی هستند. به همین خاطر به آن ها فعل های ثلاثی (سه تایی) گفته می شود.

يَعْرِفُونَ ← عرف

يَفْتَشُونَ ← فتش

تذکره شناخت حروف اصلی فعل ها نیاز به مطالعه فعل های کتاب درسی دارد یا به عبارت دیگر سماعی (شنیداری) است.

ثلاثی مزید ثلاثی مجزئ

فعل ماضی	گروه (۱)				
	نَفَعَ	سَمِعَ	وَجَدَ	كَشَفَ	فَتَحَ
	سود رساند	شنید	پیدا کرد	آشکارا کرد	باز کرد
فعل ماضی	گروه (۲)				
	فَتَّشَ	سَاعَدَ	إِسْتَرْجَعَ	إِحْتَفَلَ	أَصْلَحَ
	جست و جو کرد	کمک کرد	پس گرفت	جشن گرفت	اصلاح کرد

فعل هایی که در جدول مقابل آمده اند، همگی فعل ماضی و از صیغه الغائب (سوم شخص مفرد) هستند. حدس بزنید چرا دو گروه شده اند؟ دو گروه چه فرقی با هم دارند؟ اگر دقت کنید فعل های گروه اول فقط از کنار هم قرار گرفتن

۳ حرف اصلی ساخته شده اند، ولی فعل های گروه دوم علاوه بر حروف اصلی، حرف های دیگری هم در خودشان دارند:

سَاعَدَ ← س ع د + الف إِسْتَرْجَعَ ← ر ج ع + الف، س، ت إِحْتَفَلَ ← ح ف ل + الف، ت فَتَّشَ ← ف ت ش + ت

حروف اصلی حرف اضافه

حروف اصلی حرف اضافه

حروف اصلی حرف اضافه

حروف اصلی حرف اضافه

تذکره فعل هایی که صیغه الغائب ماضی آن ها فقط از ۳ حرف اصلی درست شده است، ثلاثی مجزئ نامیده می شوند و به فعل هایی که صیغه الغائب ماضی آن ها به غیر از ۳ حرف اصلی، حرف های دیگری هم دارند، ثلاثی مزید گفته می شوند.

پس: نَفَعَ، سَمِعَ، وَجَدَ، كَشَفَ ← ثلاثی مجزئند. فَتَّشَ، سَاعَدَ، إِسْتَرْجَعَ، إِحْتَفَلَ، أَصْلَحَ ← ثلاثی مزیدند.

وزن های فعل های ثلاثی

وزن	تعداد حروف زائد	مثال
أَفْعَلَ	حرف واحد	أَحْسَنَ (نیکی کرد)، أَكْرَمَ (گرامی داشت)
فَاعَلَ	حرف واحد	دَافَعَ (دفاع کرد)، جَاهَدَ (مبارزه کرد)
فَعَّلَ	حرف واحد	فَتَّشَ (جست و جو کرد)، دَبَّرَ (تدبیر کرد)
إِفْعَلَّ	حرفان اثنان	إِحْتَفَلَ (جشن گرفت)، إِكْتَسَبَ (به دست آورد)
إِنْفَعَلَ	حرفان اثنان	إِنْبَعَثَ (فرستاده شد)، إِنْقَطَعَ (قطع شد)
تَفَاعَلَ	حرفان اثنان	تَسَاقَطَ (افتاد)، تَعَاوَنَ (همیاری کرد)
تَفَعَّلَ	حرفان اثنان	تَخَرَّجَ (فارغ التحصیل شد)، تَقَدَّمَ (پیشرفت کرد)
إِسْتَفْعَلَ	ثلاثة حروف	إِسْتَرْجَعَ (پس گرفت)، إِسْتَعْفَرَ (آمزش خواست)

فعل های ثلاثی مزید در صیغه مفرد مذکر غائب (سوم شخص مفرد) براساس وزن های خاصی ساخته می شوند که این وزن ها را در جدول مقابل می توانید ببینید:

تذکره اگر فعلی با یکی از این وزن ها مطابقت داشته باشد ثلاثی مزید است و در غیر این صورت، ثلاثی مجرد به حساب می آید.

عین عبارت ما جاء فيها فعل مزید:

(۱) أَشَدَّ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ أَبْيَاناً مَمْرُوجَةً بِالْفَارِسِيَّةِ وَالْعَرَبِيَّةِ!

(۲) شَاهَدَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ فِلْماً رَائِعاً عَنِ الدُّلْفِينِ!

(۳) الصَّبِيحُ أَوَّلُ ذُوْلَةِ اسْتَحْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً!

(۴) حَدَّثَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ فِي تِلْكَ الْمَنْطِقَةِ سَنَوِيّاً!

پایخ گزینۀ «۴» برای این که بفهمیم یک فعل، ثلاثی مزید است یا خیر، باید ابتدا وزن آن را به دست بیاوریم و بعد اگر با وزن هایی که برای فعل مزید خواندیم مطابقت داشت، مزید است و در غیر این صورت، مجزّد است.

بررسی گزینۀ «۱»: «أَشَدَّ» وزن «أَفْعَلَ» از وزن های فعل های مزید است. / گزینۀ «۲»: «شَاهَدَ» وزن «فَاعَلَ» از وزن های فعل های مزید است. / گزینۀ «۳»: «اسْتَحْدَمَتْ» وزن «اسْتَفْعَلَ» از وزن های فعل های مزید است. / گزینۀ «۴»: «حَدَّثَتْ» وزن «فَعَّلَ» از وزن های فعل های مزید نیست. پس ثلاثی مجزّد است.

صرف فعل ماضی ثلاثی مزید

صرف کردن یک فعل ماضی ثلاثی مزید اصلاً کار مشکلی نیست، دقیقاً مانند یک فعل معمولی، فعل را صرف می کنیم؛ یعنی همان شناسه ها به آخر صیغه للغائب اضافه شده و صیغه های دیگر ایجاد می شوند. نمونه ای از صرف فعل های مزید را در جدول زیر می توانید ببینید:

ضمیر	ذَهَبَ	انْكَسَرَ	اسْتَخْرَجَ	تَعَجَّبَ	اسْتَعْلَلَ
أَنْتَ	ذَهَبْتَ	انْكَسَرْتَ	اسْتَخْرَجْتَ	تَعَجَّبْتَ	اسْتَعْلَلْتَ
أَنْتُمْ	ذَهَبْتُمْ	انْكَسَرْتُمْ	اسْتَخْرَجْتُمْ	تَعَجَّبْتُمْ	اسْتَعْلَلْتُمْ
أَنْتِ	ذَهَبْتِ	انْكَسَرْتِ	اسْتَخْرَجْتِ	تَعَجَّبْتِ	اسْتَعْلَلْتِ
أَنْتُنَّ	ذَهَبْتُنَّ	انْكَسَرْتُنَّ	اسْتَخْرَجْتُنَّ	تَعَجَّبْتُنَّ	اسْتَعْلَلْتُنَّ
أَنَا	ذَهَبْتُ	انْكَسَرْتُ	اسْتَخْرَجْتُ	تَعَجَّبْتُ	اسْتَعْلَلْتُ
نَحْنُ	ذَهَبْنَا	انْكَسَرْنَا	اسْتَخْرَجْنَا	تَعَجَّبْنَا	اسْتَعْلَلْنَا

عین الخطأ عن استخدام الأفعال:

(۱) هذه الزّجاجة انْكَسَرَتْ بِسَبَبِ عاصِفَةٍ شَدِيدَةٍ!

(۲) هؤلاء الطّالِبُ تَخَرَّجُوا مِنْ جامِعة «طهران»!

(۳) أيتها الأخوان، لماذا تَعَجَّبْتُمْ مِنْ هذه الحادثة؟

(۴) انْقَطَعَتْ الْكُهْرِبَاءُ عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ؟

پایخ گزینۀ «۳» در این گزینۀ «أخوان» یک اسم مثنی است و با آمدن «أيتها» شکل مخاطب به خودش می گنجد؛ بنابراین باید فعل «مثنای مذکر مخاطب» را برایش به کار ببریم، یعنی «تَعَجَّبْتُمْ» صحیح است نه «تَعَجَّبْتُ».

بررسی سایر گزینۀ «۱»: «هذه الزّجاجة» اسم مفرد مؤنث است. پس «انْكَسَرَتْ» کاملاً مناسب آن است. / گزینۀ «۲»: «الطّالِبُ» جمع مکسر «الطّالِبِ» بوده و جمع مذکر به حساب می آید و فعل «تَخَرَّجُوا» هم «جمع مذکر غایب» است. / گزینۀ «۴»: «الْكُهْرِبَاءُ» یک اسم مفرد مؤنث به شمار می رود؛ پس فعل مناسب آن «انْقَطَعَتْ» است. فقط دقت کنید که چون بعد از «انْقَطَعَتْ» اسم «ال» دار آمده، برای خواندن ساده تر فعل، به جای ساکن، کسره گذاشته ایم. یعنی: انْقَطَعَتْ + الْكُهْرِبَاءُ → انْقَطَعَتْ الْكُهْرِبَاءُ

نکته هر وقت آخر یک فعل ساکن باشد و بعد از آن اسم «ال» دار بیاید، برای تلفظ ساده تر فعل، به جای ساکن، کسره می گذاریم.

مثال: ما خَرَجْتُ + الْآنُ → ما خَرَجْتُ الْآنَ لا تَخْرُجُ + الْآنَ → لا تَخْرُجُ الْآنَ.

ساخت مضارع افعال ثلاثی مزید

وزن ماضی	وزن مضارع	مثال
أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَحْسَنَ (خوبی کرد) → يُحَسِّنُ (خوبی می کند)
فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	جَاهَدَ (جنگید) → يُجَاهِدُ (می جنگد)
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	عَلَّمَ (یاد داد) → يُعَلِّمُ (یاد می دهد)
افْتَعَلَ	يُفْتَعِلُ	اِحْتَفَلَ (جشن گرفت) → يُحْتَفِلُ (جشن می گیرد)
انْفَعَلَ	يُنْفَعِلُ	اِنْبَعَثَ (فرستاده شد) → يُنْبِعثُ (فرستاده می شود)
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَرَّقَ (پراکنده شد) → يَتَفَرَّقُ (پراکنده می شود)
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَعَاوَنَ (همیاری کرد) → يَتَعَاوَنُ (همیاری می کند)
اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَرْجَعَ (پس گرفت) → يَسْتَرْجِعُ (پس می گیرد)

خوبی فعل های ثلاثی مزید این است که برای همه حالت هایشان وزن مشخصی دارند و لازم نیست دوباره از «سماعی» بودن حرف بزنیم. برای ساخت مضارع یک فعل مزید به راحتی می توانید از جدول مقابل کمک بگیرید:

نکته دقت کنید که حرکت های فعل ها را به خوبی یاد بگیرید. چون بعداً خواهید دید که تغییر یک حرکت می تواند سرنوشت یک فعل را عوض کند.

مثال: يَتَقَدَّمُ → غلط
يَخْتَرِمُ → درست
يَتَقَدَّمُ → درست
يُخْتَرِمُ → غلط

۱ و ۲- برای تعیین وزن یک فعل می توانیم شناسۀ آخر فعل را حذف کنیم.

۳- به این کسره، کسره عارضی گفته می شود.

عَيْنِ ما لیس فیہ فعل مزید:

(۱) يُمكنُ شراءَ الشَّريحةِ مِن إدارةِ الاتصالات!

(۲) هذه الأمطارُ تُنزلُ من غَیمِ سوداء!

(۳) إذا مات الإنسانُ يُنْقَطِعُ عَمَلُهُ!

(۴) الدَّلفین حیوانٌ یُرضِعُ صِغَارَهُ فهو من اللَّبونات!

بازی

گزینه «۲»: «تُنزلُ» بر وزن «تُفَعِّلُ» (یا همان «یُفَعِّلُ») است و در فعل‌های ثلاثی مزید چنین وزنی وجود ندارد. پس «تُنزلُ» فعل ثلاثی مزید نیست:

یُنزلُ ← بر وزن «یُفَعِّلُ» فعل ثلاثی مجرد است. پس به حرکت‌ها خیلی توجه کنید.
یُنزلُ ← بر وزن «یُفَعِّلُ» فعل ثلاثی مزید است.

بررسی سایر گزینه‌ها: «يُمَكِّنُ» (بر وزن «يُفَعِّلُ»)، «يُنْقَطِعُ» (بر وزن «يُنْفَعِلُ») و «يُزْضِعُ» (بر وزن «يُفَعِّلُ») همگی فعل‌های ثلاثی مزید هستند.

صرف فعل مضارع ثلاثی مزید

صرف کردن یک فعل مضارع ثلاثی مزید با یک فعل ثلاثی مجرد هیچ فرقی ندارد، با همان نشانه‌ها و شناسه‌ها، صیغه‌های مختلف ساخته می‌شوند. در جدول زیر صرف چند فعل ثلاثی مزید را مشاهده می‌کنید:

ضمیر	يَذْهَبُ	يَسْتَقْبِلُ	يَقْتَرِبُ	يَنْفَتِحُ	يَتَكَلَّمُ
أَنْتَ	تَذْهَبُ	تَسْتَقْبِلُ	تَقْتَرِبُ	تَنْفَتِحُ	تَتَكَلَّمُ
أَنْتُمَا	تَذْهَبَانِ	تَسْتَقْبِلَانِ	تَقْتَرِبَانِ	تَنْفَتِحَانِ	تَتَكَلَّمَانِ
أَنْتُمْ	تَذْهَبَانِ	تَسْتَقْبِلَانِ	تَقْتَرِبَانِ	تَنْفَتِحَانِ	تَتَكَلَّمَانِ
أَنْتُمْ	تَذْهَبُونَ	تَسْتَقْبِلُونَ	تَقْتَرِبُونَ	تَنْفَتِحُونَ	تَتَكَلَّمُونَ
أَنْتُنَّ	تَذْهَبْنَ	تَسْتَقْبِلْنَ	تَقْتَرِبْنَ	تَنْفَتِحْنَ	تَتَكَلَّمْنَ
أَنَا	أَذْهَبُ	أَسْتَقْبِلُ	أَقْتَرِبُ	أَنْفَتِحُ	أَتَكَلَّمُ
نَحْنُ	نَذْهَبُ	نَسْتَقْبِلُ	نَقْتَرِبُ	نَنْفَتِحُ	نَتَكَلَّمُ

عَيْنِ الخَطَأُ في صياغة الأفعال:

(۱) الْعَقْلَاءُ لَا يَغْتَمُونُ عَلَى الْجَاهِلِينَ! (۲) إِلَهِي! أَنَا أَغْتَدِرُ مِنْكَ!

(۳) هَؤُلَاءِ الْبَنَاتُ تَتَكَلَّمْنَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ! (۴) نَحْنُ نَنْتَظِرُ كُلَّنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَنُحِبُّهُ!

بازی گزینه «۳»: برای «هَؤُلَاءِ الْبَنَاتُ» (این دختران) باید از فعل غایب استفاده کنیم و چون فعل‌های جمع مؤنث غایب، با «ی» شروع می‌شوند نه «ت» پس «يَتَكَلَّمْنَ» درست است.

معنی جمله‌ها: گزینه (۱): عاقلان به نادان‌ها اعتماد نمی‌کنند! / گزینه (۲): خدای من، از تو عذر می‌خواهم! / گزینه (۳): این دختران به زبان عربی صحبت می‌کنند! / گزینه (۴): ما همگی منتظر روز جمعه‌ایم و آن را دوست داریم!

ما هو الصَّحِيحُ عن المضارع للأفعال؟

(۱) اِسْتَعْلَوْا مضارع ← تَسْتَعْلَوْنَ (۲) تَكَلَّمْتُ مضارع ← يَتَكَلَّمُ (۳) اِسْتَعْلَيْتُ مضارع ← تَسْتَعْلِينَ (۴) تَكَلَّمَنْ مضارع ← يَتَكَلَّمَنْ

بازی گزینه «۴»: گزینه‌ای درست است که فعل‌های دو طرف «←» از یک صیغه (شخص) باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «اِسْتَعْلَوْا» یک فعل ماضی است که آخرش «وا» دارد، پس «جمع مذکر غایب» است، فعل مضارع «جمع مذکر غایب» باید با حرف «ی» شروع شود، پس «يَسْتَعْلَوْنَ» درست است! / گزینه (۲): «تَكَلَّمْتُ» یک فعل ماضی است که آخرش «ت» دارد؛ یعنی «مفرد مذکر مخاطب» است. می‌دانیم که همه فعل‌های مخاطب در مضارع با «ت» شروع می‌شوند، پس «تَتَكَلَّمُ» درست است. / گزینه (۳): «اِسْتَعْلَيْتُ» یک فعل ماضی است که آخرش «ت» دارد؛ یعنی «مفرد مؤنث غایب» است. در مضارع، فعل «مفرد مؤنث غایب» آخرش شناسه ندارد؛ یعنی به جای «تَسْتَعْلِينَ» باید از «تُسْتَعْلَلُ» استفاده کنیم!

فعل امر مخاطب ثلاثی مزید

مرحله ساختن فعل امر مخاطب از فعل‌های مزید به صورت زیر است:

۱ حذف «ت» از ابتدای فعل

۲ مجزوم کردن یا همان تغییردادن انتهای فعل

۳ اگر حرف اول (بعد از حذف «ت») ساکن بود، «همزه امر» می‌آوریم و اگر ساکن نبود، نیازی به همزه امر نیست.

یادآوری علامت همزه امر را براساس عین‌الفعل مضارع تعیین می‌کنیم. اگر عین‌الفعل، فتحه یا کسره داشت، اول فعل امر «ا» می‌آوریم و اگر ضمه داشت «أ» قرار می‌دهیم.

مثال • تَعْلَمُونَ حذف (ت) ← عَلِمُونَ مجزوم ← عَلِمُوا (چون اول فعل ساکن نیست، همزه امر لازم ندارد).

• تَحْتَفِلُ حذف (ت) ← حَتِفُلُ مجزوم ← حَتِفِلْ همزه امر ← اِحْتَفِلْ

تَتَفَاخَرْنَ (ت) تَفَاخَرْنَ (اَوَّلًا چون جمع مؤنث است، «ن» را حذف نمی‌کنیم. ثانیاً ابتدای فعل ساکن نیست؛ پس همزه امر هم نمی‌خواهیم).

تَسْتَغْفِرْنَ (ت) تَسْتَغْفِرْنَ (مَجْزُوم سَتَغْفِرُ همزه امر سَتَغْفِرُ)

هیچ کدام از فعل‌های مزید «عین‌الفعل» شان ضمّه ندارد پس هیچ فعل امر مزیدی با «أ» شروع نمی‌شود.

هر فعلی که «عین‌الفعْلش» ضمه داشته باشد یا فعل امری که با «أ» شروع شود، مزید نیست.

«تَعْبُدُونَ، أَنْظِرُوا، أَصْدُقُ و...» — همگی ثلاثی مجرّدند.

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي صِيَاغَةِ الْأَمْرِ:

(١) تَجَمَّعَ ← تَجَمُّعٌ (٢) تَقَرَّرِينَ ← أَقَرَّرِي (٣) تَعَلَّمَنَّ ← عِلْمٌ (٤) تُحَاوِلَانِ ← إِحْوَالَا

گزینه «۱» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): عین‌الفعْل در «تَقْتَرِبِينَ» کسره دارد؛ بنابراین همزهٔ امر هم باید کسره داشته باشد: «اِقْتَرِبِي» / گزینه (۳): «تُعَلِّمَنَّ» جمع مؤنث است؛ پس نباید حرف «ن» از آخرش حذف شود: «عَلِّمَنَّ» / گزینه (۴): «تُحَاوِلِينَ» نیازی به همزهٔ امر ندارد و بدون همزهٔ امر هم قابل خواندن است: «حَاوِلَا».

دکتر محمد

اگر فعلی بر وزن «تُفَعِّلُ» (یا بقیهٔ صیغه‌های آن) باشد در حالت امر، با «همزهٔ مفتوح» (أ) شروع می‌شود و دیگر نباید به حرکت عین‌الفاعل توجه کنیم. به ساخت امر از فعل‌های زیر دقت کنید:

تُكْرَمُ حذف (تـ) كَرَمٌ مجزوم همزة امر أَكْرَمُ
تُحْسِنُونَ حذف (تـ) حَسَنٌ مجزوم همزة امر أَحْسِنُوا

عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الْأَمْرِ مِنْ «أَذْرَكْتِ»:

(۱) اَدْرِکِ (۲) اِدْرِکِ (۳) اَدْرِکْ (۴) اِدْرِکْ

تذکره گزینۀ «۱» «أَذْرَكْتَ» فعل ماضی است و برای ساخت امر باید اول آن را به مضارع تبدیل کنیم. دقت کنید چون بر وزنِ «أَفْعَلٌ» است از وزنِ «يُفْعِلُ» برای ساخت مضارع استفاده می‌کنیم: أَذْرَكْتُ ← **مضارع** تُذَرِّكِينَ

و بعد امر را از آن می‌سازیم: تُذَرِّكِينَ ← **حذف (ت)** ذَرِّكِينَ ← **مجزوم** ذَرِّكِي ← **همزه امر** أَذْرِكِي

چون مضارع آن بر وزنِ «تُفْعِلُ» بود، همزه امر آن فتحه می‌گیرد.

نکته مهم

ساختن فعل‌های «نهی، نفی، مستقبل و ...» از فعل‌های ثلاثی مزید دقیقاً مانند فعل‌های ثلاثی مجزّد است.

<p>ما + سَاعَدْتُمْ ← ما سَاعَدْتُمْ (کمک نکردید)</p> <p>ما + صَدَقْتُ ← ما صَدَقْتُ (باور نکردم)</p> <p>لا + تَحْتَبِرْ ← لا تَحْتَبِرْ (امتحان نمی کنی)</p> <p>لا + يُشَاهِدُنْ ← لا يُشَاهِدُنْ (نگاه نمی کنند)</p>	<p>ماضي</p> <p>فعل نفی</p> <p>مضارع</p>	<p>لا + تَحْتَبِرْ ← لا تَحْتَبِرْ (امتحان نکن)</p> <p>لا + تَقْتَرِبَانِ ← لا تَقْتَرِبَانِ (نزدیک نشوید)</p> <p>لا + تُشَاهِدُنْ ← لا تُشَاهِدُنْ (نگاه نکنید)</p>	<p>فعل نهی</p>
<p>سَيُساعدُ يا سَوْفَ يُساعدُ (کمک خواهد کرد)</p> <p>سَأَصَدِّقُ يا سَوْفَ أَصَدِّقُ (باور خواهم کرد)</p>	<p>فعل مستقبل</p>		

مصدر الفعل

تمام فعل‌هایی که از یک خانواده‌اند، دارای یک مصدر^۱ هستند که همگی از آن درست شده‌اند.

ماضی	عَبَدَ، عَبَدُوا، ...	﴿عبادة﴾ (پرستیدن)	ماضی	عَبَدَ، عَبَدُوا، ...
مضارع	يَعْبُدُ، يَعْبُدَانِ، يَعْْبُدُونَ، ...		مضارع	يَعْبُدُ، يَعْبُدَانِ، يَعْْبُدُونَ، ...
مستقبل	سَوْفَ يَعْبُدُ، سَوْفَ يَعْبُدَانِ، ...		مستقبل	سَوْفَ يَعْبُدُ، سَوْفَ يَعْبُدَانِ، ...
امر	أَعْبُدْ، أَعْبُدَا، أَعْبُدُوا، ...		امر	أَعْبُدْ، أَعْبُدَا، أَعْبُدُوا، ...

﴿خُرُوج﴾ (بیرون آمدن)

وزن ماضى	وزن مضارع	وزن امر	وزن مصدر
أَفْعَلْ	يُفْعِلْ	أَفْعِلْ	إِفْعَالْ
فَاعِلْ	يُفَاعِلْ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ
فَعَلَ	يُفَعِّلْ	فَعَلَ	تَفْعِيلْ
إِفْتَعَلَ	يُفْتَعِّلْ	إِفْتَعَلَ	إِفْتِعَالْ
إِنْفَعَلَ	يُنْفَعِّلْ	إِنْفَعَلَ	إِنْفِعَالْ
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلْ	تَفَاعَلَ	تَفَاعُلْ
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلْ	تَفَعَّلَ	تَفَعُّلْ
إِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلْ	إِسْتَفْعَلَ	إِسْتِفْعَالْ

در فعل‌های ثلاثی مجرد، مصدر فعل‌ها، «سماعی» هستند؛ یعنی باید از روی کتاب‌ها و واژه‌نامه‌ها، آن‌ها را یاد بگیریم و خودمان نمی‌توانیم مصدر فعل‌ها را بسازیم، اما در فعل‌های ثلاثی مزید مصدر فعل‌ها وزن مشخصی دارد که به راحتی می‌توانیم از روی آن وزن، مصدرها را بسازیم. وزنِ مصدرها را می‌توانید در جدولِ روبه‌رو ببینید:

عَيْنِ مصدر الأفعال التالية: «أَحْسَنَ، يُكَاتِبُ، إِشْتَغَلَ، يَتَعَلَّمُ، إِسْتَخْرَجَ».

باب برای پیدا کردن مصدر یک فعل مزید باید:

(۱) وزن فعل را به دست بیاوریم.

(۲) وزن مورد نظر را در جدول بالا پیدا کنیم.

(۳) وزن مصدر را برای آن فعل پیدا کرده و حروف اصلی فعل را در آن وزن قرار بدهیم.

أَحْسَنَ وزن أَفْعَلَ وزن مصدر در جدول افعال مصدر فعل إْحْسَان (خوبی کردن)
يُكَاتِبُ وزن يُفَاعِلُ وزن مصدر در جدول مُفَاعَلَة مصدر فعل مُكَاتِبَة (نامه نگاری کردن)
إِشْتَغَلَ وزن إِفْتَعَلَ وزن مصدر در جدول إِفْتِعَال مصدر فعل إِشْتَغَال (مشغول بودن)
يَتَعَلَّمُ وزن يَتَفَعَّلُ وزن مصدر در جدول تَفَعَّل مصدر فعل تَعَلَّمَ (یاد گرفتن)
إِسْتَخْرَجَ وزن إِسْتَفْعَلَ وزن مصدر در جدول إِسْتِفْعَال مصدر فعل إِسْتِخْرَاج (بیرون آوردن)

نکته اگر آخر فعل ها شناسه ای وجود داشت می توانیم آن شناسه را حذف کنیم.

مثال: أَحْسَنْتُمْ حذف شناسه أَحْسَنَ وزن أَفْعَلَ وزن مصدر افعال مصدر فعل إْحْسَان
يُجَاهِدَان حذف شناسه يُجَاهِد وزن يُفَاعِلُ وزن مصدر مُفَاعَلَة مصدر فعل مُجَاهَدَة

نکته اگر مصدر فعل مضارع را خواستند که با «ی» شروع نشده بود، می توانید به جای حرف اول آن «ی» بگذارید تا کارتان راحت تر شود (اسم این کار را خودمان «تبدیل» می گذاریم).

مثال: نَفَتْخِرُ تبدیل يَفْتَحِرُ وزن يَتَفَعَّلُ وزن مصدر إِفْتِعَال مصدر فعل إِفْتِخَار
أَشْهَدُ تبدیل يُشْهَدُ وزن يُفْعَلُ وزن مصدر إِفْعَال مصدر فعل إِشْهَاد

عَيْنِ الصَّحِيح فِي تَعْيِينِ الْمَصَادِر:

(۱) تَقَدَّمَ ← تَقَدَّمَ (۲) حَاسَبْتُ ← مُحَاسَبَة (۳) يَتَشَابَهُونَ ← تَشَابِه (۴) يُكْرِمَنَّ ← تَكْرِيم

پاسخ گزینه «۲» برای پیدا کردن مصدر فعل ها طبق روشی که در قسمت قبل یاد گرفتیم، عمل می کنیم:

گزینه «۱»: تَقَدَّمَ وزن تَفَعَّلُ تبدیل يُفْعَلُ این وزن مربوط به تفعیل بوده و مصدر آن «تقدیم» است.

گزینه «۲»: حَاسَبْتُ وزن فَاعَلْتُ حذف شناسه فاعَل این وزن مربوط به مُفَاعَلَة بوده و مصدر آن «مُحَاسَبَة» است.

گزینه «۳»: يَتَشَابَهُونَ وزن يَتَفَاعَلُونَ حذف شناسه يَتَفَاعَلُ این وزن مربوط به تفاعُل بوده و مصدر آن «تَشَابُه» است.

گزینه «۴»: يُكْرِمَنَّ وزن يُفْعِلَنَّ حذف شناسه يُفْعِلُ این وزن مربوط به إِفْعَال بوده و مصدر آن «إِکرام» است.

نام گذاری: از این به بعد برای راحت تر شدن کارمان یک نام گذاری ساده انجام می دهیم؛ به این صورت که به هر ردیف از جدول فعل های مزید (که شامل وزن «ماضی، مضارع، امر و مصدر» است) یک باب می گوئیم. (چون «دری» است برای ورود به یک خانواده جدید از فعل ها!) و برای هر خانواده یا باب هم یک نام انتخاب می کنیم. این نام را از «وزن مصدر» می گیریم. پس «باب افعال» مجموعه کلماتی هستند که از وزن های «أَفْعَلُ، يُفْعَلُ، أَفْعُلُ و إِفْعَال» ساخته شده اند.

جدول کامل فعل های مزید: با توجه به کامل شدن اطلاعاتمان درباره فعل های مزید، حالا همه موارد را با هم می توانیم در جدول مقابل ببینیم. جدول زیر را به طور کامل حفظ کنید:

نام باب	وزن ماضی	وزن مضارع	وزن امر	وزن مصدر	تعداد حروف زائد
إِفْعَال	أَفْعَلُ	يُفْعَلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَال	حَرْفٌ وَاحِدٌ
تَفْعِيل	فَعَّلَ	يُفْعَلُ	فَعَّلْ	تَفْعِيل	حَرْفٌ وَاحِدٌ
مُفَاعَلَة	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَة (فِعَال)	حَرْفٌ وَاحِدٌ
إِفْتِعَال	إِفْتَعَلَ	يُفْتَعِلُ	إِفْتَعِلْ	إِفْتِعَال	حَرْفَانِ إِثْنَانِ
إِنْفِعَال	إِنْفَعَلَ	يُنْفَعِلُ	إِنْفَعِلْ	إِنْفِعَال	حَرْفَانِ إِثْنَانِ
تَفَاعُل	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُل	حَرْفَانِ إِثْنَانِ
تَفَعَّل	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعَّل	حَرْفَانِ إِثْنَانِ
إِسْتِفْعَال	إِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتَفْعِلْ	إِسْتِفْعَال	ثَلَاثَةُ حُرُوفٍ

نکته بعضی از مصدرهایی را که با وزن «مُفَاعَلَة» ساخته می شوند، می توانیم با وزن «فِعَال» هم بسازیم، یعنی «مُفَاعَلَة = فِعَال».

مُجَاهَدَة = جِهَاد

مُخَالَفَة = خِلَاف

مُحَاسَبَة = حِسَاب

یکی از مهم ترین سؤالات آزمون ها، تعیین باب فعل های ثلاثی مزید است که البته این کار دقیقاً مانند همان پیدا کردن مصدر است و البته کمی ساده تر! یعنی وزن فعل را به دست می آوریم و با جدول فعل های ثلاثی مزید مقایسه می کنیم.

عَيْنِ فِعَالٍ لَيْسَ مِنْ بَابِ «تَفَاعُل»:

(۱) تَفَاهَمَ (۲) يَتَنَاسَبُونَ (۳) تَشَابَهَ (۴) أَتَكَاسَلَ

پایه گزینۀ «۳» پاسخ این سؤال بسیار ساده است؛ چون فعل‌های باب «تَفَاعُل» همیشه با فتحه «اَ» شروع می‌شوند. پس «تَشَابُه» نمی‌تواند از باب «تَفَاعُل» باشد.

«تَشَابُه» وزن تَفَاعُل تبدیل یُفَاعَلُ ← این فعل از باب مُفَاعَلَه بوده و مصدر آن «مُشَاهَهَة» است!

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): تَفَاهَم وزن تَفَاعَل ← از باب «تَفَاعُل» و مصدر «تَفَاهَم» است.

گزینۀ (۲): يَتَنَاسَبُون حذف شناسه يَتَنَاسَبُ وزن يَتَفَاعَلُ ← از باب «تَفَاعُل» و مصدر «تَنَاسَب» است.

گزینۀ (۴): أَتَكَاسَل وزن أَتَفَاعَلُ تبدیل يَتَفَاعَلُ ← از باب «تَفَاعُل» و مصدر «تَكَاسَل» است.

عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ فِعْلِ «تَصَوَّرَ»:

(۱) فعل مضارع - للمخاطبة - مزيد ثلاثي من باب «تَفَعَّل»

(۳) فعل ماضٍ - للغائبه - مزيد ثلاثي من مصدر «تَصَوَّر»

(۲) فعل ماضٍ - للمخاطبة - مزيد ثلاثي من مصدر «تَصَوَّر»

(۴) فعل مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي من باب تَفَعِيل

پایه گزینۀ «۲» وقتی آخر فعلی شناسۀ «ت» وجود دارد یعنی آن فعل، ماضی و از صیغۀ للمخاطبة است و برای فهمیدن باب و مصدر آن هم به شکل مقابل عمل می‌کنیم: تَصَوَّرَ وزن تَفَعَّلَ ← حذف شناسه تَفَعَّلَ ← از باب تَفَعَّل و مصدر «تَصَوَّر» است.

نکته هر فعل امری که با «أ» (همزه فتحه‌دار) شروع شود حتماً مربوط به باب اِفعال است.

مثال «أَكْرِمْ، أَحْسِنُوا، ادْخُلِي» همگی از باب اِفعال هستند.

مشابهت باب‌ها

به نظر تان فعل «انْتَظَرَ» از چه بابی است؟ اگر خیلی عجولانه جواب بدهیم می‌گوییم چون اولش «ان» دارد، پس حتماً بر وزن «انْفَعَلَ» و از باب انفعال است ولی اگر کمی با دقت نگاه کنیم ۳ حرف اصلی آن «ن ظ ر» است؛ پس: انْتَظَرَ وزن اِفْتَعَلَ ← از باب اِفْتِعال است نه اِنْفِعال.

پس باید دقت کنید که گاهی فعل‌ها ظاهرشان شبیه یک باب بوده ولی در اصل مربوط به یک باب دیگرند. این موارد معمولاً بین باب‌های زیر اتفاق می‌افتد.

الف) باب‌های افعال و انفعال: اگر فعلی را دیدید که حرف دوم آن «ن» بود، با عجله به باب انفعال اشاره نکنید، بلکه دقت کنید که:

۱) اگر حرف «ن» جزء حروف اصلی فعل بود ← از باب افعال است.

مثال: انْتَظَرَ (ن ظ ر)، انْتَبَهَ (ن ب ه)، انْتَشَرَ (ن ش ر)، انْتَصَرَ (ن ص ر) ← از باب افعال هستند.

۲) اگر حرف «ن» جزء حروف اصلی فعل نبود ← از باب انفعال است.

مثال: انْبَعَثَ (ب ع ث)، انْقَطَعَ (ق ط ع)، انْهَزَمَ (ه ز م)، انْكَسَرَ (ك س ر) ← از باب انفعال هستند.

عَيْنُ فِعْلًا لَيْسَ مِنْ بَابِ «اِفْتِعال»:

(۱) اِكْتَسَبْنَا (۲) تَنَكَّسَرْنَا (۳) اِنْتَظَرِي (۴) نَقْتَرِبْ

پایه گزینۀ «۲» بررسی گزینه‌ها: گزینۀ (۱): اِكْتَسَبْنَا وزن اِفْتَعَلْنَا ← حذف شناسه اِفْتَعَلَ ← مربوط به باب «اِفْتِعال» است! / گزینۀ

(۲): تَنَكَّسَرْنَا وزن تَنَفَّعَلْنَا ← حذف شناسه تَنَفَّعَلْ ← مربوط به باب «انفعال» است! / گزینۀ (۳): اِنْتَظَرِي وزن اِفْتَعَلِي ← حذف شناسه

اِفْتَعَلْ ← مربوط به باب «اِفْتِعال» است! / گزینۀ (۴): نَقْتَرِبْ وزن نَقْتَعِلْ ← مربوط به باب «اِفْتِعال» است!

نکته دقت کنید که فعل‌هایی مانند «اُنْشَدَ» (سرود) و «اُنْتَجَ» (تولید کرد) از باب افعال هستند.

ب) باب‌های افعال و استفعال: اگر فعلی را دیدید که با «اِست» شروع شده نباید فکر کنید «حتماً از باب استفعال است»، بلکه باید وزن فعل را با دقت به دست بیاورید و بعد نظر بدهید؛ چون:

۱) اِسْتَمَعَ (س م ع)، اِسْتَتَرَ (س ت ر)، اِسْتَلَمَ (س ل م) ← از باب افعال هستند چون حرف «س» جزء حروف اصلی آن‌هاست.

۲) اِسْتَعْفَرَ (غ ف ر)، اِسْتَشْرَقَ (ش ر ق)، اِسْتَكْبَرَ (ك ب ر) ← از باب استفعال هستند چون «س» جزء حروف اصلی نیست.

ج) باب‌های تَفَعَّل و تَفَعَّل: گاهی فعل‌های دو باب «تفعیل» و «تفعَّل» به هم شبیه می‌شوند و تشخیص این دو باب از هم بارها سؤال آزمون‌های مختلف بوده. برای شروع به دو فعل زیر توجه کنید:

۱) تَفَعَّلَ ← فعل ماضی، بر وزن «تَفَعَّل» مربوط به باب تفعَّل

۲) تَفَعَّلَ ← فعل مضارع (آخرش ضمه دارد)، بر وزن «تَفَعَّل» مربوط به باب تفعیل

حالا باید ببینیم که این دو فعل و فعل‌های مانند آن‌ها را چه‌طور باید از هم تشخیص بدهیم. برای این کار از راه‌های زیر می‌توانیم وارد شویم:

با دقت کردن در حرکات‌ها: اگر فعلی داده‌شده حرکت‌گذاری شده بود، به سادگی می‌توانیم باب آن را تشخیص دهیم. دقت کنید که فعل‌های باب تفعَّل فقط فتحه دارند ولی فعل در باب تفعیل ممکن است حرکاتش متنوع باشد.

مثال: تُنَبَّه ← از حرکات این فعل مشخص است که بر وزن «تَفَعَّل» و از باب «تَفَعَّل» است.

تُنَبَّه ← در این فعل حرکات‌های مختلفی دیده می‌شود، پس بر وزن «تَفَعَّل» و از باب تفعیل است.

عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ فِعْلِ «تَكَبَّرَ»:

(۱) للمخاطب (۲) من باب تَفَعَّل (۳) مصدره «تَكَبَّر» (۴) ماضٍ

پایه گزینۀ «۱» وقتی آخر فعل ضمه آمده یعنی فعل داده‌شده مضارع است (رد گزینۀ ۴) و چون عین‌الفعل آن کسره دارد نمی‌تواند از باب

تَفَعَّل و مصدر «تَكَبَّر» باشد چون در باب تفعَّل، اصلاً کسره نداریم؛ پس «تَكَبَّر» از باب تفعیل و مصدر «تَكَبِير» است.

با دقت کردن در شرایط جمله

اگر فعلی مانند «تقدّم» بدون علامت بیاید، برای این که بدانیم برای باب تفعیل است یا تفعل، باید به شرایط جمله دقت کنیم. به این صورت که:

۱) اگر آن فعل برای غایب مذکر به کار رفته باشد برای باب **تَفَعَّلَ** محسوب می شود.

۲) اگر مشخص شود که آن فعل، مضارع است، می توانیم بگوییم برای باب **تَفَعَّلَ** است.

مثال «بعد قراءه إنشائي تنبه التلميذ المشاغبا»

در این جمله فعل «تنبه» برای «التلميذ» به کار رفته که «غائب مذکر» به حساب می آید، پس «تَنَبَّهَ» از باب تفعّل است.

عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ مَوَادِّ الْأَفْعَالِ:

۱) ﴿لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا﴾ ← تحمّل

۲) تَغَيَّرَ أَسْلُوبُ حَيَاةِ هَذَا الرَّجُلِ ← تغییر

۳) هِيَ تَتَفَكَّرُ عَنْ نَفَقَاتِ دَرَاةٍ بَنَتْهَا ← تفكّر

۴) نَحْنُ تَعَلَّمْنَا هَذَا الدَّرْسَ الْجَدِيدَ بِسَهُولَةٍ ← تعلّم

پایخ گزینه «۴» فعل «تعلّمنا» یک فعل ماضی است (چون آخرش شناسه «نا» دارد) و از همین مورد متوجه می شویم که بر وزن «تَفَعَّلْنَا» و از باب تفعّل است، پس مصدر آن «تعلّم» است.

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۱): آمدن حرف «لا» نشان می دهد که «تَحْمَلُ» یک فعل مضارع است و طبق نکته ای که قبلاً گفتیم باید این فعل را از باب تفعیل و مصدر «تحمیل» بدانیم. / گزینه (۲): با توجه به وجود «هَذَا الرَّجُلِ» می فهمیم که «تَغَيَّرَ» فعل «غائب مذکر» است پس از باب تفعّل بوده و مصدر آن «تغیّر» است نه «تغییر». / گزینه (۳): از ضمیر «هي» می فهمیم که «تَفَكَّرَ» فعل مضارع است (فعل های ماضی مربوط به «هي» آخرشان «ت» دارد)، پس این فعل از باب تفعیل است نه تفعّل.

عَيْنُ الْخَطَا:

۱) هِيَ تَصَوِّرُ هَذِهِ الْمَنْظَرَةَ الْجَمِيلَةَ ← من مصدر «تصویر»

۲) تَقَدَّمَ التَّلْمِيزُ فِي دُرُوسِهِ كَثِيرًا ← من باب «تفعیل»

۳) دَافَعَتِ النِّسَاءُ عَنْ هَوِيَّتِهِنَّ الْإِسْلَامِيَّةِ ← من مصدر «دفاع»

۴) تَنْتَشِرُ الْأَخْلَاقُ فِي الْمَجْتَمَعِ بِحُضُورِ الْمُؤْمِنِينَ ← من باب «افتعال»

پایخ گزینه «۲» چون «تقدّم» با «التلميز» آمده پس از صیغه للغائب (هو) است و طبق نکته بالا نمی تواند از باب تفعیل باشد، بلکه فعل ماضی و بر وزن «تَفَعَّلَ» و از باب تَفَعَّلَ و مصدر «تقدّم» است.

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۱): «تَصَوِّرُ» با ضمیر «هي» به کار رفته پس فعل مضارع و بر وزن «تَفَعَّلَ» است؛ بنابراین از باب «تفعیل» و مصدر «تصویر» است. / گزینه (۳): «دافعت» بر وزن «فاعَل» و از باب مفاعلة است؛ بنابراین مصدر آن «مُدافعة» یا «دِفاع» است. / گزینه (۴): «تنتشر» از حروف اصلی «ن ش ر» ساخته شده؛ پس از وزن «تَفْتَعِلُ» و از باب افتعال است.

د) باب های مفاعلة و تفاعل: شباهت فعل ها در این دو باب هم دقیقاً مانند شباهت در باب های تفعّل و تفعیل است؛ یعنی از روی حرکات فعل یا زمان آن یا صیغه فعل داده شده می توانیم به باب و مصدر آن برسیم. دقت کنید که فعل های باب «تفاعل» مانند فعل های باب تفعّل، اصلاً کسره ندارند، اما اگر فعل را بدون حرکت دیدید از روی زمان یا شخص آن مصدرش را پیدا کنید به این صورت که:

■ اگر فعل داده شده مضارع بود حتماً از باب مفاعلة است و اگر «مذکر غایب» بود از باب تفاعل است.

مثال • تَعَامَلَ (هو) ← فعل ماضی، للغائب، مزید ثلاثی من باب تفاعل و مصدره «تعامل»

• تَعَامِلُ (هي) یا (أنت) ← فعل مضارع، للمخاطب (أو للغائبة)، مزید ثلاثی من باب مفاعلة و مصدره «مُعَامَلَة»

عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَصْدَرِ لِفِعْلِ أَشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: «كَانَتْ تَرَاخِمُ».

۱) تَرَخَّمَ ۲) تَرَاخِمُ ۳) تَرَحِّمُ ۴) مُرَاحِمَةٌ

پایخ گزینه «۴» از فعل «كانت» که مؤنث غایب است، متوجه می شویم که فعل «تَرَاخِمُ» مضارع است (چون اگر ماضی بود آخرش «ت» داشت) و چون مضارع است می فهمیم که از باب «مفاعلة» و مصدر «مُراحمة» است.

اعداد حروف زائد الفعل

همان طور که در تعریف افعال مزید یاد گرفتیم، این فعل ها هر کدام دارای تعدادی حرف اضافه یا زائد هستند. برای این که تعداد حروف زائد یک فعل را بگوییم نباید به ظاهر آن اعتماد کنیم، چون طبق قرارداد، تعداد حروف های زائد یک فعل را از روی ماضی همان فعل در صیغه «لِالْغَائِبِ» محاسبه می کنند.

مثال کم حرفاً زائداً لفعل «تُرْسِلُ»؟

برای این که تعداد حروف زائد «تُرْسِلُ» را بگوییم باید به ماضی آن یعنی «أَرْسَلَ» توجه کنیم که مشخص است یک حرف زائد دارد: «له حرف زائد واحد».

عَيْنُ الْخَطَا عَنْ عَدَدِ الْحُرُوفِ الزَّائِدَةِ فِي الْأَفْعَالِ:

۱) يُدَافِعُونَ ← حرف واحد ۲) تُنَزَّلُ ← حرفین اثنین ۳) يَسْتَقْبِلُونَ ← ثلاثة حروف ۴) انتخبنا ← حرفین اثنين

پایخ گزینه «۲» برای این که تعداد حروف زائد این فعل ها را مشخص کنیم باید آن ها را به صیغه اول ماضی برگردانیم:

گزینه (۱): يُدَافِعُونَ ← ماضی دَافَعَ ← یک حرف زائد دارد. / گزینه (۲): تُنَزَّلُ ← ماضی نَزَّلَ ← یک حرف زائد دارد. / پس گزینه جواب همین است. / گزینه (۳): يَسْتَقْبِلُونَ ← ماضی اسْتَقْبَلَ ← ۳ حرف زائد دارد. / گزینه (۴): انتخبنا ← ماضی انتخب ← دو حرف زائد دارد.

البته خوب است بدانیم که تعداد حروف زائد تمام فعل‌های یک باب، ثابت و یکسان است. مثلاً تمام فعل‌های باب «إفعال» یک حرف زائد دارند چون ماضی همه آن‌ها با وزن «أَفْعَلْ» ساخته می‌شود؛ پس از روی باب فعل‌ها هم می‌توانیم تعداد حروف زائدشان را بگوییم. تعداد حروف زائد باب‌های مختلف را در قسمت زیر می‌بینید.

باب افعال	باب افعال	باب افعال
باب انفعال	باب انفعال	باب انفعال
باب تفعّل	باب تفعّل	باب تفعّل
باب تفاعل	باب تفاعل	باب تفاعل

عَيْنُ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِيّ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ:	عَيْنُ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِيّ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ:	عَيْنُ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِيّ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ:
تَنْتَفِعِينَ (۱)	يُشَاوِرَانِ (۲)	يَتَعَايَشُونَ (۳)
أَشْتَغِلُ (۴)		

گزینه ۲: طبق صورت سؤال باید فعلی را انتخاب کنیم که از یکی از باب‌های «إفعال، تفعیل یا مفاعلة» باشد.

یُشَاوِرَانِ وزن «يُفَاعِلُ» از باب «مُفَاعَلَة»

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): تَنْتَفِعِينَ تبدیل «يَنْتَفِعُ» وزن «يَفْتَعِلُ» از باب «إفعال» دو حرف زائد دارد. / گزینه (۳): يَتَعَايَشُونَ تبدیل «يَتَعَايَشُ» وزن «يَتَفَاعَلُ» از باب «تَفَاعُل» دو حرف زائد دارد. / گزینه (۴): أَشْتَغِلُ تبدیل «يَشْتَغِلُ» وزن «يَفْتَعِلُ» از باب افعال دو حرف زائد دارد.

مشابهت امر و ماضی

آیا می‌توانید تفاوت‌های دو فعل «أَحْسَنُوا» و «أَحْسِنُوا» را در موارد زیر بگویید؟
 ۱ ماضی هستند یا امر؟ ۲ مخاطب هستند یا غایب؟ ۳ کدامشان با «هَم» و کدامشان با «أَنْتُمْ» می‌توانند به کار بروند؟

برای فهمیدن جواب این سؤالات به مطلب زیر دقت کنید:

أَحْسَنَ (ماضی) هَم ← أَحْسِنُوا پس این فعل، ماضی صیغه للغائبین است.

أَنْتُمْ تُحْسِنُونَ امر ← أَنْتُمْ أَحْسِنُوا پس این فعل، امر صیغه للمخاطبین است.

هرگاه بین ماضی یا امر بودن یک فعل مزید، تردید داشتید می‌توانید از موارد زیر کمک بگیرید:

علامت عین الفعل ← اگر علامت عین الفعل کسره بود آن فعل امر است و اگر فتحه بود، آن فعل ماضی است.

محل ← اِسْتَغْفِرُوا، جَاهِدُنْ، اِسْتَغْلَا ← امر و مخاطب هستند.

ضمیر ← اگر همراه فعل ضمیر مخاطب به کار برود، آن فعل امر است و اگر ضمیر غایب به کار برود، آن فعل ماضی است.

محل • جاهدوا } أَنْتُمْ جاهدوا ← امر است.

• جاهدوا } هُمْ جاهدوا ← ماضی است.

عَيْنُ الْخَطَأِ:

هَمَّا اِسْتَغْفَرَا (۱) أَنْتُمَا تَسْتَغْفِرَانِ (۳) هُنَّ اِسْتَغْفِرْنَ (۴)

گزینه ۴: بررسی گزینه‌ها:

«اِسْتَغْفَرَا» در گزینه (۱) چون به شناسه «تَا» ختم شده است، پس فعل ماضی مثنای مؤنث غایب است و ضمیر «هُمَا» دقیقاً درست است!

در گزینه (۲) «اِسْتَغْفَرَا» فعل ماضی مثنای مذکر غایب است، پس «هُمَا» باز هم درست است. (دقت کنید که حرف وسط این فعل، فتحه (ـَ) دارد!)

در گزینه (۳) «تَسْتَغْفِرَانِ» فعل مضارعی است که می‌توانیم با ضمیر «هُمَا» یا «أَنْتُمَا» به کار ببریم.

اما در گزینه (۴) در «اِسْتَغْفِرْنَ» عین الفعل، کسره (ـِ) دارد، پس این فعل، امر است و باید قبل از آن ضمیر مخاطب «أَنْتُنَّ» به کار برود نه «هُنَّ»؛ پس جواب، گزینه (۴) است.

بَيِّنِ الصُّحُفَ فِي مَدِينَتِهِمْ! عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ:

اِسْتَغْلُوا (۱) يَشْتَغِلُونَ (۲) اِسْتَغْلُوا (۳) كَانُوا يَشْتَغِلُونَ (۴)

گزینه ۱: اگر به ضمیر «هَم» در آخر جمله دقت کنیم، متوجه می‌شویم که فعلی که در جای خالی قرار می‌گیرد، باید غایب باشد؛ پس «يَشْتَغِلُونَ» در گزینه (۲) (مشغول هستند) و «كَانُوا يَشْتَغِلُونَ» در گزینه (۴) (مشغول بودند) درست هستند.

در گزینه (۱) در «اِسْتَغْلُوا» عین الفعل کسره دارد، پس این فعل، امر مخاطب است و نمی‌تواند مناسب این جای خالی باشد و در گزینه (۳) چون عین الفعل فتحه دارد، پس این فعل ماضی است و می‌تواند صحیح باشد.

نکته: در دو باب «تَفَاعُل» و «تَفَعَّل» از علامت عین الفعل برای تشخیص فعل امر از ماضی نمی توان استفاده کرد چون در هر دو حالت، عین الفعل فتحه دارد.

تَعَلَّمَ (ماضی) ← هُم تَعَلَّمُوا { کاملاً شبیه هم هستند و فقط
تَعَلَّمُونَ (اتَم) ← هُم تَعَلَّمُوا { کاملاً شبیه هم هستند و فقط
تَعَلَّمُوا (ماضی) ← هُم تَعَلَّمُوا { کاملاً شبیه هم هستند و فقط
تَعَلَّمُوا (ماضی) ← هُم تَعَلَّمُوا { کاملاً شبیه هم هستند و فقط

عین الخطأ عن فعل «تَقَدَّمُوا»:

(۱) فعل ماضی (۲) فعل أمر (۳) مزید ثلاثی (۴) مَصْدَرُهُ (تقدیم)
گزینه «۴» «تَقَدَّمُوا» بر وزن «تَفَعَّلُوا» است و اگر شناسه آخرش را حذف کنیم، به «تَفَعَّل» می رسیم که نشان می دهد این فعل از باب «تَفَعَّل» بوده و مصدرش «تَقَدَّم» است نه «تقدیم»!
فعل هایی که بر وزن «تَفَعَّلُوا» هستند، می توانند امر یا ماضی باشند، پس گزینه های (۱) و (۲) صحیح اند!

نکته: مشابهت بین امر و ماضی فقط در صیغه های زیر رخ می دهد:

{ هُمَا (ماضی) } { هُمَا (ماضی) } { هُمَا (ماضی) }
{ أَنْتَ (امر) } { أَنْتَ (امر) } { أَنْتَ (امر) }

پس فعل هایی مانند «أَحْسَنْتَ، أَحْسَنْتُمْ، أَحْسِنِي» کاملاً مشخص است که امر هستند یا ماضی. چون شناسه های «ت» یا «ثم» مخصوص ماضی است و شناسه «ی» در فعل های ماضی وجود ندارد.

عین عبارة لَيْسَ فيها فعل الأمر:

(۱) أَنْظِرُوا إِلَى طَعَامٍ تَأْكُلُونَ! (۲) أَيُّهَا الْوَالِدَانِ، تَكَلَّمَا مَعَ الْأَوْلَادِ حَوْلَ مَشَاكِهَمَا!
(۳) اسْتَعْدِمُوا الْأَمْثَالَ فِي كَلَامِكُمْ! (۴) اقْتَرِبُوا مِنَ الْحَدِيقَةِ فَجَلَسُوا تَحْتَ الْأَشْجَارِ!
گزینه «۴» در فعل «اقْتَرِبُوا» عین الفعل فتحه (ز) دارد، پس این فعل نمی تواند امر باشد. این موضوع را از فعل غایب «جَلَسُوا» هم می توان فهمید. (به باغ نزدیک شدند و زیر درختان نشستند!)
بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۱): «أَنْظِرُوا» فعل امر از «تَنْظُرُونَ» است. / گزینه (۲): «أَيُّهَا الْوَالِدَانِ» نشان می دهد که «تَكَلَّمَا» فعل مخاطب امر است. (ای پدر و مادر! با فرزندان درباره مشکلاتشان صحبت کنید!) / گزینه (۳): عین الفعل در «اسْتَعْدِمُوا» کسره دارد، پس این فعل، امر است. (ضرب المثل ها را در سخن خود به کار ببرید!)

کارگاه ترجمه

برای بیشتر شدن اطلاعات ترجمه، خوب است بدانید که هر یک از باب های ثلاثی مزید، چه تأثیری در ترجمه فعل ها دارند. در این قسمت به تأثیر باب ها در ترجمه می پردازیم.

(۱) باب های افعال و تفعیل: فعل هایی که از باب های افعال یا تفعیل هستند را طوری ترجمه می کنیم که «مفعول پذیر» باشند.

أَخْرَجَ ← بیرون آورد، بیرون آمد نَزَلَ ← پایین آورد، پایین آمد أَجَزَى ← جاری کرد، جاری شد
أَشْعَلَ ← شعله ور کرد، شعله ور شد حَرَكَ ← حرکت داد، حرکت کرد طَيَّرَ ← پراند، پرواز کرد

(۲) باب انفعال: فعل هایی که از این باب هستند هیچ گاه مفعول نمی گیرند؛ پس طوری ترجمه می شوند که نیازی به مفعول نداشته باشند.

مِنَالٌ → انْبَعَثَ ← فرستاده شد، فرستاد انْقَطَعَ ← قطع شد، قطع کرد

(۳) باب تفاعل: معمولاً در ترجمه فعل های این باب از کلماتی مانند «همدیگر، یکدیگر و ...» کمک می گیریم.

مِنَالٌ → تَعَاوَنَ → همکاری کرد / کردند تَشَابَهَ → به یکدیگر شبیه شد / شدند تَعَايَشَ → همزیستی کرد / کردند
تَعَارَفَ → یکدیگر را شناخت / شناختند تَرَاخَمَ → به یکدیگر مهربانی کرد / کردند

(۴) باب تفعَّل: معمولاً در ترجمه فعل های این باب از فعل «شد» کمک می گیریم (تا جایی که امکان دارد، مفعول نگیرد).

مِنَالٌ → تَغَيَّرَ → عوض شد، عوض کرد تَخَلَّصَ → رها شد، رها کرد تَجَمَّعَ → جمع شد، جمع کرد تَجَلَّى → جلوه گر شد، جلوه گر کرد

البته در مواردی، این نوع ترجمه جواب نمی دهد:

تَعَلَّمَ: یاد گرفت تَعَجَّبَ: تعجب کرد تَكَلَّمَ: صحبت کرد تَقَدَّمَ: پیشرفت کرد

عین الترجمة الصحيحة:

(۱) الجِرَاءُ تَدِيرُ عَيْنَهَا دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا! آفتاب پرست چشمش را می گرداند بدون این که سرش حرکت کند!

(۲) ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ بدی ها با خوبی ها از بین می روند!

(۳) بهذه الأضواء تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ! با این نورها تاریکی دریا را به روزی روشن تغییر داد!

(۴) تَضَارَبْنَا فَتَدَخَّلَ الْمَدِيرُ وَنَدَّمْنَا! همدیگر را زدیم پس مدیر دخالت کرد و ما را پشیمان کرد!

گزینه «۴» در این گزینه: «تَضَارَبْنَا» (باب تفاعل): همدیگر را زدیم - «تَدَخَّلَ» (باب تفعَّل): دخالت کرد - «نَدَّم» (باب تفعیل): پشیمان کرد

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۱): «تَحَرَّكَ» از باب تفعیل است؛ پس باید «حرکت دهد» ترجمه شود نه «حرکت کند». / گزینه (۲): «يُذْهِبْنَ» از باب افعال

است؛ پس باید «می برد» ترجمه شود. / گزینه (۳): «تَحَوَّلَ» از باب تفعَّل است؛ بنابراین ترجمه درست آن متحوَّل شد (تغییر یافت) است نه «تغییر داد».

فعل‌های هم خانواده و پر کاربرد: در پایان این درس، خوب است فعل‌های هم خانواده‌ای که در باب‌های مختلف به کار می‌روند را مرور کنیم. مطمئن باشید یادگرفتن آن‌ها در آزمون‌های مختلف به شما کمک می‌کند.



جدول (۱): ریشه «عَلِمَ»		جدول (۲): ریشه «جَلَسَ»		جدول (۳): ریشه «صَدَقَ»		جدول (۴): ریشه «قَبِلَ»	
فعل	معنی ماضی	فعل	معنی ماضی	فعل	معنی ماضی	فعل	معنی ماضی
عَلِمَ (يَعْلَمُ)	دانست	جَلَسَ (يَجْلِسُ)	نشست	صَدَقَ (يُصَدِّقُ)	راست گفت	قَبِلَ (يَقْبَلُ)	پذیرفت
عَلَّمَ (يُعَلِّمُ)	یاد داد	أَجْلَسَ (يُجْلِسُ)	نشاند	صَادَقَ (يُصَادِّقُ)	دوستی کرد	قَبَّلَ (يَقْبَلُ)	بوسید
تَعَلَّمَ (يَتَعَلَّمُ)	یاد گرفت	جَالَسَ (يُجَالِسُ)	همنشینی کرد	صَدَّقَ (يُصَدِّقُ)	باور کرد	قَابَلَ (يُقَابِلُ)	روبه‌رو شد
				تَصَدَّقَ (يَتَصَدَّقُ)	صدقه داد	اِسْتَقْبَلَ (يَسْتَقْبِلُ)	استقبال کرد

جدول (۵): ریشه «خَرَجَ»		جدول (۶): ریشه «عَمِلَ»		جدول (۷): ریشه «عَرَفَ»	
فعل	معنی ماضی	فعل	معنی ماضی	فعل	معنی ماضی
خَرَجَ (يَخْرُجُ)	خارج شد، بیرون رفت	عَمِلَ (يَعْمَلُ)	کار کرد	عَرَفَ (يَعْرِفُ)	شناخت، فهمید
أَخْرَجَ (يُخْرِجُ)	خارج کرد، درآورد	عَامَلَ (يُعَامِلُ)	رفتار کرد	تَعَرَّفَ (يَتَعَرَّفُ)	آشنا شد
تَخَرَّجَ (يَتَخَرَّجُ)	فارغ‌التحصیل شد، دانش‌آموخته شد	تَعَامَلَ (يَتَعَامَلُ)	دادوستد کرد	تَعَارَفَ (يَتَعَارَفُ)	(یکدیگر را) شناخت / شناختند
اِسْتَخْرَجَ (يَسْتَخْرِجُ)	بیرون آورد، استخراج کرد	اِسْتَعْمَلَ (يَسْتَعْمِلُ)	به کار گرفت	أَعْرَفَ (يُعْرِفُ)	شناساند

جدول (۸): ریشه «رَجَعَ»		جدول (۹): ریشه «سَلِمَ»		جدول (۱۰): ریشه «حَدَّثَ»		جدول (۱۱): ریشه «دَخَلَ»	
فعل	معنی ماضی	فعل	معنی ماضی	فعل	معنی ماضی	فعل	معنی ماضی
رَجَعَ (يَرْجِعُ)	بازگشت	سَلِمَ (يَسْلَمُ)	سالم ماند	حَدَّثَ (يُحَدِّثُ)	رخ داد، اتفاق افتاد	دَخَلَ (يَدْخُلُ)	وارد شد
أَرْجَعَ (يُرْجِعُ)	بازگرداند	سَلَّمَ (يُسَلِّمُ)	سلام کرد، تحویل داد	أَحَدَّثَ (يُحَدِّثُ)	ایجاد کرد	أَدْخَلَ (يُدْخِلُ)	وارد کرد
اِسْتَرْجَعَ (يَسْتَرْجِعُ)	پس گرفت	أَسْلَمَ (يُسَلِّمُ)	اسلام آورد	حَدَّثَ (يُحَدِّثُ)	صحبت کرد	تَدَخَّلَ (يَتَدَخَّلُ)	داخلت کرد
رَاجَعَ (يُرَاجِعُ)	مرور کرد، مراجعه کرد	اِسْتَلَمَ (يَسْتَلِمُ)	دریافت کرد	تَحَدَّثَ (يَتَحَدَّثُ)	صحبت کرد		
		اِسْتَسَلَّمَ (يَسْتَسَلِمُ)	تسلیم شد				



جاهز: آماده	اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست (اِسْتَغْفَرَ، يَسْتَغْفِرُ)
جواز: گذرنامه	إِصْصَار: گردباد، طوفان
حَسَنًا: بسیار خوب	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی
حَمَلٌ: تحمیل کرد، بار کرد (حَمَلَ، يُحْمَلُ)	اِنْتَبَهَ: آگاه شد، بیدار شد (اِنْتَبَهَ، يَنْتَبِهُ)
حَيَّرَ: به تعجب انداخت (حَيَّرَ، يُحَيِّرُ)	اِنْفَتَحَ: باز شد (اِنْفَتَحَ، يَنْفَتِحُ)
سَنَوِي: سالانه	اِنْقَطَعَ: قطع شد (اِنْقَطَعَ، يَنْقُطِعُ)
سوداء: سیاه (مَوْنٌ «أَسْوَد»)	إِطَاقَة: بلیت، کارت
شَرَفْتُمْ: مشرف فرمودید	بِقَاع: مکان‌ها، قطعه‌های زمین (مفرد: «بُقْعَة»)
ظاهرة: پدیده	بِهَائِم: چهارپایان اهلی (مفرد: «بَهِيمَة»)
فريق: تیم، گروه	تَشِير: برمی‌انگیزد (أَنَارَ، يُشِيرُ)
فيلم: فیلم (مفرد «أفلام»)	تَخَرَّجَ: فارغ‌التحصیل شد (تَخَرَّجَ، يَتَخَرَّجُ)
كَانَ: گویا، مثل این‌که	تَرَى: می‌بینی
مُحِيط: اقیانوس	تَسَاقَطَ: افتاد (تَسَاقَطَ، يَتَسَاقَطُ)
مُرافِق: همراه	تُصْبِحُ: می‌شود (أُصْبِحَ، يُصْبِحُ)
مَرَحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید	تُصَدِّقُ: باور می‌کنی (صَدَّقَ، يُصَدِّقُ)
مفروش: پوشیده، فرش شده	تَعَارَفَ: آشناسدن (تَعَارَفَ، يَتَعَارَفُ)
مِهْرَجَان: جشنواره	تَفْتِيش: بازرسی
نُزُول: پایین آمدن	تُمْطِرُ: می‌بارد (أَمْطَرَ، يُمِطِرُ)
نیام: خفتگان (مفرد: «نَائِم»)	تَنَاوَل: خوردن
يَنْسَطُ: می‌گستراند (بَسَطَ، يَبْسُطُ)	ثَلَج: برف، یخ
يَحْتَفِلُ: جشن می‌گیرد (اِحْتَفَلَ، يَحْتَفِلُ)	جَادَل: جدال و دشمنی کرد (جَادَلَ، يُجَادِلُ)

یُرْسَلُ: می فرستد (أُرْسِلَ، یُرْسَلُ)

یساز: چپ

یَسْحَبُ: می کشد (سَحَبَ، یَسْحَبُ)

یُسَمِّي: می نامد (سَمَّى، یُسَمِّي)

تَرَى = تُشَاهِدُ (می بینی)

أَضْبَحَ = صَارَ (شد)

نُزُول = سَقُوط (پایین آمدن)

حَيَّرَ = أَعْجَبَ (به تعجب انداخت)

هَجَرَ = تَرَكَ (رها کرد)

يَبْسُطُ = يَنْشُرُ (می گستراند)

إِثْبَتَهُ (بیدار شد) \neq **نَامَ** (خوابید)

رَفَعَ (بالا برد) \neq **أَنْزَلَ** (پایین آورد)

تَسَاقَطَ (افتاد) \neq **ضَعِدَ** (بالا رفت)

يَمِين (راست) \neq **يسار** (چپ)

يَبْسُطُ (می گستراند) \neq **يَجْمَعُ** (جمع می کند)

رَجَاء (امیدواری) \neq **يَأْس** (ناامیدی)

أَتَقَى: باتقواترین

اجتناب: دوری کردن، خودداری کردن

إِحْتَرَمَ: احترام گذاشت (احْتَرَمَ، يَحْتَرِمُ)

إِحْتِفَاط: نگه داشتن

إِسَاءة: بدی کردن

إِسْتَوَى: برابر است (اِسْتَوَى، يَسْتَوِي)

أَشْرَكَ: شریک قرار داد (أَشْرَكَ، يُشْرِكُ)

إِعْتَصَمَ: چنگ زد (إِعْتَصَمَ، يَعْتَصِمُ)

أَكَّدَ: تأکید کرد (أَكَّدَ، يُؤَكِّدُ)

إكراه: اجبار

أَكْرَمَ: گرامی ترین

أُنْثَى: زن، جنس ماده

إِيجَاد التَّفَرُّقَةِ: تفرقه افکنی

تَجَلَّى: جلوه گر شد، ظاهر شد (تَجَلَّى، يَتَجَلَّى)

تَشَابَه: همانند شد، شبیه شد (تَشَابَهَ، يَتَشَابَهُ)

تَعَارَفَ: با هم آشنا شدند (تَعَارَفَ، يَتَعَارَفُ)

تَعَاشَرَ: با هم معاشرت کردند (تَعَاشَرَ، يَتَعَاشَرُ)

تَعَالَى: بیا

تَعَايَشَ: با هم زندگی کردند، همزیستی کردند (تَعَايَشَ، يَتَعَايَشُ)

تَفَرَّقَ: پراکنده شد (تَفَرَّقَ، يَتَفَرَّقُ)

تَقَاعُد: بازنشستگی

جَالَسَ: همنشینی کرد (جَالَسَ، يُجَالِسُ)

جَمَارَك: گمرکات (مفرد: «جمرک»)

حَبَل: ریسمان، طناب

حُرَيَّة: آزادی

حَمِيم: صمیمی و گرم

خِلَاف: اختلاف

خُمْس: یک پنجم

دَعَا: دعا کرد، فراخواند (دَعَا، يَدْعُو)

يُلَاحِظُ: ملاحظه می کند (لَا حِظَّ، يُلَاحِظُ)

يُمْسِكُ: به دست می گیرد، نگه می دارد (أَمْسَكَ، يُمْسِكُ)

يَمِين: راست

تَسَاقَطَ = وَقَعَ (افتاد)

تَنَاوُل = أَكَلَ (خوردن)

يُرْسِلُ = يَبْعَثُ (می فرستد)

تَكَلَّمَ = تَحَدَّثَ (صحبت کرد)

حَفْلَةٌ = مَهْرَجَان (جشن)

جَاهِز = حَاضِر (آماده)

إِنْقَطَعَ (قطع شد) \neq **إِنْتَصَلَ** (وصل شد)

نُزُول (پایین آمدن) \neq **صُعُود** (بالا رفتن)

صَدَّقَ (باور کرد) \neq **كَذَّبَ** (تکذیب کرد)

سَوْدَاء (سیاه) \neq **بَيْضَاء** (سفید)

بَعْدَ (دور شد) \neq **قَرَبَ** (نزدیک شد)

بِهَائِم (چهارپایان اهلی) \neq **وُحُوش** (درندگان)

دَفَعَ: دور کرد

ذَكَرَ: مرد، جنس نر

ذِكْرِيَّات: خاطرات

سَبَّ: دشنام داد (سَبَّ، يَسُبُّ)

سُكَّان: ساکنان (جمع «ساکن»)

سَلَمِي: صلح آمیز (سَلِمَ: صلح)

سَوَاء: برابر

صَالَة: سالن

صُدَاع: سردرد

عَجَمِي: غیر عربی

عَذَرَ: عذر را پذیرفت (عَذَرَ، يَغْذِرُ)

عُصُور: دوران ها (جمع «عصر»)

على مَرَّ العُصُور: در گذر زمان

عَمِيل: مزدور

فَرَح: خوشحال

فَرَع: خالی شد (فَرَعَ، يَفْرُغُ)

فَضَل: برتری

قائد: رهبر، فرمانده

قائم: استوار

قِشْر: پوست

لَدَى: نزد (لَدَيْهِمْ: دارند)

ماشِي: راه رفت با ... (ماشِي، يُمَاشِي)

مَرَّ: گذشت، عبور کرد (مَرَّ، يَمُرُّ)

مَسْمُوحَة: مجاز

مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً

مُهْدِي: آرام بخش

وَلِي: دوست

يَجُوزُ: جایز است (جَازَ، يَجُوزُ)

فَرَحَ = سُرَّ (خوشحال شد)
دَفَعَ = طَرَدَ (دور کرد، راند)
تَجَلَّى = ظَهَرَ (آشکار شد)
مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءً (لطفاً)

إِجْتَنَبَ = اِمْتَنَعَ (خودداری کرد)
لَدَى = عِنْدَ (نزد)
مَسْمُوحٌ = جَائِزٌ (مجاز)
زَادَ = كَثُرَ (زیاد شد)

أُنْثَى (جنس ماده، زن) ≠ ذَكَرٌ (جنس نر، مرد)
وَلِيٌّ (دوست) ≠ عَدُوٌّ (دشمن)
فَرَعٌ (خالی شد) ≠ اِمْتَلَأَ (پر شد)
أَخْرَجَ (بیرون آورد) ≠ أَذْخَلَ (وارد کرد)
مَسْمُوحٌ (مجاز) ≠ مَمْنُوعٌ (غیرمجاز)

إِسَاءَةٌ (بدی کردن) ≠ إِحْسَانٌ (خوبی کردن)
تَفَرَّقَ (پراکنده شد) ≠ اِتَّحَدَ (متحد شد)
فَرِحَ (خوشحال شد) ≠ حَزِنَ (ناراحت شد)
سَلِمَ (صلح) ≠ حَزَبَ (جنگ)
الْبُخْلُ (خسیس بودن) ≠ السَّخَاءُ (بخشنده‌گی)

ترجمه و بررسی جملات درس مَطَرُ السَّمَكَ

ردیف	جمله	ترجمه
۱	هل تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟	آیا باور می‌کنی که در روزی از روزها ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان سقوط می‌کنند؟
فرق بین دو فعل «صَدَّقَ» (راست گفت) و «صَدَّقَ» (باور کرد) را حتماً در نظر بگیرید.		
۲	إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجَّ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ.	بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.
۳	وَلَكِنْ أَيْمَكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكَ؟	اما آیا امکان دارد که باران ماهی ببینیم؟
۴	هل تَتَلَوَّنُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟	آیا خیال می‌کنی آن باران، حقیقی باشد و فیلمی خیالی نباشد؟
۵	حَسَنًا فَانْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تَصَدِّقَ.	بسیار خوب، به این عکس‌ها نگاه کن تا باور کنی.
۶	أَنْظُرْ بِدَقَّةٍ، أَأَنْتَ تَشَاهِدُ سَقُوطَ الْأَسْمَاكَ مِنَ السَّمَاءِ؟	با دقت نگاه کن، آیا افتادن ماهی‌ها از آسمان را می‌بینی؟
۷	كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ.	انگار آسمان ماهی می‌بارد.
در این جا با این که «أَسْمَاكَ» جمع است ولی لازم نیست آن را جمع ترجمه کنیم، چون در فارسی رایج نیست بگوییم: «آسمان ماهی‌ها می‌بارد».		
۸	يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ السَّمَكَ».	مردم این پدیده طبیعی را باران ماهی می‌نامند.
۹	حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سِنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.	این پدیده مردم را سال‌هایی طولانی شگفت‌زده کرد اما برایش جوابی نیافتند.
۱۰	يَحْدُثُ مَطَرُ السَّمَكَ سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَةِ الْهِنْدُوْرَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.	باران ماهی در جمهوری هندوراس سالانه در آمریکای مرکزی رخ می‌دهد.
۱۱	تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا.	گاهی این پدیده در سال دو بار اتفاق می‌افتد.
۱۲	فِيَلَا حِظَّ النَّاسِ عَيْمَةً سُودَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لَمَدَّةً سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ.	مردم برای مدت دو ساعت یا بیشتر ابر سیاه بزرگ، رعدوبرق و بادهای نیرومند و باران شدیدی را می‌بینند.
۱۳	ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكَ فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لَطَبِخِهَا وَ تَنَاوُلُهَا.	سپس زمین با ماهی‌ها پوشیده می‌شود و مردم آن‌ها را برای پختن و خوردنشان می‌برند.
۱۴	حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سَرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.	دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده عجیب تلاش کردند.
۱۵	فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لَزِيَارَةِ الْمَكَانِ وَ التَّعَرَّفَ عَلَى الْأَسْمَاكَ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ.	گروهی را برای دیدن محل و آشناسدن با ماهی‌هایی که بعد از این باران‌های شدید روی زمین می‌افتند، فرستادند.
۱۶	فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكَ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحِجْمِ وَاحِدٍ وَ نَوْعِ وَاحِدٍ.	پس یافتند که تمام ماهی‌های پخش‌شده روی زمین از یک حجم و یک نوع هستند.
۱۷	وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ.	اما موضوع عجیب این است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند.
۱۸	بَلْ بِمِيَاهِ الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مَائَتِي كِيلُومِترٍ عَنِ مَحَلِّ سَقُوطِ الْأَسْمَاكَ.	بلکه به آب‌های اقیانوس اطلس (تعلق دارند) که مسافت دویست کیلومتر از محل افتادن ماهی‌ها فاصله دارد.
«مائتی» در اصل مائتین بوده که حرف «ن» از آخر آن افتاده است.		
۱۹	ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟	دلیل تشکیل این پدیده چیست؟
۲۰	يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ.	گردباد شدیدی رخ می‌دهد، در نتیجه ماهی‌ها را با قدرت به سمت آسمان می‌کشد.

۲۱	يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَعِنْدَمَا يُفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.	آن‌ها را به جای دوری می‌برد و هنگامی که سرعتش را از دست می‌دهد (آن‌ها) روی زمین می‌افتند.
۲۲	يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَيَسَمُّونَهُ «مَهْرُ جَانِ مَطَرِ السَّمَكِ».	مردم این روز را در هندوراس سالانه جشن می‌گیرند و آن را جشنواره باران ماهی می‌نامند.
۲۳	﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾	و از آسمان آبی را فرو فرستاد، در نتیجه با آن میوه‌ها را به عنوان روزی برای شما خارج ساخت.

جملات مهم ترمین‌ها

ردیف	جمله	ترجمه
۱	﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ﴾	خدایی که بادها را می‌فرستد در نتیجه (بادها) ابرها را برمی‌انگیزند پس آن‌ها را در آسمان گسترش می‌دهد.
۲	النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا.	مردم خواب‌اند و زمانی که بمیرند بیدار می‌شوند.
۳	﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾	با حکمت و پند نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن،
۴	﴿وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾	و با آنان با (روشی که) نیکوتر است مجادله کن.
۵	﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾	خداوند به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند.
۶	﴿رَبَّنَا، لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾	پروردگارا اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن.
﴿تَوَّأخِذْ﴾ بر وزن «تَفَاعَلْ» بوده و از باب مفاعلة و مصدر «مُواخِذَةٌ» است.		

ترجمه و بررسی جملات درس تعالیش السلمي

ردیف	جمله	ترجمه
۱	لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعَصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمُنْطَقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.	پیام اسلام در گذر دوران‌ها براساس منطق و دوری از بدی کردن استوار بوده است.
۲	﴿لَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ﴾	نیکی و بدی با هم برابر نیستند.
«لا»ی اول «لا»ی نفی است و «لا»ی دوم هم نفی جنس نیست چون اسم بعد از آن «ال» دارد.		
۳	﴿إِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾	به (روشی) که نیکوتر است پاسخ بده آن‌گاه (می‌بینی) کسی که میان تو و او دشمنی است همچون دوستی صمیمی است.
۴	إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْتَوْا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَالْكَفَّارِ.	قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که به خدایان مشرکان و کافران دشنام ندهند.
«أَلَّا» در اصل «أَنْ + لا» بوده و در این ترکیب «لا» همیشه از نوع نفی است.		
۵	﴿وَلَا تَسْتَوِ الْأَذْيَنُ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْتَوِ اللَّهُ﴾	و به (خدایان) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، زیرا به خداوند دشنام می‌دهند.
۶	الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ.	اسلام به دین‌های الهی احترام می‌گذارد.
۷	﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ﴾	بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است،
۸	﴿أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾	این‌که تنها خدا را بپرستیم و چیزی را برای او شریک نگیریم.
۹	يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾	قرآن بر آزادی عقیده تأکید دارد: «هیچ اجباری در دین نیست ...».
۱۰	لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْغَدْوَانِ.	اصرار کردن بر نقاط اختلاف و بر دشمنی جایز نیست.
۱۱	لَآئِهَ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ.	برای این‌که کسی از آن سودی نمی‌برد.
۱۲	و عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَاشًا سَلْمِيًّا.	و بر همه مردم لازم است که با یکدیگر مسالمت‌آمیز زندگی کنند.
«علی» در ابتدای جمله معنای «باید، لازم است و ...» می‌دهد.		
«تَعَاشًا سَلْمِيًّا» را باید به صورت یک «قید» ترجمه کنیم (چون «تَعَاشًا» مصدرِ فعلِ «أَنْ يَتَعَاشُوا» است).		
۱۳	مَعَ احْتِفَافٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ لَآئِهَ ﴿كُلِّ حَزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فِرْحُونٌ﴾	ضمن این‌که هر یک عقاید خود را نگاه دارد: «هر گروهی به آن‌چه دارند، شادند».
«کُلِّ» وقتی با حرف «مِنْ» بیاید معنای «هر یک» می‌دهد (کُلِّ مِنْهُمْ: هر یک از آن‌ها) و اگر با مفرد نکره بیاید معنای «هر» می‌دهد (کُلِّ حَزْبٍ: هر گروهی)		
۱۴	الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.	کشورهای اسلامی مجموعه‌ای از ملت‌های زیادی هستند در حالی که در زبان‌ها و رنگ‌هایشان تفاوت دارند.

کلمه «البلاد» می تواند به معنای «کشور» یا «کشورها» باشد (البته در این جا جمع است).	
۱۵ قال الله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾	خداوند بلندمرتبه فرمود: «ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ها و قبیله های (مختلف) قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید.»
۱۶ ﴿إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَ أَكْرَمُكُمْ﴾	به راستی گرامی ترین شما در نزد پروردگار باتقواترین شماست.
۱۷ يَا مَرْءَا الْقُرْآنَ بِالْوَحْدَةِ: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾	قرآن ما را به یکپارچگی امر می کند: «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.»
۱۸ يَتَجَلَّىٰ اِتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ.	یکپارچگی امت اسلامی در شکل های زیادی جلوه گر می شود از جمله جمع شدن مسلمانان در یک مکان در حج.
۱۹ الْمُسْلِمُونَ خُمْسُ سَكَّانِ الْعَالَمِ.	مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند.
اعدادی که بر وزن «فعل» هستند، اعداد کسری اند: «ثُلُث»: یک سوم – «خُمْس»: یک پنجم.	
۲۰ يَعْيشُونَ فِي مَسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.	در مساحت پهناوری از زمین، از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند.
۲۱ قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِي رَحِمَهُ اللَّهُ:	امام خمینی که رحمت خدا بر او باد، فرمود:
فَعَلِ الْهَای مَاضِي گاهی برای دعا یا نفرین به کار می روند: «رَحِمَ»: رحمت کند.	
۲۲ إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يَفَرِّقُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فاعلموا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.	اگر کسی سخنی بگوید که میان مسلمانان تفرقه بیندازد، بدانید که ناآگاه یا آگاه، تلاش می کند بین صف های مسلمانان اختلاف را گسترش دهد.
وقتی جمله ای با «إذا» شروع می شود می توانیم فعل های آن را به صورت مضارع ترجمه کنیم، حتی اگر ماضی باشند.	
۲۳ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِي:	رهبر ما آیت الله خامنه ای گفته است:
۲۴ مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفَرُّقِ فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.	هر یک از شما کسی را ببیند که به تفرقه، فرامی خواند او مزدور دشمن است.

جملات مهم ترمین ها

ردیف	جمله	ترجمه
۱	لَدَيَّ جَوَالٌ تَفْرُغُ بِطَارِيَّتِهِ خِلَالَ نِصْفِ الْيَوْمِ.	تلفن همراهی دارم که باتری آن طی نصف روز خالی می شود.
	«لَدَيَّ» در ابتدای جمله معنای «مالکیت» را می رساند: «لَدَيَّ» (لَدَى + ي): دارم.	
۲	قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبِيتٍ خَرِبَ.	قلبی که چیزی از حکمت در آن نیست مانند خانه ای خرابه است.
۳	فَتَعَلَّمُوا وَعَلِّمُوا وَتَفَقَّهُوا.	پس یاد بگیرید و یاد بدهید و ببندیشید.
۴	و لَا تَمُوتُوا جَهْلًا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ عَلَى الْجَهْلِ.	نادان نمیرید زیرا خداوند برای نادانی عذر نمی پذیرد.
	«جَهْلًا» قید حالت است.	
۵	مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعِطَّارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ وَإِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ وَإِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ.	مثل مؤمن مانند عطار است، اگر با او همنشینی کنی به تو سود می رساند و اگر با او همراهی کنی به تو سود می رساند و اگر با او مشارکت کنی به تو سود می رساند.
	«إِنْ» باعث می شود که فعل های ماضی را مضارع ترجمه کنیم.	
۶	تَضَارَبْنَا فَتَدَخَّلَ الْمَدِيرُ وَنَصَحَنَا وَنَدَّمْنَا عَلَىٰ عَمَلِنَا الْقَبِيحِ.	همدیگر را زدیم، مدیر دخالت کرد و ما را برای کار زشتمان پشیمان کرد.
	• «تَضَارَبَ» از باب تفاعل است و برای ترجمه آن از «همدیگر» کمک می گیریم.	
	• «تَدَخَّلَ» یعنی «دخالت کرد» و معنی آن با «دَخَلَ» (وارد شد) فرق دارد.	
	• «نَدَّمْ» از باب تفعیل است پس باید آن را به صورت متعدی ترجمه کنیم: «پشیمان کرد».	
۷	﴿عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ، قَالُوا سَلَامًا﴾	بندگان خداوند بخشنده کسانی اند که روی زمین به آرامی راه می روند و هرگاه نادانان آنان را مورد خطاب قرار دهند به نرمی سخن بگویند.
	• «الرَّحْمَنِ» در این آیه صفت «عباد» نیست بلکه صفت خداوند است.	
	• این آیه اولاً بر «تواضع» و فروتنی اشاره دارد و ثانیاً می گوید که «جواب نادانان را باید با روشی نیکو بدهیم» — «إِدْفِعْ بِأَيْتِي هِيَ أَحْسَنُ»	
۸	﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾	ستایش برای خدایی است که ما را به این (آیین) هدایت کرد و اگر خدا راهنمایی مان نکرده بود ما هدایت نمی شدیم.
۹	﴿شَاوَزَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾	در کار با آنان مشورت کن و هرگاه تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن (و انجامش بده) زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.
۱۰	﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾	آگاه باش که دل ها تنها با یاد خدا آرام می گیرد.

پرسشہا چھ گزینہ

وارکن

۲۷۸- عین الصحیح فی المترادف للمفردات:

- (۱) الناس نيام فإذا ماتوا انتَبَهُوا: اِسْتَيْقَظُوا
(۲) العلماء حاولوا معرفة بَرِّ الظَّاهِرَةِ: ذَهَبُوا
(۳) نحن مسؤولون حتى عن البهائم: الحقائق
(۴) تُصْبِحُ الأرضُ مفروشةً بالأسماك: تكون

۲۷۹- «بعد حدوث مَطَرِ السَّمَكِ تُصْبِحُ الأرضُ بالأسماك على الأرض!» عین الصحیح للفراغین:

- (۱) منتشرة - المتعلقة (۲) مفروشة - المنتشرة (۳) متعلقة - الجميلة (۴) ظاهرة - القویة

۲۸۰- عین الخطأ للفراغات:

- (۱) الشعب الإيراني ما قبل قبل الثورة الإسلامية! (الضغط)
(۲) حقیبتک إلى هنا للتفتيش! (اجلبي)
(۳) بطارية جوالی إلا بعد يومين! (لا تفرغ)
(۴) طفلك جنبك حتى تحفظه! (اجلس)

۲۸۱- عین الخطأ فی جمع الكلمات المعینة فی کُلِّ عبارة:

- (۱) قائد ثورتنا قدوة لجميع المسلمين ← قادة
(۲) أنا عامل فی هذا المصنع الصغير ← عملاء
(۳) مقبرة كوروش تجذب سياحاً من دُول العالم ← مقابر
(۴) فی متجر زميلي سمعت أخباراً مهمة ← زملاء

۲۸۲- عین الخطأ على حسب الحقيقة و الواقع:

- (۱) الذي يخدم أعداء الوطن هو العميل!
(۲) هناك أفلام لا يجوز للأطفال مشاهدتها و هي غير مسموحة!
(۳) هناك قطعة فی الجوال تفرغ بعد مدة من استخدام الجوال تُسمى فرشاء!
(۴) عند الدخول فی سائر البلاد نحتاج إلى الجواز!

۲۸۳- عین الصحیح فی المترادف للكلمات التي تحتها خط:

- (۱) نَصَحَ المَدْرَسُ الطالبَ فَأَصْبَحَ بَعْدَ ذَلِكَ تَلْمِيزاً مثالياً: صار
(۲) بَسَطَ البائعُ بضائعَهُ فی الشارعِ لِلْبَيْعِ: أخذَ
(۳) عَلَيْنَا التَّعَلُّمُ مِن أَيِّ شَيْءٍ فی العالمِ حَتَّى نَمْلِكَ صَغِيرَةَ: التَّعليمِ
(۴) إِنَّ نُزُولَ المَطَرِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ: صعود

۲۸۴- عین ما فيه متضادّ تان:

- (۱) البلاد الإسلامية مجموعة من الشعوب الكثيرة!
(۲) إِنَّ الإنسانَ يَخْتَارُ الإِسَاءَةَ أو الإِحْسَانَ بِالْآخِرِينَ حَسَبَ شَخْصِيَّتِهِ!
(۳) تَعَلَّمُوا وَ تَفَقَّهُوا وَ لَا تَمُوتُوا جَهْلًا!
(۴) الفرس قادر على التّوم واقفاً على أقدامه!

۲۸۵- عین الخطأ حسب التوضيحات:

- (۱) خُمُسٌ عَدَدُ أَرْبَعِينَ يُساوي ثمانية!
(۲) إِنَّ القَائِدَ هُوَ الَّذِي يُنْصَحُ الْمَسْئُولِينَ لِأداءِ واجباتِهِمْ!
(۳) الذِّكْرِيَّاتُ هِيَ جُزْءٌ مِنْ واجباتِنا الدِّرَاسِيَّةِ!
(۴) الجَمَارُكَ مَكَانٌ تُفْتَشُ فِيهِ بَضَائِعُ المُسَافِرِينَ!

۲۸۶- عین الصحیح عن المتضادّ للكلمات التي تحتها خط:

- (۱) إِنَّ العَمَلَاءَ يَغْمَلُونَ لِمَضْلَحَةِ الأَعْدَاءِ: أصدقاء
(۲) بَثَّ الخِلافَ بَيْنَ المُسْلِمِينَ عَمَلٌ مَذْمُومٌ: نُشر
(۳) سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ: مُخْتَلِف
(۴) يُوَكِّدُ القُرْآنُ عَلَى حُرِّيَةِ العقيدة: حَزَب

عین الكلمات المناسبة للفراغات في الأسئلة التالية:

۲۸۷- «عندما بدأت السماء تمطر ساخة المدرسة من التلاميذ!»

- (۱) فَرَعَتْ (۲) فَرَقَتْ (۳) تَحَوَّلَتْ (۴) غَسَلَتْ

۲۸۸- يا جنودي؛ نريد الان أن نهجم على مقرّ عدونا فهل أضبختم

- (۱) نائمین (۲) غافلين (۳) معذرين (۴) جاهزين

اقرأ النص التالي ثم انتخب الكلمة المناسبة لكل فراغ:

في الطبيعة التي خلقها الله تعالى نرى (۲۸۹) عجيبة (۲۹۰) الناس لأنهم لا يجدون لها دليلاً (۲۹۱) الأسماك من السماء الذي يحدث في منطقة أمريكا الوسطى (۲۹۲) من أعجب هذه المناظر التي (۲۹۳) بها قدرة الله.

۲۸۹- عین الخطأ:

- (۱) مشاهد (۲) ظواهر (۳) حوادث (۴) تماثيل

۲۹۰- عین الصحیح:

- (۱) تُصدّق (۲) تُسمّي (۳) تُحير (۴) تُثير

۲۹۱- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) تَسَاقُطُ (۲) تَفَرَّقُ (۳) إِمْطَارُ (۴) نُزُولُ

۲۹۲- عَيْنُ الصَّحِيح:

(۱) سَنَوِيًّا (۲) دَائِمًا (۳) يَوْمِيًّا (۴) بَسِيطًا

۲۹۳- عَيْنُ الصَّحِيح:

(۱) تَتَجَلَّى (۲) تَتَبَعْتُ (۳) تَحْتَفِلُ (۴) تُشْرِفُ

۲۹۴- أَيُّ جَمْعٍ مَفْرُودٍ خَطَا:

(۱) قَاذَةٌ ← قَائِد، حَبَال ← حَبْل، أَيْدِي ← يَد (۲) ظَوَاهِر ← ظَاهِرَة، ثُلُوج ← ثَلَج، عُمَلَاء ← عَامِل

(۳) أَفْلَام ← فِلْم، الزِّيَاح ← الزَّيْج، السَّمَاوَات ← السَّمَاء (۴) سَنَوَات ← سَنَة، ذُنُوب ← ذَنْب، نِيَام ← نَائِم

۲۹۵- مَا هُوَ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ؟ جَوَابٌ تَفَرَّغَ بِطَارِئَتِهِ خِلَالَ نِصْفِ الْيَوْمِ! (کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

(۱) لَدَيَّ (۲) لِي (۳) عِنْدِي (۴) عَنِّي

۲۹۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِينَ: «هَلْ أَنْ رَجُلٌ لَا يَصْبِرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ أَبَدًا؟!» (کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

(۱) تَصَدَّقُ - يُصَدِّقُ (۲) تُصَدِّقُ - يُصَدِّقُ (۳) يُصَدِّقُ - تُصَدِّقُ (۴) يُصَدِّقُ - تَصَدِّقُ



۲۹۷- «لبعض المناطق في العالم ظاهرات حيرت سكّانها فما يُصدِّق الآخرون صورها!»:

- (۱) برخی از مناطق در جهان پدیده‌هایی دارند که ساکنانش را به تعجب انداخته و دیگران، تصاویر آن را باور نمی‌کنند!
- (۲) در برخی از مناطق عالم پدیده‌هایی وجود دارد که ساکنانش را به حیرت می‌اندازد و دیگران تصاویر آن را باور نمی‌کنند!
- (۳) بعضی از منطقه‌های جهان پدیده‌های حیرت‌انگیزی دارند که ساکنانش درباره تصاویر آن‌ها به دیگران راست نمی‌گویند!
- (۴) بعضی از منطقه‌های عالم پدیده‌هایی دارد که ساکنانش را هم به حیرت انداخته و صحنه‌های آن را باور نمی‌کنند!

۲۹۸- «عندما شاهدنا غيمة سوداء في سماء قريتنا احتفلنا لأننا كنّا ننتظر المطر!»:

- (۱) وقتی ابرهای سیاهی را در آسمان روستا دیدیم جشن گرفتیم؛ زیرا منتظر باران بودیم!
- (۲) در این هنگام ابر سیاهی در آسمان روستایمان دیده شد پس جشن گرفتیم؛ زیرا انتظار باران را می‌کشیم!
- (۳) چون ابر سیاهی را در آسمان روستای خود دیدیم جشن می‌گیریم؛ زیرا منتظر باران هستیم!
- (۴) زمانی که ابر سیاهی را در آسمان روستای خود دیدیم جشن گرفتیم؛ زیرا انتظار باران را می‌کشیدیم!

۲۹۹- «كُلُّ وَاحِدٍ مِّنَّا حَاوَلَ التَّعَرُّفَ عَلَى أَسْرَارِ تَسَاقُطِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ الَّتِي كَانَتْ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ!»:

- (۱) همه ما تلاش کردیم که با راز افتادن ماهی‌هایی که از یک نوع بودند، آشنا شویم!
- (۲) هر کدام از ما تلاش کرد تا با رازهای افتادن این ماهی‌هایی که از یک نوع بودند، آشنا شود!
- (۳) یک‌به‌یک ما باید برای آشناسدن با رازهای افتادن این ماهی‌هایی که همگی از یک نوع هستند تلاش کند!
- (۴) هر یک از ما تلاش می‌کند تا با رازهای افتادن ماهی‌هایی که همگی از یک نوع بودند، آشنا شود!

۳۰۰- «فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب إلا الله»:

- (۱) باید برای گناهان خود آمرزش بخواهند و تنها خداوند است که گناهان را می‌آمرزد!
- (۲) از گناهان خود آمرزش می‌خواهند و چه کسی غیر از خداوند می‌تواند گناهان را بیامرزد؟
- (۳) برای گناهانشان آمرزش خواسته‌اند و چه کسی جز خداوند گناهان را می‌آمرزد؟!
- (۴) برای گناهان خود طلب آمرزش کردند ولی کیست غیر از خداوند که گناهان را آمرزیده است؟!

۳۰۱- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) أ لَا تَمْتَنِعُ عَنِ الْقِيَامِ بِالْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ الَّتِي يَكْرِهَهَا اللَّهُ: آیا از اقدام به کارهای زشتی که خداوند را ناراحت می‌کند، خودداری نمی‌کنید؟!
- (۲) نَحْتَفِلُ سَنَوِيًّا الْيَوْمَ الثَّلَاثَ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ «أَبَانَ» وَ تُسَمِّيهِ يَوْمَ التَّلْمِيزِ: روز سیزدهم آبان‌ماه را پیوسته جشن می‌گیریم و آن را روز دانش‌آموز می‌نامیم!
- (۳) أَرْسَلُوا فَرِيقًا لِّلْتَفْتِيشِ حَوْلَ حُدُوثِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ: گروهی را برای جست‌وجو کردن پیرامون رخ‌دادن این پدیده عجیب فرستادند!
- (۴) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَسْبَ مَعْبُودَاتِ الْآخَرِينَ حَتَّى لَا يَسْتَوُوا مَعْبُودَنَا: نباید به خدایان دیگران دشنام بدهیم تا به خدای ما دشنام ندهند!

۳۰۲- «عُمَلَاءُ الْعَدُوِّ يَحَاوِلُونَ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ يُؤَكِّدُونَ عَلَى اخْتِلَافِ اللُّغَاتِ وَ الْأَلْوَانِ!»:

- (۱) مزدوران دشمنان به پراکندن اختلاف میان مسلمانان تلاش کرده و بر تفاوت زبان و رنگ تأکید دارند!
- (۲) مزدوران دشمن تلاش دارند که اختلاف میان مسلمانان گسترش پیدا کند و بر تفاوت زبان‌ها و رنگ‌ها بسیار تأکید دارند!
- (۳) دشمن مزدور به پراکندن اختلاف میان مسلمانان تلاش می‌کند و تأکیدشان روی تفاوت زبان‌ها و رنگ‌هاست!
- (۴) مزدوران دشمن برای پراکندن اختلاف بین مسلمانان تلاش می‌کنند و بر تفاوت زبان‌ها و رنگ‌ها تأکید می‌کنند!



- (۱) تَقَفُّهُوا فِي مَا تَحَدَّثُ فِي الْعَالَمِ وَ لَا تَغْفُلُوا: در آنچه در جهان رخ می‌دهد اندیشیدند و غافل نشدند!
- (۲) نَتَعَايَشُ نَحْنُ الْمُسْلِمُونَ فِي مَجْتَمَعٍ تَخْتَلِفُ فِيهِ الْأَلْوَانُ: ما مسلمانان با یکدیگر در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که رنگ‌ها در آن تفاوت دارند!
- (۳) جَالِسٌ مَنْ يَدْعُوكَ إِلَى الْاجْتِنَابِ عَنِ الْإِسَاءَةِ: با کسی همنشینی کن که تو را به دوری از بدی کردن می‌خواند!
- (۴) الْهَيَّ لَا تُدْخِلْنِي فِي نَارٍ تَتَجَمَّعُ فِيهَا أَعْدَاؤُكَ: خداوند! مرا به آتشی که در آن دشمنان تو جمع می‌شوند، وارد نکن!

۳۰۴- «كُنَّا نَشَاوِرُ فِي الْأُمُورِ الَّتِي يَعْمَلُونَ لِمَصْلَحَةِ الْمَجْتَمَعِ الْإِسْلَامِيِّ وَ يَجْتَهِدُونَ لِمَجْدِهِ»:

- (۱) در کارهای خود با کسانی مشورت می‌کردیم که برای مصلحت جامعه اسلامی کار کرده و برای بزرگی‌اش کوشش نموده‌اند!
- (۲) در کارها با کسانی مشورت می‌کنیم که برای شایستگی جامعه مسلمان کار می‌کردند و برای بزرگی‌اش تلاش می‌کردند!
- (۳) در امور خویش با افرادی مشورت کردیم که برای شایستگی جامعه اسلامی تلاش می‌کردند و برای بزرگی آن کار می‌کردند!
- (۴) در کارها با کسانی مشورت می‌کردیم که برای مصلحت جامعه اسلامی کار می‌کردند و برای بزرگی آن تلاش می‌کردند!

۳۰۵- «خَلَقْنَا اللَّهَ فِي قِبَائِلٍ مُخْتَلِفَةٍ حَتَّى نَتَعَارَفَ وَلَكِنْ أَكْرَمَنَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ أَتَقَانَا!»:

- (۱) خداوند ما را در قبیله‌های مختلف خلق کرد تا او را بشناسیم اما کسی که باتقواتر است نزد خداوند گرامی خواهد بود!
- (۲) خداوند ما را در قبیله‌های متفاوتی آفرید تا همدیگر را بشناسیم ولی گرامی‌ترین ما نزد خداوند پرهیزکارترین ماست!
- (۳) توسط خداوند در قبیله‌های مختلفی آفریده شدیم تا شناخته شویم ولی در نزد خداوند افراد باتقوا گرامی‌ترند!
- (۴) خداوند ما را در قبیله‌های متفاوتی می‌آفریند تا همدیگر را بشناسیم اما هر که باتقواتر باشد نزد خداوند گرامی‌تر است!

۳۰۶- «نَزَّلُوا هَذِهِ الْبُضَائِعَ وَ قَسَمُوهَا بَيْنَ الْفُقَرَاءِ حَتَّى تُفَرَّحُوهُمْ»:

- (۱) این کالاها را پایین بیاورید و میان فقیران تقسیم کنید تا آن‌ها را خوشحال سازید!
- (۲) این کالاها را پایین آوردند و میان فقیران تقسیم کردند تا آن‌ها خوشحال شوند!
- (۳) این کالاها را پایین آوردید و در میان فقیران تقسیم نمودید تا آن‌ها را خوشحال کنید!
- (۴) این کالاها را پایین بیاورید و در بین فقیران قسمت کنید تا آن‌ها خوشحال شوند!

۳۰۷- «إِنَّ النَّاسَ يَلْحَظُونَ ظَاهِرَةً عَجِيبَةً كَأَنَّ السَّمَاءَ تُفْطِرُ أَسْمَاكَ!»:

- (۱) مردم آن اتفاق عجیب را تماشا کردند؛ زیرا از آسمان ماهی می‌بارید!
- (۲) همانا مردم پدیده شگفت را در آسمان دیدند؛ انگار که از آسمان ماهی‌ها می‌بارید!
- (۳) مردم چیز عجیبی را ملاحظه می‌کنند که از آسمان ماهی پایین می‌آید!
- (۴) مردم پدیده عجیبی را می‌بینند؛ گویی که آسمان ماهی می‌بارد!

۳۰۸- «عَلَيْنَا أَنْ نَشْتَرِيَ الْبِطَاقَةَ حَتَّى نَدْخُلَ الْمَلْعَبَ لِمُشَاهَدَةِ الْمُبَارَاةِ»:

- (۱) بر ماست که برای وارد شدن به ورزشگاه برای دیدن مسابقات، بلیت خریداری کنیم!
- (۲) برای دیدن مسابقه باید کارت بخریم تا بتوانیم به ورزشگاه وارد شویم!
- (۳) ما باید بلیت بخریم تا برای دیدن مسابقه به ورزشگاه وارد شویم!
- (۴) خریدن کارت برای دیدن مسابقات بر ما واجب است تا بتوانیم وارد ورزشگاه شویم!

۳۰۹- «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ»:

- (۱) هر فرستاده‌ای را که فرستادیم با زبان مردمش سخن می‌گفت!
- (۲) ما هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم!
- (۳) هیچ پیامبری را نمی‌فرستیم جز به زبان آن قوم!
- (۴) ما پیامبران را فرستادیم تا به زبان مردمشان سخن بگویند!

۳۱۰- «يَتَجَلَّى اِتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ سَنَوِيًّا فِي الْحَجِّ الَّذِي يَشْتَرِكُ فِيهِ جَمِيعُ الْمُسْلِمِينَ فِيهِ»:

- (۱) اتحاد سالیانه امت اسلامی در حج آشکار می‌شود که همه مسلمانان در آن شریک هستند!
- (۲) اتحاد امت اسلامی سالیانه در حجه جلوه‌گر می‌شود که در آن، همه مسلمانان شرکت می‌کنند!
- (۳) امت اسلامی سالانه در حجه که همه مسلمانان در آن شرکت می‌کنند، متحد می‌شوند!
- (۴) در حجه که همه مسلمانان سالیانه در آن شرکت می‌کنند اتحاد امت اسلام جلوه‌گر شده است!

۳۱۱- «كُلُّ النَّاسِ يَتَعَايَشُونَ مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا حَتَّى لَا يَفْرَقَهُمُ جَاهِلٌ!»:

- (۱) هر کسی با دیگران به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کند تا جاهلی آن‌ها را جدا نکند!
- (۲) همه مردم با بعضی از آن‌ها مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند تا جاهلانی آن‌ها را جدا نکنند!
- (۳) همه مردم با همدیگر زندگی مسالمت‌آمیز دارند تا نادانی نتواند آن‌ها را پراکنده سازد!
- (۴) همه مردم با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز دارند تا یک نادان آن‌ها را پراکنده نسازد!

۳۱۲- «عَلَيْنَا أَنْ نُجَلِّسَ أَوْلَادَنَا الصَّغَارَ عِنْدَنَا وَ نُعَلِّمَهُمُ الْقُرْآنَ!»:

- (۱) بر ماست که در کنار فرزندان کوچکمان بنشینیم و قرآن را به آن‌ها آموزش دهیم!
- (۲) ما باید که برای آموزش قرآن، فرزندان کوچک خود را در کنارمان بنشانیم!
- (۳) ما باید فرزندان کوچک خود را کنارمان بنشانیم و به آن‌ها قرآن یاد بدهیم!
- (۴) فرزندان کوچکمان باید نزد ما بنشینند و قرآن را یاد بگیرند!

۳۱۳- «خُمْسُ زُمَلَانِي فِي صَفْنَا قَادِرُونَ عَلَى أَنْ يَتَكَلَّمُوا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»:

- (۱) پنج نفر از همکلاسی‌هایم در کلاس ما می‌توانند که به زبان عربی حرف بزنند!
- (۲) یک‌پنجم از هم‌شاگردی‌های کلاس ما توانسته‌اند که به زبان عربی تکلم داشته باشند!
- (۳) پنج هم‌شاگردی در کلاس ما قادر شده‌اند که به زبان عربی حرف بزنند!
- (۴) یک‌پنجم همکلاسی‌هایم در کلاسمان توانایی دارند که به زبان عربی صحبت کنند!

۳۱۴- «حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سِنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا»:

- (۱) این پدیده، مردم را سال‌های زیادی حیرت‌زده کرده، پس پاسخی برای آن پیدا کردند!
- (۲) این پدیده، مردم را در سال‌های طولانی شگفت‌زده کرده است پس برای آن پاسخی نیافتند!
- (۳) مردم در سال‌های طولانی از این پدیده شگفت‌زده شدند پس برای آن جوابی پیدا نکردند!
- (۴) در سال‌های طولانی، این پدیده، مردم را شگفت‌زده کرد و پاسخ‌هایی برای آن گفته‌اند!

۳۱۵- «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ»:

- (۱) خداوند کسی است که بادها را فرستاد و ابرها را برانگیخت، پس آن را در آسمان گستراند!
- (۲) خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد، پس ابری را برمی‌انگیزد و آن را در آسمان می‌گستراند!
- (۳) خداوند کسی است که باد را می‌فرستد، پس ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان‌ها می‌گستراند!
- (۴) خداوندی که بادها را می‌فرستد، ابرها را برمی‌انگیزد تا در آسمان گسترانده شود!

۳۱۶- «أَرْسَلَ الْعُلَمَاءُ فَرِيقًا لَزِيَارَةِ الْمَكَانِ وَ التَّعَرُّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ»:

- (۱) دانشمندان گروهی را فرستادند به دیدن مکان و شناخت ماهی‌هایی که بعد از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتند!
- (۲) کارشناسان گروه‌هایی را به دیدار محل و شناختن ماهی‌هایی که بعد از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتد، فرستادند!
- (۳) دانشمندان یک گروه را برای شناخت مکان و دیدن ماهی‌هایی که بعد از این باران شدید بر زمین می‌افتند، فرستادند!
- (۴) کارشناسان گروهی را فرستادند برای دیدار محل و شناسایی ماهی‌هایی که پس از باران‌های شدید بر زمین سقوط کرده‌اند!

۳۱۷- «انْعقدت مراسيم حفلة التكريم ليتعرف الآخرون على الطالبات النشيطات»: مراسم جشن

- (۱) بزرگداشت برپا شد تا دیگران با دانش‌آموزان کوشا آشنا شوند!
- (۲) تکریم برگزار شد تا دانش‌آموزان فعال با دیگران آشنا شوند!
- (۳) شکرگزاری برقرار شده است که دانش‌آموزان کوشا را دیگران بشناسند!
- (۴) بزرگداشتی برپا شده است تا دانش‌آموزان تلاشگر به دیگران معرفی شوند!

۳۱۸- «لَيْسَ نَزُولُ الثَّلُوجِ وَالْأَمْطَارِ مِنَ السَّمَاءِ عَجِيبًا وَلَكِنْ نَزُولُ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ عَجِيبٌ جَدًّا»:

- (۱) نزول برف‌ها و باران‌ها از آسمان عجیب نیست ولی نزول ماهی‌ها از آسمان بسیار عجیب است!
- (۲) نازل شدن برف و باران از آسمان عجیب نیست ولی نازل شدن ماهی از آسمان عجیب‌تر است!
- (۳) ریزش برف‌ها و باران‌ها از آسمان مانند ریزش ماهی‌ها از آسمان عجیب نیست!
- (۴) ریزش برف و باران از آسمان شگفتی ندارد ولی ریزش ماهی‌ها از آسمان خیلی شگفتی دارد!

۳۱۹- «تَسْحَبُ الْأَرْضُ الْأَشْيَاءَ إِلَيْهَا بِقُوَّةٍ فَتُسَمِّي هَذَا الْقُوَّةَ الْجاذِبَةَ»:

- (۱) زمین اشیا را با قدرت به سوی خود می‌کشد و ما این را «نیروی جاذبه» می‌نامیم!
- (۲) اشیا با نیرویی به سوی زمین کشیده می‌شود، پس این، «نیروی جاذبه» نام دارد!
- (۳) زمین با قدرت، اشیا را به سوی خودش می‌کشد که این کار «قدرت جاذبه» نامیده می‌شود!
- (۴) اشیا با قدرت به سوی زمین کشانده می‌شود و ما این را «نیروی جاذبه» می‌نامیم!

۳۲۰- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) مَرْحَبًا بِالْمُرَافِقِينَ. إِذْهَبُوا إِلَى قِسْمِ الْجَوَازَاتِ: درود بر مسافران. به بخش بازرسی بروید!
- (۲) إِنَّ الْمُسْلِمِينَ يَمْتَنِعُونَ عَنْ أَكْلِ الطَّعَامِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ: مسلمانان در ماه رمضان از خوردن غذا خودداری می‌کنند!
- (۳) يَا رَبِّي انْقَطَعَ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ فَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ: خدایا امیدم را از خلق قطع کردم و به تو توکل کردم!
- (۴) النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا: مردم هنگامی که بمیرند از خواب بیدار می‌شوند!

۳۲۱- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) ﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾: پروردگارا اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم ما را بازخواست نکن!
- (۲) ﴿وَاغْفِرْ عَنَّا وَاعْفُزْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾: و از ما درگذر و ما را هدایت نما و به ما رحم کن!
- (۳) ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾: پس منتظر باشید که من هم از منتظرانم!
- (۴) ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: خدای ما آن‌چه طاقتش را نداریم به ما تحمیل نمی‌کند!

- (۱) ﴿لَا يَتَأَسُّ مِنْ زَوْجِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ فقط گروه کافر از رحمت خدا ناامید می‌شوند!
- (۲) ﴿وَجَادِلْهُمْ بِلَا تِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ با آنان به شیوه‌ای که بهتر است، گفت‌وگو کن!
- (۳) نَحْنُ تَعَلَّمْنَا أَنَّ الصَّبْرَ مُفْتَاخُ الْفَرَجِ: ما آموختیم که صبر کلید گشایش است!
- (۴) يُسَافِرُ أَحْوَايَ إِلَى شَمَالِ إِيرَانَ فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ: برادرم هفته آینده به شمال ایران سفر می‌کند!

- (۱) ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي﴾ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید!
- (۲) ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ خدا به کسی به‌جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌دهد!
- (۳) ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا﴾ و از آسمان آبی پربرکت نازل شد!
- (۴) ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ پس صبر کن؛ زیرا وعده خدا حق است و برای گناهت طلب آمرزش کن!

- (۱) به کسانی که در کنار خدا فرامی‌خوانند ناسزا نگویند تا آن‌ها هم به خدا ناسزا نگویند!
- (۲) نباید به کسانی که جز الله را فرامی‌خوانند، ناسزا بگویید که در این صورت به خدا ناسزا گفته‌اید!
- (۳) به آن‌هایی که جز خدا را فرامی‌خوانند، دشنام ندهید که به خدا دشنام می‌دهند!
- (۴) اگر به آن‌هایی که همراه الله فرامی‌خوانند دشنام بدهید، آن‌ها هم به الله دشنام می‌دهند!

- (۱) عربی را بیاموزید و آن را یاد بدهید؛ زیرا آن زبانی است که قرآن به آن سخن گفته است!
- (۲) زبان عربی را یاد بگیرید و آموزش دهید؛ زیرا زبانی است که قرآن درباره آن حرف زده است!
- (۳) عربی را یاد بدهید و آن را یاد بگیرید؛ چه، این زبان است که قرآن به آن صحبت نموده است!
- (۴) عربی را آموختند و آموزش دادند؛ چرا که آن زبان است که قرآن به وسیله آن حرف زده است!

- (۱) مردمان این شهر در دین تفاوت داشتند، اما آن‌ها به‌طور مسالمت‌آمیز با یکدیگر همزیستی کردند!
- (۲) با وجود این‌که ساکنان این شهر در دین اختلاف دارند، ولی به‌شکل مسالمت‌آمیزی با هم زندگی می‌کنند!
- (۳) ساکنان این شهر دین‌های متفاوتی دارند، با این‌وجود مسالمت‌آمیز با یکدیگر همزیستی می‌کنند!
- (۴) ساکنان این شهر در دین متفاوت‌اند ولی آن‌ها با یکدیگر، مسالمت‌آمیز همزیستی می‌کنند!

- (۱) چنان‌چه در این سفر به همراه دوستان بروی به نفع توس؛ چرا که چیزهای زیادی درباره گیاهان می‌آموزی!
- (۲) اگر دوستان را در این سفر همراهی کنی به سود توس؛ زیرا تو چیزهایی را درباره گیاهان خواهی فهمید!
- (۳) چنان‌چه هم‌کلاسی‌هایت را همراهی کنی، به سودت خواهد بود؛ چون در این سفر چیزهایی را درباره گیاهان می‌فهمی!
- (۴) اگر در این سفر همراه هم‌کلاسی‌هایت باشی برای تو بهتر است؛ چه مطالبی را درباره گیاهان خواهی آموخت!

- (۱) اگر پنجاه درصد مسلمین در تظاهرات روز قدس شرکت نمایند، امت اسلامی متحدتر می‌شود!
- (۲) چنان‌چه پنج درصد از مسلمانان در روز قدس تظاهرات کنند، وحدت امت اسلامی جلوه می‌نماید!
- (۳) اگر یک‌پنجم مسلمانان در تظاهرات روز قدس شرکت کنند، اتحاد امت اسلامی جلوه‌گر می‌شود!
- (۴) حتی اگر یک‌پنجم مسلمین در تظاهرات روز قدس مشارکت نمایند، یکپارچگی امت اسلامی متجلی شده است!

- (۱) کارگران کالاها را از ماشین‌ها پایین آوردند و بازرگانان آن‌ها را در مغازه‌ها به فروش رساندند!
- (۲) تَجَّارٌ به فروختن کالاها بی‌پرداختند که کارگران آن‌ها را از ماشین‌ها پایین آورده بودند!
- (۳) کارگران شروع به پایین‌آوردن کالاها از ماشین کردند تا تجار آن‌ها را در بازار بفروشند!
- (۴) کارگران به پایین‌آوردن کالاها از ماشین پرداختند تا بازرگانان آن‌ها را در بازار بفروشند!

- (۱) ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ بی‌گمان باتقواترین مردم، گرامی‌ترین آن‌ها نزد خدا هستند!
- (۲) ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ گفت بی‌شک من به چیزی که شما نمی‌دانید، آگاه‌ترم!
- (۳) ﴿بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ به حق آن را نازل کردیم و به حق نازل شد!
- (۴) ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ قطعاً نیکی‌هایتان از بین‌برنده بدی‌ها هستند!

۳۳۱- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) كُنَّا نَنْضَارِبُ فَتَدَخَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَحَنَا: با یکدیگر زدوخورد کردیم، پس مدیر وارد شد و ما را نصیحت کرد!
- (۲) ﴿كُلُّ جَزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ هر گروهی بدان چه دارند، شادمان اند!
- (۳) حَدَّثَنَا الشَّرْطِيُّ عِنْدَ الْعُبُورِ مِنَ الشَّارِعِ: هنگام عبور از خیابان، پلیس به ما هشدار داد!
- (۴) ﴿أَحْسَنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ نیکی کن همان طور که خداوند به تو نیکی کرده است!

۳۳۲- ۳۵۲- «آیا باور می کنی که ببینی ماهی هایی از آسمان می افتند؟»:

- (۱) هل تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى الْأَسْمَاكَ يَتَسَاقَطُ إِلَى السَّمَاءِ؟
- (۲) هل تُصَدِّقِينَ أَنْ تُشَاهِدِي أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟
- (۳) أَتُصَدِّقُ أَنْ تَرَى سَمَكاً يَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟
- (۴) أَتُصَدِّقُ أَنْ يُشَاهِدَ أَسْمَاكَ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ؟

۳۳۳- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) جشنواره گل ها در بعضی کشورهای اروپایی برگزار می شود: يَتَعَقَّدُ مَهْرَجَانُ الْأَزْهَارِ فِي بَعْضِ الدُّوَلِ الْأُورُوبِيَّةِ!
- (۲) روز شانزدهم از ماه آذر را روز دانشجو می نامیم: نُسَخِّي الْيَوْمَ السَّادِسَ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ آذَرَ «يَوْمَ الطَّالِبِ»!
- (۳) همه دانش آموزان به سرعت از کلاس خارج شدند: تَخَرَّجَ كُلُّ التَّلَامِيذِ مِنَ الصَّفِّ بِسُرْعَةٍ!
- (۴) تعداد همراهان در این سفر، شش نفر است: عَدَدُ الْمُرافِقِينَ فِي هَذِهِ السَّفَرَةِ سِتَّةُ أَشْخَاصٍ!

۳۳۴- «این پدیده عجیب هر ساله مردم را حیران می کند!»:

- (۱) تُحَيِّرُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ الْعَجِيبَةَ النَّاسَ سَنَوِيًّا!
- (۲) إِنَّ تِلْكَ الظَّاهِرَةَ الْعَجِيبَةَ حَيَّرَتِ النَّاسَ كُلَّ سَنَةٍ!
- (۳) تُسَبِّبُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ الْعَجِيبَةَ تَحَيَّرَ النَّاسِ شَهْرِيًّا!
- (۴) هَذِهِ الظَّاهِرَةُ تُثِيرُ تَعَجُّبَ النَّاسِ شَهْرِيًّا!

۳۳۵- «خداوند بندگان را به دوری از بدی کردن دستور داده و آرامش را بر آن ها نازل نموده است!»:

- (۱) اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَمَرَ الْعِبَادَ أَنْ يَبْتَغِدُوا عَنْ السَّيِّئَاتِ فَتَزَلَّ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ!
- (۲) إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ عِبَادَهُ بِاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةَ!
- (۳) يَأْمُرُ اللَّهُ الْعِبَادَ أَنْ يَجْتَنِبُوا الْإِسَاءَةَ وَ يُنْزِلَ عَلَيْهِمُ الْهُوْنَ!
- (۴) أَمَرَ اللَّهُ عِبَادَهُ بِالْإِبْتِعَادِ عَنِ السَّيِّئَةِ فَتَزَلَّ عَلَيْهِمُ الْهُوْنُ!

۳۳۶- «به دشمنان اجازه نمی دهیم تا در کارهای کشورمان دخالت کنند!»:

- (۱) عَلَيْنَا أَلَّا نَسْمَحَ لِلْأَعْدَاءِ التَّدَخُّلَ فِي أُمُورِ بِلَادِنَا!
- (۲) مَا سَمَحْنَا لِأَعْدَاءِنَا أَنْ يَدْخُلُوا فِي شُؤْنِ الْبِلَادِ!
- (۳) لَا نَسْمَحُ لِلْعَمَلَاءِ أَنْ يَتَدَخَّلُوا فِي أُمُورِ الْبِلَادِ!
- (۴) لَا نَسْمَحُ لِلْأَعْدَاءِ أَنْ يَتَدَخَّلُوا فِي أُمُورِ بِلَادِنَا!

۳۳۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ:

- (۱) هَمَنْشِينِي بِأَدَانِشْمَنْدَانِ عِبَادَتِ اسْتِ پَس بِأَن هَا هَمَنْشِينِي كُن: مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةً فَاجْلِسْهُمْ!
- (۲) نَبَايْدَ چِيزِي رَا شَرِيك خدَاوند قَرَار دهيم: عَلَيْنَا أَلَّا نُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا!
- (۳) بخل و دروغویی در مؤمن جمع نمی شوند: إِنَّ الْبُخْلَ وَ الْكُذْبَ لَا يَجْمَعَانِ فِي مُؤْمِنٍ!
- (۴) همکلاسی ها در پایان کلاس با یکدیگر آشنا شدند: عَرَفَ الزَّمْلَاءُ فِي نِهَآيَةِ الصَّفِّ!

۳۳۸- «دوستانم در جشن تولدم شرکت می کنند!» عَيْنِ التَّعْرِيبِ الصَّحِيحِ:

- (۱) تَشْتَرِكُ صَدِيقَاتِي فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي!
- (۲) اِشْتَرَكْتُ أَصْدِقَائِي فِي احْتِفَالِ مِيلَادِي!
- (۳) أَصْدِقَائِي يَشْتَرِكُ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي!
- (۴) يَشْتَرِكُ الصَّدِيقَاتُ فِي مَهْرَجَانِ الْمِيلَادِ لِي!

۳۳۹- «امیدم از پروردگارم در این مشکلات زیاد قطع نشده است!»:

- (۱) مَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ رَبِّي فِي هَذِهِ الْمَشَاكِلِ الْكَثِيرَةِ!
- (۲) رَجَائِي مَا انْقَطَعَتْ مِنْ رَبِّي فِي هَذَا الْمَشْكِالِ الْعَدِيدِ!
- (۳) مَا قَطَعَ رَجَائِي مِنْ رَبِّي فِي هَذِهِ الْمَشَاكِلِ الْعَدِيدَةِ!
- (۴) لَا يَنْقَطِعُ رَجَائِي مِنَ الرَّبِّ رَغْمَ الْمَشَاكِلِ الْكَثِيرَةِ!

۳۴۰- «قرآن به ما دستور می دهد که با اهل کتاب ستیز نکنیم!»:

- (۱) أَمَرْنَا الْقُرْآنَ حَتَّى لَا تُجَادِلَ أَهْلَ الْكِتَابِ!
- (۲) الْقُرْآنُ يَأْمُرُنَا أَنْ لَا تُجَادِلَ أَهْلَ الْكِتَابِ!
- (۳) يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ أَنْ نُجَادِلَ أَهْلَ الْكِتَابِ!
- (۴) قَدْ يَأْمُرُ لَنَا الْقُرْآنُ أَلَّا جَادِلُنَا أَهْلَ الْكِتَابِ!

۳۴۱- «ما به کسی که به پراکندن اختلاف میان صفوف مسلمانان تلاش می کند، اعتماد نمی کنیم!»:

- (۱) نَحْنُ لَا نَعْتَمِدُ عَلَى مَنْ يُحَاوِلُ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ!
- (۲) نَحْنُ مَا اعْتَمَدْنَا عَلَى مَنْ يُحَاوِلُونَ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَ صَفِّ الْمُسْلِمِينَ!
- (۳) نَحْنُ لَا نَعْتَمِدُ عَلَى مَنْ يُحَاوِلُونَ إِنتِشَارَ الْاِخْتِلَافِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ!
- (۴) مَنْ يَسْعَى لِإِنتِشَارِ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ لَا نَعْتَمِدُ عَلَيْهِ!

۳۴۲- «حَبِیرَتِ الْغُیُومِ السَّودَاءِ وَ الرِّیَاحِ الشَّدِيدَةِ النَّاسِ فِي سَمَاءِ الْقَرْیَةِ لَيْلَةَ أَمْسٍ!»:

- (۱) ابر سیاه و بادهای شدید آسمان روستا دیشب، مردم را متحیر کرده بود!
- (۲) ابرهای سیاه و بادهای شدید در آسمان روستا، دیشب مردم را حیران کرد!
- (۳) ابرهای سیاه و بادهای قوی در آسمان دهکده، دیشب مردم را به وحشت انداخت!
- (۴) مردم با ابرهای تیره رنگ و بادهای شدید آسمان دهکده، دیشب حیرت زده شدند!

۳۴۳- عَيْنُ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ:

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

- (۱) هل لك معلومات من الحيوانات التي تعيش في المحيط الأطلسي؟! چه اطلاعاتی درباره جانورانی که در اقیانوس اطلس زندگی می کنند، داری؟!
- (۲) من رأيتم أنه يُفَرَّق بين الزملاء في الصف أعطوه الأخطار! کسی را که دیدید در میان هم شاگردی ها در کلاس تفرقه می اندازد، به او اخطار دهید!
- (۳) مدير المدرسة يأمر المعلمين والمسؤولين لأداء واجباتهم! مدیر به معلمان و مسؤولان مدرسه برای انجام وظایفشان فرمان می دهد!
- (۴) هل تعلم أن فعل «تَعَلَّمُوا» فعلٌ ماضٍ في آن واحد؟! آیا می دانی که فعلی مانند «تَعَلَّمُوا» در آن واحد، فعل امر و فعل ماضی است؟!

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۳۴۴- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) «السَّمَكُ حيوانٌ بحريٌّ ولكن رأيتُ بعيني تساقط الأسماك من السماء!» ماهی حیوانی آبی است ولی با چشم دیدم که ماهی ها از آسمان افتادند!
- (۲) «دخل الزجل الغريب بيتي ضيفاً و بقي أتماً طويلاً!» مرد غریب به عنوان مهمان وارد خانه ام شد و روزهایی دراز ماندگار شد!
- (۳) «أنت في الدنيا نائم و إذا متَّ إنتَبَهْتَ!» تو وقتی در دنیا هستی خوابی و وقتی می میری بیدار می شوی!
- (۴) «لا يكلف المعلمون تلاميذهم إلا وسعهم!» معلمان جز به اندازه توان، به دانش آموزانشان تکلیف نمی دهند!

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

۳۴۵- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) فَعَلَيْكُمْ أَنْ تنظروا إلى هذه الصور الخيالية حتى تُصدّقوا! پس باید به این صورتهای خیالی نگاه کنید تا باور کنید!
- (۲) لهذا المطار أربعون نافذة قد إنكسرت إحداها! این فرودگاه چهل پنجره دارد که یکی از آن ها شکسته است!
- (۳) إذا لا تحترمين الناس، فالاعتذار لا ينفك! وقتی به دیگران احترام نمی گذاری، پوزش خواستن فایده ای ندارد!
- (۴) على كل الناس أن يتعايشوا مع بعضهم تعايشاً سلمياً! مردم باید با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند!

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

۳۴۶- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) أ لا تُصدّق أن تری أسماكاً تتساقط من السماء؟! آیا باور می کنی که ماهی را ببینی که از آسمان می افتند؟!
- (۲) هل تظنُّ أن يكون ذلك المطر حقيقة و ليس فلماً؟! آیا گمان می کردی که باران حقیقی باشد و فیلم نباشد؟!
- (۳) يلاحظُ الناسُ غيمةً سوداء عظيمةً لمدّة ساعتين! مردم به مدت دو ساعت، ابر سیاه بزرگی را ملاحظه می کنند!
- (۴) يحتفلُ الناسُ بهذا اليوم و يستمّونَ مِهْزَجاً السَمَك! مردم جشن می گیرند و این روز جشنواره ماهی نامیده می شود!

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۳۴۷- «يقوم كل سنة و في موسم مطر السمك رجل غني من اهالي الهندوراس بتوزيع الأسماك بين فقراء و محتاجين!»:

- (۱) هر سال و در فصل باران ماهی، مردی ثروتمند از اهالی هندوراس اقدام به تقسیم ماهی ها بین فقیران و نیازمندان می نماید!
- (۲) در هر سال در زمان باران ماهی، مردی ثروتمند از اهالی هندوراس ماهی ها را بین نیازمندان و بینوایان پخش می کند!
- (۳) هر ساله در فصل جشن باران ماهی، ثروتمندی از اهالی هندوراس بلند می شود و ماهی ها را بین فقیران و بیچارگان تقسیم می نماید!
- (۴) همه ساله در فصل بارندگی که ماهی ها از آسمان فرو می ریزند آن مرد که از اهالی هندوراس است آن ها را بین بینوایان و نیازمندان توزیع می کند!

۳۴۸- «هي لا تصدّق أن يتساقط من السماء مطر من السمك كما أنّها لا تصدّق أنّ الفرس يقدر على النوم واقفاً على اقدامه!»:

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

- (۱) او باورش نمی شد که باران ماهی از آسمان ببارد و نیز باورش نمی شد که اسب ایستاده بتواند به راحتی بخوابد!
- (۲) باور نمی کنی که باران ماهی از آسمان بر سرت ببارد؟ همان طور که باور نمی کنی که اسبی ایستاده بتواند به خواب رود!
- (۳) او باور نمی کند که از آسمان بارانی از ماهی فرو بریزد همان گونه که او باور نمی کند که اسب بتواند ایستاده روی پاهایش بخوابد!
- (۴) او راست نمی گوید که از آسمان باران ماهی فرو می ریزد همان طور که راست نمی گوید که اسبی که بر پاهایش ایستاده، بتواند بخوابد!

(سراسری ریاضی ۹۷)

۳۴۹- «كل يوم تزيّن السماء ظاهرة طلوع الشمس و غروبها لنتمتّع بها و نتأمل فيها!»:

- (۱) هر روز پدیده طلوع خورشید و غروب آن آسمان را می آرید تا از آن بهره مند شویم و پیرامون آن بیندیشیم!
- (۲) هر روز آسمان با پدیده طلوع خورشید و غروبش آراسته می شود تا از آن بهره ببریم و درباره آن اندیشه کنیم!
- (۳) همه روزه پدیده طلوع و غروب خورشید آسمان را کاملاً زینت می دهد تا این که بهره آن را ببریم و راجع به آن بیندیشیم!
- (۴) همه روزه پدیده طلوع خورشید و غروب آن بدون شک به آسمان زینت می دهد تا این که بدان بهره مند شویم و در آن تأمل کنیم!

(سراسری ریاضی ۹۶)

۳۵۰- «الزم التفكير و التعلّم فهما أمران قد شجّع الإسلام المسلمين بهما منذ ظهوره!»:

- (۱) همراه تفکر و آموختن باش، زیرا این امور از ابتدای ظهور اسلام مورد تأکید بوده و مسلمانان به آن تشویق شده اند!
- (۲) تفکر و تعلیم بر تو واجب است، چه این دو امر همان است که اسلام از ابتدای ظهور به مسلمانان تأکید کرده است!
- (۳) بر تفکر و آموزش متعهد باش، زیرا آن ها اموری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمین را بدان ها تشویق کرده است!
- (۴) پای بند تفکر و یادگیری باش، چه آن ها دو امری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمانان را بدان ها تشویق کرده است!

(سراسری تهرنی ۹۶)

۳۵۱- «هناك خير في كل شدة فإننا نستطيع أن نعرف بها صديقنا من عدونا!»:

- (۱) در هر سختی ای خیری وجود دارد، چه ما می توانیم به وسیله آن دوست خود را از دشمنان بشناسیم!
- (۲) آن جا در هر سختی ای خیری است که توانسته ایم به وسیله آن دوستان و دشمنان خود را بشناسیم!
- (۳) آن جا در همه سختی ها سود و منفعتی برای ما است زیرا شناخت دوست از دشمن را در پی دارد!
- (۴) در هر سختی ای منافعی هست که شناختن دوست و دشمنان را به واسطه آن به دنبال دارد!

- (۱) هر کس خدا را دوست بدارد، با مردم به خوبی رفتار می‌کند و کسی که خدا او را دوست بدارد، از بدی دور می‌شود!
- (۲) هر آن که حبّ خدا را در دل دارد، به مردم احسان می‌کند و آن کس که خدا او را دوست دارد، از بدی دور می‌ماند!
- (۳) کسی که خدا را دوست دارد به مردم نیکی می‌کند و کسی که خدا او را دوست دارد، بدی را از او دور می‌کند!
- (۴) آن که دوست‌دار خدا است به مردم احسان می‌کند و آن که خدا دوست‌دار اوست، او را از شر دور می‌سازد!

- (۱) خدایا این که شر آن چه را از پیش فرستادیم از ما برطرف کنی، شیرینی عاقبت را به ما می‌چشانی!
- (۲) پروردگارا، اگر شرّ آن چه را که پیش فرستاده‌ایم از ما برطرف کنی، در پایان شیرینی را خواهیم چشید!
- (۳) پروردگارا، اگر بدی‌هایی را که از قبل انجام داده‌ایم از ما برداری، ذائقه حلاوت را در عاقبت خواهیم یافت!
- (۴) خدایا این که بدی را از آن چه از قبل داده‌ایم برمی‌داری، ذائقه شیرینی را در عاقبت به ما می‌چشانی!

- (۱) هرگاه بگویند که آن چه را بدان علم نداری شریک من کنی، مبادا مطیع آنان باشی!
- (۲) اگر مجاهدت کنند که مرا شریک چیزی کنی که نمی‌دانی چیست، نباید آن را بپذیری!
- (۳) چنان چه سعی کنند که مرا با چیزی شریک کنی که علم آن را هیچ‌گونه نداری، پس اطاعت آنان را مکن!
- (۴) چنان چه تلاش کنند که برای من چیزی را شریک قرار دهی که بدان آگاه نیستی، پس از آنان اطاعت نکن!

- (۱) هیچ‌گاه نباید چیزی را که شریک زندگی تو طاقتش را ندارد و از آن خجالت می‌کشد، بر او تحمیل کنی!
- (۲) هیچ وقت بر شریک خود در زندگی آن چه را طاقت ندارد تحمیل مکن، زیرا از تو خجالت خواهد کشید!
- (۳) اگر در زندگی‌ات چیزی که شریک و همراهت تحمل ندارد بر او تحمیل کنی، شرمند می‌شود!
- (۴) هرگز نباید رفیقت را به کاری که تحمل آن را ندارد و او را شرمند می‌سازد وادار کنی!

- (۱) إِنَّ الَّذِينَ يَطْلُبُونَ حَيَاةً طَيِّبَةً يَعِيشُونَ بِقُدْرَةٍ: کسانی که زندگی شرافتمندانه‌ای می‌خواهند، با قدرت زندگی می‌کنند،
- (۲) وَ يَتَحَمَّلُونَ مَشَقَّاتِهَا وَ لَا يَنْسَوْنَ الْآخِرِينَ فِي حَيَاتِهِمْ: و سختی‌هایش را تحمل می‌کنند و دیگران را در زندگی‌شان فراموش نمی‌کنند،
- (۳) وَلَكِنَّهُمْ لَا يَتَوَقَّعُونَ مِنَ النَّاسِ شَيْئًا: اما آن‌ها از مردم توقع چیزی نداشته‌اند،
- (۴) هَؤُلَاءِ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ بِأَنَّ اللَّهَ يَزُوقُ عِبَادَهُ: این‌ها همان‌ها هستند که ایمان دارند به این که خداوند به بندگان روزی می‌دهد!

- (۱) از میان بندگان خدا کسانی هستند که کلیدهایی برای درهای هدایت گردیدند و قفل‌هایی برای درهای هلاکت!
- (۲) عده‌ای از بندگان خوب خدا برای درهای هدایت کلید هستند و برای درب هلاکت، قفل!
- (۳) در میان بندگان خدا کسانی هستند که کلید درب هدایت هستند و حال این که قفلی بوده‌اند برای درب تباهی!
- (۴) کلید درب‌های هدایت و قفل برای درب‌های هلاکت در میان بندگان خداست!

- (۱) نور خورشید در قطرات کوچک آب هنگام باریدن باران شکست و قوس قزح به وجود آمد!
- (۲) اشعه آفتاب در قطرات کوچکی از آب، وقت نزول باران شکسته شد و قوس قزح را تشکیل داد!
- (۳) در وقت نزول باران، نور آفتاب در قطره‌های ریز باران شکسته می‌شود و رنگین‌کمان حادث می‌گردد!
- (۴) هنگام بارش باران، نور خورشید در قطره‌های ریزی از آب شکسته می‌شود و رنگین‌کمان تشکیل می‌گردد!

- (۱) آیا تو راست می‌گویی که نیروی ظلم می‌تواند بر جهان مسلط شود؟ (۲) آیا باور داری که نیروهای ستم می‌توانند بر جهان مسلط شوند؟
- (۳) آیا تو صدقه می‌دهی که سپاه ستم بتواند بر جهان سیطره یابد؟ (۴) آیا سیطره نیروهای ظلم بر عالم را می‌توان باور کنی؟

- (۱) مشو نومید از ظلمی که کردی
- (۲) هر که تیغ ستم کشد بیرون
- (۳) قطع این مرحله بی‌همری خضر مکن
- (۴) در این ظلمت‌سراتاکی به‌بوی دوست‌بنشینم
- (۱) که دریای کرم توبه‌پذیر است
- (۲) فلکش هم بدان بریزد خون
- (۳) ظلمات است بترس از خطر گمراهی
- (۴) گهی انگشت بر دندان گهی سر بر سر زانو

- (۱) ﴿جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
- (۲) ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾
- (۳) ﴿إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا﴾
- (۴) ﴿و شَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾

۳۶۲- ما هو الأبعد في المفهوم ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾؟

- (۱) از مکافات عمل غافل مشو
- (۲) بی تو در کلبه گدایی خویش
- (۳) هر چه کنی به خود کنی
- (۴) من اگر نیکم اگر بد، تو برو خود را باش

۳۶۳- عَنِ أَنْسَبِ عِبَارَةِ مَفْهُوماً لِهَذِهِ الْآيَةِ ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا﴾:

- (۱) الإسلام قائمٌ على أساس المنطق و اجتناب الإساءة!
- (۲) ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾
- (۳) الإسلام يَحْتَرِمُ الأديان الإلهية!
- (۴) ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾

۳۶۴- ﴿وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ عَنِ الْأَقْرَبِ إِلَى الْمَفْهُومِ:

- (۱) خدا را بر آن بنده بخشایش است
- (۲) مشو نومید از ظلمی که کردی
- (۳) سعادت به بخشایش داور است
- (۴) تو بخشیدی روان و عقل و ایمان

۳۶۵- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ عَنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) هر چه کنی به خود کنی
- (۲) بدی را با بدی سهل باشد جزا
- (۳) بگفتیم در باب احسان بسی
- (۴) تو نیکی می کن و در دجله انداز

۳۶۶- عَنِ الْخَطَأِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) ﴿رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وَشْعَهَا﴾
- (۲) ﴿لَا يَبْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾: إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَبْأَسُونَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ!
- (۳) ﴿وَ اضْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ﴾: ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾
- (۴) ﴿وَ اغْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا﴾: رَبَّنَا نَرْجُوكَ الْمَغْفِرَةَ وَ الرَّحْمَةَ!

۳۶۷- «تَعَاشَرُوا كَالْإِخْوَانِ وَ تَعَامَلُوا كَالْأَجَانِبِ!» عَنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) حساب، حساب است، کاکا برادر!
- (۲) جوجه را آخر پاییز می شمارند!
- (۳) کبوتر با کبوتر باز با باز / کند هم جنس با هم جنس پرواز!
- (۴) کس نخارد پشت من / جز ناخن انگشت من!

۳۶۸- عَنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾: کم مباش از درخت سایه فکن / هر که سنگت زند ثمر بخشش
- (۲) ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾: قناعت کن ای نفس بر اندکی / که سلطان و درویش بینی یکی
- (۳) ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا﴾: دولت همه ز اتفاق خیزد / بی دولتی از نفاق خیزد
- (۴) ﴿إِذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾: جفاپیشگان را بده سر به باد / ستم بر ستم پیشه، عدل است و داد

۳۶۹- ﴿وَ لَا تَبْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ ...﴾ عَنِ مَا لَا يَتَنَاسَبُ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) هاتفی از گوشه میخانه دوش / گفت ببخشند گنه، می بنوش
- (۲) لطف الهی بکند کار خویش / مژده رحمت برساند سروش
- (۳) گرچه وصالش نه به کوشش دهند / هر قدر ای دل که توانی بکوش
- (۴) لطف خدا بیشتر از جرم ماست / نکته سر بسته چه دانی خموش

۳۷۰- عَنِ الْمَفْهُومِ الَّذِي يَخْتَلِفُ عَنْ الْبَقِيَّةِ:

- (۱) ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا﴾
- (۲) ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾
- (۳) كُلُّوا جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ!
- (۴) إِذْ قَالَ أَحَدٌ كَلَاماً يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ فَأَعْلَمُوا أَنَّهُ عَمِلَ الْعَدْو!

۳۷۱- عَنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي مَفْهُومِ عِبَارَةِ «أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ»:

- (۱) تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد!
- (۲) خموش باش چه بسیار دیده ایم که داد / زبان سرخ سر سبز را به تیغ کبود!
- (۳) اللسان جرمه صغیر و جرمه کبیر!
- (۴) الکلام یَجْزِي الکلام!

۳۷۲- «اعْمَلْ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ مُجَازِيهِ بِإِسَاءَتِهِ وَ إِحْسَانِهِ!» عَنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) ﴿وَ مَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾
- (۲) الْبِرُّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السَّرِّ عَمَلُ الْعَلَانِيَةِ!
- (۳) مَا يَعْمَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ يُحَاسَبُ عَلَيْهِ!
- (۴) مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ يَنْتَفِعُ بِهِ فِي النَّهَايَةِ!

۳۷۳- ﴿وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ عَنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ ذَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ!
- (۲) أَغْصَانُ الْأَشْجَارِ الْمُشْمِرَةِ تَمِيلُ (میل می کند) نَحْوُ الْأَرْضِ أَكْثَرًا!
- (۳) افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
- (۴) رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود / رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

٣٧٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) أَخْبَرَ، يُخْبِرُ، أَخْبَارَ (٢) تَكَبَّرَ، يَتَكَبَّرُ، تَكَبُّرٌ (٣) جَالَسَ، يُجَالِسُ، مُجَالِسَةٌ (٤) تَعَارَفَ، يَتَعَارَفُ، تَعَارُفٌ

٣٧٥- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي صِيَاغَةِ الْأَفْعَالِ:

- (١) المتكلم وحده من «يُرْسِلُ» ← أَرْسَلَ
(٣) المضارع للثاني من «تَسْقِطُ» ← سَاقِطٌ

٣٧٦- عَيْنُ الْخَطَا فِي إِسْتِخْدَامِ الْأَفْعَالِ:

- (١) خصلتان لا يجتمعان في مؤمن: البخل والكذب!
(٣) يا بناتي، نزلن البضائع من الحافلة!

٣٧٧- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ مَصْدَرِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «نُشْرِكُ، تُكَاتِبُ، تُدَافِعُونَ»

- (١) تشريك، مُكَاتَبَةٌ، دِفَاعٌ (٢) إشراك، مُكَاتَبَةٌ، مُدَافَعَةٌ (٣) تشريك، تَكَاتِبٌ، مُدَافَعَةٌ (٤) إشراك، تَكَاتِبٌ، دِفَاعٌ

٣٧٨- عَيْنُ عِبْرَةٍ فِيهَا فِعْلٌ مِنْ بَابِ «اسْتَفْعَالٍ»:

- (١) نَحْنُ نَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ جَيِّدًا!
(٣) اِسْمَعُوا كَلَامِي كَأَنَّهُ مَا حَدَّثَ شَيْءًا!

٣٧٩- عَيْنُ حُرُوفِ التَّوْنِ لَيْسَ مِنَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ لِلْفِعْلِ:

- (١) هذه الحفلة تُعَقَّدُ بمناسبةِ نجاحنا في الجامعة!
(٣) تُنْتِجُ هذه المحاصيلُ الغاليةُ في هذا المَصْنَعِ الصَّغِيرِ!

٣٨٠- عَيْنُ «ن» مِنَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ لِلْفِعْلِ:

- (١) اِئْتَبَتْ عَدَدٌ كَثِيرٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ لِهِدَايَةِ النَّاسِ!
(٣) إِلَهِي قَدْ انْقَطَعَ رَجَائِي عَنْ الْخَلْقِ وَأَنْتَ رَجَائِي!

٣٨١- عَيْنُ عِبْرَةٍ فِيهَا فِعْلٌ لَهُ حُرُوفَانِ زَائِدَانِ:

- (١) مَدِينَةُ مَشْهَدٌ تَبْعُدُ أَلْفَ كِيلُومِترٍ عَنْ طَهْرَانَ تَقْرِبًا!
(٣) لَا تَخْرُجْ مِنَ الْبَيْتِ بِدُونِ جِجَابٍ أَبْنَتُهَا الْأَخَوَاتُ!

٣٨٢- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) أَنْتُمْ اِسْتَغْفِرُوا! (٢) هُمْ تَعَلَّمُوا! (٣) هِيَ تَتَعَلَّمِينَ! (٤) هُنَّ اِسْتَعْلَتُنَّ!

٣٨٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ بَابِ الْأَفْعَالِ:

- (١) اِئْتَصَرَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَاحَةِ الْقِتَالِ! (انفعال)
(٣) سَنَشْتَعِلُ فِي مَوْسِمَةِ اقْتِصَادِيَّةٍ بَعْدَ سَنَةٍ! (استفعال)

٣٨٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) يَسْتَخْرِجُ الْغَوَاصُونَ مِنَ عُمُقِ الْبَحْرِ دُرًّا جَمِيلَةً!
(٣) أُولَئِكَ الطَّالِبَاتُ تَخْرُجْنَ مِنَ الْجَامِعَةِ بَعْدَ سَنَةٍ!

٣٨٥- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْأَمْرِ عَنِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ: «تَخْرُجْنَ - تَكْتَسِبِينَ - تَعْتَذِرُونَ»

- (١) اِئْتَحَرْنَ - اِكْتَسَبِي - اِعْتَذِرْنَ (٢) تَخْرُجْ - اِكْتَسِبِي - اِعْتَذِرِي (٣) تَخْرُجْنَ - اِكْتَسِبِي - اِعْتَذِرْنَ (٤) تَخْرُجْنَ - اِكْتَسِبِينَ - اِعْتَذِرْنَ

٣٨٦- «أَخْتَايَ فِي الْمَدْرَسَةِ وَأَخَوَايَ فِي الْجَامِعَةِ!» عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاعِينَ:

- (١) يَدْرَسَانِ - يَدْرَسَانِ (٢) يَدْرَسَانِ - يَدْرَسَانِ (٣) يَدْرَسَانِ - يَدْرَسَانِ (٤) يَدْرَسَانِ - يَدْرَسَانِ

٣٨٧- عَيْنُ أَفْعَالٍ تَنَاسَبَ الضَّمَائِرُ التَّالِيَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «نَحْنُ - أَنْتُمْ - هِيَ»

- (١) اِنْدَفَعْنَا - يَشْتَرِكَانِ - تَقْدَمْتُ - يَنْتَبِهَانِ - تَحْتَفِلُ (٢) تَقْدَمْتُ - يَنْتَبِهَانِ - تَحْتَفِلُ (٣) تَحْتَفِلُ - تَنْتَظِرَانِ - تَنْتَبِعُ (٤) أَخْرَعُ - اِسْتَمْتَمَا - تَتَعَرَّفُ

٣٨٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ مَصْدَرِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ: «تَخْرُجْتُ - يَنْفَتِحُ - لَا نَسْتَسْلِمُ»

- (١) تَخْرُجُ - اِنْفِتَاحٌ - اِسْتِسْلَامٌ (٢) تَخْرُجُ - اِنْفِتَاحٌ - اِسْتِسْلَامٌ (٣) تَخْرُجُ - اِنْفِتَاحٌ - اِسْتِسْلَامٌ (٤) تَخْرُجُ - اِنْفِتَاحٌ - اِسْتِسْلَامٌ

٣٨٩- «..... تَحْتَرِمَانِ الْكِبَارَ!» عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاعِ:

- (١) أَخَوَاتِي (٢) أُخْتِي (٣) أُخْتَايَ (٤) إِخْوَتِي

٣٩٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ صِيغَةِ الْأَفْعَالِ:

- (١) تَوَقَّفَتِ الْحَافِلَةُ حَتَّى يَزْكَبَهَا الطَّلَابُ! (للمخاطبة)
(٣) لِمَاذَا مَا قَرَأْتَ دُرُوسَكَ قَبْلَ الذَّهَابِ إِلَى الْحَفْلَةِ؟ (للمخاطبة)
(٢) اِسْتَحْدَمُوا الْحَاسِبَ لِلْحُجُوثِ الْعِلْمِيَّةِ! (للمخاطبين)
(٤) الْمُؤْمِنُونَ يَجْتَمِعُونَ فِي بَيْتِ اللَّهِ فِي مَوْسَمِ الْحَجِّ! (للمخاطبين)

٣٩١- تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالدُّعَاءِ! عَيِّنِ الْخَطَأَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) هُنَّ (٢) هُمْ (٣) أَنْتُمْ (٤) يَا زُمَلَائِي

٣٩٢- عَيِّنِ مَا فِيهِ فِعْلٌ لَهُ ثَلَاثَةُ حُرُوفٍ زَائِدَةٍ:

- (١) ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ﴾
(٣) الْأَنْبِيَاءُ كَانُوا يَتَكَلَّمُونَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ!
(٢) مَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى!
(٤) أَكْثَرُ الطَّلَابِ لَا يَسْتَعْمِلُونَ أَثْنَاءَ دِرَاسَتِهِمْ!

٣٩٣- عَيِّنِ مَا فِيهِ فِعْلٌ مَزِيدٌ أَكْثَرُ:

- (١) نَحْنُ نَعُوْذُ أَنْ نَسْتَقْبَلَ الْمُلُوكَ بِالْهَدَايَا!
(٣) ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾
(٢) ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾
(٤) وَقَعَتْ زُجَاجَاتُ الْمَوَادِّ الْكِيمَاوِيَّةِ عَلَى الْأَرْضِ فَاحْتَرَقَتْ!

٣٩٤- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: «يَا سَكَّانَ الْعَالَمِ! تَعَايَشُوا سَلَمِيًّا»

- (١) يَتَعَايَشُونَ (٢) تَعَايَشُوا (٣) تَعَايَشَا (٤) تَتَعَايَشَانِ

٣٩٥- عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ: «مِثْلُ الْمُؤْمِنِ كَمِثْلِ الْعَطَّارِ إِنْ سَهُ نَفْعُكَ!»

- (١) جَالِسُوا (٢) جَالَسُوا (٣) جَالَسَتْ (٤) يُجَالِسُ

٣٩٦- هَذَا الْيَوْمَ سَنَوِيًّا فَاعْلَمُوا أَنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ! عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ:

- (١) احْتَفَلُوا (٢) يَحْتَفِلُونَ (٣) احْتَفَلُوا (٤) كَانُوا يَحْتَفِلُونَ

٣٩٧- «انْتَشَرَتْ عَلَى الْأَرْضِ الْأَسْمَاكُ الَّتِي تَسَاقَطَتْ مِنَ السَّمَاءِ!» عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ عَنِ الْفَعْلَيْنِ:

- (١) افْتَعَالٌ، تَفَاعُلٌ (٢) انْفَعَالٌ، مَفَاعَلَةٌ (٣) افْتَعَالٌ، مَفَاعَلَةٌ (٤) انْفَعَالٌ، تَفَاعُلٌ

٣٩٨- عَيِّنِ النَّونَ لَيْسَتْ مِنَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ فِي الْفِعْلِ:

- (١) النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا إِنْتَبَهُوا!
(٣) عَالِمٌ يُنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!
(٢) بَعْضُ الدَّلَافِينِ تُغْنِي كَالطَّيُورِ وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ!
(٤) انْفَتَحَ الْوَرْدُ بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَصَارَ الْمَنْظَرُ جَمِيلًا!

٣٩٩- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي حَرَكَاتِ الْأَفْعَالِ:

- (١) يَا أَبْنَائِي أَنْفَعُوا بِمَا عِنْدَكُمْ إِلَى الْفُقَرَاءِ!
(٣) طَالِبَاتِي كُلُّنَّ أَبَائِهِنَّ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ!
(٢) يَا صَدِيقِي بَلِّغْ سَلَامِي إِلَى حَبِيبِي!
(٤) أَنْتُمْ تَعْلَمُوا هَذَا الدَّرْسَ فِي الْوَقْتِ الْمَحْدَدِ!

٤٠٠- عَيِّنِ عِبْرَةً مَا جَاءَ فِيهَا مَصْدَرٌ مِنْ فِعْلٍ مَزِيدٍ:

- (١) هَذِهِ الْأَسْمَاكُ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةٌ بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ!
(٣) يَأْخُذُ النَّاسُ هَذِهِ الْأَسْمَاكَ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا!
(٢) حَاوِلِ الْعُلَمَاءُ التَّعَرُّفَ عَلَى هَذِهِ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ!
(٤) هَلْ تَقْدِرُونَ عَلَى التَّكَلُّمِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا؟!

٤٠١- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْفَعْلَيْنِ: «تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ!»

- (١) مِنْ بَابِ تَفَاعُلٍ - مِنْ بَابِ تَفْعِيلٍ
(٣) مَاضٍ - مِنْ مَصْدَرٍ «تَعَلَّمَ»
(٢) لِلغَائِبِينَ - لِلْمُخَاطَبِينَ
(٤) أَمْرٌ - مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ

٤٠٢- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْكَلِمَاتِ فِي هَذِهِ الْعِبْرَةِ: «لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ».

- (١) الْإِصْرَارُ: اسْمٌ - جَمْعُ تَكْسِيرٍ وَ مَفْرَدُهُ «صَرٌّ» - مَذْكَرٌ - مَعْرِفَةٌ
(٢) الْخِلَافُ: اسْمٌ - مَفْرَدٌ - مَذْكَرٌ - مَصْدَرٌ مِنْ بَابِ مَفَاعَلَةٍ - مَعْرِفَةٌ
(٣) الْعُدْوَانُ: اسْمٌ - مِثْنِيٌّ وَ مَفْرَدُهُ «عَدَوٌّ» - مَذْكَرٌ - مَعْرِفَةٌ
(٤) لَا يَنْتَفِعُ: فِعْلٌ مُضَارِعٌ لِلتَّهْيِ - لِلغَائِبِ - التَّوْنُ فِيهِ مِنَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ - مَصْدَرُهُ «انْتِفَاعٌ»

٤٠٣- عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِتَكْمِيلِ الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: ﴿..... مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَ..... بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾

- (١) نَزَلَ - حَرَجَ (٢) يَنْزِلُ - يَخْرُجُ (٣) أُنْزِلَ - أَخْرَجَ (٤) يُنْزِلُ - يَخْرُجُ

٤٠٤- مَا هُوَ الصَّحِيحُ عَمَّا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ: «أَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ!»؟

- (١) فِعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلْمُخَاطَبِ - مِنْ بَابِ تَفْعِيلٍ
(٣) فِعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلغَائِبِ - مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ
(٢) فِعْلٌ مَاضٍ - لِلغَائِبِ - مِنْ مَصْدَرٍ «تَصَدَّقَ»
(٤) فِعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلْمُخَاطَبَةِ - مِنْ مَصْدَرٍ «تَصَدَّقَ»

٤٠٥- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

- (١) كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ: مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ - لِلْمُخَاطَبِ
(٢) أَرَسِلُوا فَرِيقًا لَزِيَارَةِ الْمَكَانِ: فِعْلٌ أَمْرٌ - مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ مِنْ مَصْدَرٍ «إِرْسَالٌ»
(٣) تَحَدَّثَ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ: لِلغَائِبِ - مَصْدَرُهُ «إِحْدَاثٌ»
(٤) هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَاءِ؟: مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ وَ مَصْدَرُهُ «إِمْكَانٌ»

٤٠٦- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (١) انْفَتَحَ: فِعْلٌ مَاضٍ - مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ - مُتَعَدٍّ
(٢) تَتَعَلَّمَنَّ: فِعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلغَائِبِ - مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ مِنْ بَابِ «تَفْعَلُ»
(٣) اُعْتَقِدَ: فِعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلْمُتَكَلِّمِ وَاحِدٍ - مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ
(٤) تَخَرَّجَتْ: فِعْلٌ مَاضٍ - لِلْمُخَاطَبَةِ - مُتَعَدٍّ

٤٠٧- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «فَرَحُوا - تَعَاوَنَتْ - تَعَارَفِي»:

(١) أمر - ماضي - أمر (٢) ماضي - ماضي - ماضي (٣) أمر - مضارع - ماضي (٤) ماضي - مضارع - أمر

٤٠٨- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

(١) أَدْخَلْنَ: فعل ماضي - مزيد ثلاثي - متعدّد - للغائبات
(٣) قَبِلْنَا: ماضي - مزيد ثلاثي - متعدّد - متكلم مع الغير

٤٠٩- عَيِّنِ عِبْرَةً فِيهَا فِعْلٌ مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ أَكْثَرُ:

(١) لَا تَنْتَظِرِ الْخَيْرَ مِمَّنْ يُخْلِفُ الْمِيعَادَ!
(٣) إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُنَا أَنْ نَحْتَرِمَ وَالِدَيْنَا!

٤١٠- عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ لِلْمَخَاطِبِينَ:

(١) يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ دَافِعُوا عَنِ الْقِيَمِ الْأَخْلَاقِيَّةِ!
(٣) اِغْتَدِرُوا إِلَى النَّاسِ عِنْدَ خُلْفِ الْمِيعَادِ!

٤١١- عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ:

(١) الْحُبُوبُ الَّتِي كَتَبَهَا الطَّبِيبُ لَكَ فِي الْوَصْفَةِ تُهْدِي أَغْصَابَكَ!
(٣) إِنَّ الْأَذْكِيَاءَ يَجْمَعُونَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِمْ!

٤١٢- «تَعْلَمُوا وَاعْلَمُوا وَتَفْقَهُوا وَ لَا تَمُوتُوا جَهْلًا» عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِي الْعِبْرَةِ:

(١) فعل أمر (٢) جمع تكسير (٣) فعل ماضي (٤) فعل نهي

٤١٣- «إِنَّكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» عَيِّنِ الْخَطَأَ لِلْفَرَاغِ:

(١) جَاهِدُوا (٢) جَاهِدْتُمْ (٣) مُجَاهِدُونَ (٤) تَجَاهِدُونَ

٤١٤- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ أَبْوَابِ الْأَفْعَالِ:

(١) «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» استفعال
(٣) لَيْسَ فِي النَّسَبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ فَتَفَاخَرُوا بِحَسَنِ أَدَبِكُمْ: مفاعلة

٤١٥- عَيِّنِ مَا فِيهِ مَصْدَرٌ مِنَ الْأَفْعَالِ الْمَزِيدَةِ:

(١) أَيُّهَا الصِّيُوفُ الْأَعْرَاءُ، عَلَيْكُمْ الْجُلُوسُ عَلَى الْكَرَاسِيِّ الْمَحْدَدَةِ لَكُمْ!
(٣) الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ مِنْ غَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ الْحَقِيقِيِّ!

٤١٦- عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ مَجْرُودٌ ثَلَاثِيٌّ وَ مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ مَعًا:

(١) مَنْ حَاوَلَ لِأَهْدَافِهِ جَدًّا وَصَلَ إِلَيْهَا بِدُونِ أَيِّ شَكٍّ!
(٣) بَغْتَةً عَصَفَتْ رِيَاحٌ شَدِيدَةً فَخَرَّتْ بُيُوتًا كَثِيرَةً!

٤١٧- عَيِّنِ مَا فِيهِ فِعْلٌ مِنْ بَابِ «إِفْعَال»:

(١) «إِصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ»
(٣) «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي

٤١٨- عَيِّنِ الْعِبْرَةَ الصَّحِيحَةَ:

(١) يَتَعَارَفُونَ الزَّمْلَاءُ مَعَ بَعْضِهِمْ فِي بَدَايَةِ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ!
(٣) مَا مَنَعَتْ الْأُمَّ بِنْتَهَا عَنِ الْحُضُورِ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ صَدِيقَتِهَا!

٤١٩- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ فِعْلِ الْأَمْرِ مِنَ الْأَفْعَالِ الْمُعَيَّنَةِ:

(١) رَبَّنَا أَنْتَ الَّذِي تُنْزِلُ عَلَيْنَا مِنَ السَّمَاءِ نِعْمَكَ: إنزّل
(٣) هَلْ أَنْتُمْ تَحْتَفِلُونَ الْيَوْمَ الْآخِرَ مِنَ الْخَرِيفِ فِي بِلَادِكُمْ؟: إحتفلوا

٤٢٠- عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ مِنْ بَابِ «إِفْعَال»:

(١) شَاهَدْنَا فِي الصَّفِّ أَحْسَنَ التَّلَامِيذِ أَخْلَاقًا وَ دَرَسًا!
(٣) إِنَّ الْقُرْآنَ أَخْبَرَنَا عَنْ ظَاهِرَةِ الصَّبْرِ فِي التَّنَفُّسِ!

٤٢١- عَيِّنِ مَا فِيهِ فِعْلٌ مِنْ بَابِ «مَفَاعَلَة»:

(١) تَعَارَشُوا كَالْإِخْوَانِ لِأَنَّ الْوُدَّ أَسَاسُ كُلِّ عِلَاقَةٍ!
(٣) يَتَعَاوَنُ النَّاسُ فِي الشُّؤْنِ الْاجْتِمَاعِيَةِ لِتَقْدَمَ بِلَادِهِمْ!

٤٢٢- عَيِّنِ مَا يَنْبَسِبُ الضَّمَائِرِ التَّالِيَةِ: «أَنْتُمْ - نَحْنُ - هِيَ»

(١) تَعَرَّفُوا - نُمِسِكَ - تَحْتَرِمُ (٢) اِخْتَفَلُوا - أَخْرَجْنَا - شَارَكْتَ

(٣) أَرْسَلْتُمْ - أَجْلَسَ - تَتَعَلَّمِينَ (٤) شَجَعُوا - اِغْتَدَرْتُ - اِسْتَعْفَرْتُ

٤٢٣- ﴿و شَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ أَبْوَابِ الْأَفْعَالِ الْمَزِيدَةِ عَلَى التَّوَالِي:

(١) تفاعل - تفعل - تفعيل (٢) مفاعلة - تفعيل - تفعيل (٣) مفاعلة - تفعل - إفعال (٤) تفاعل - تفعل - إفعال

٤٢٤- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ مَصْدَرٌ مَزِيدٌ:

(١) ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾
(٢) اجْتَنَابُ الْإِسَاءَةِ أَقْلُ شَيْءٍ أُرِيدُهُ مِنْكَ!
(٣) إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِي!
(٤) عَلَيْكَ بِالْمَحَاوَلَةِ فِي الْحَيَاةِ لِلْوُصُولِ إِلَى النَّجَاحِ!

٤٢٥- عَيْنُ عِبَارَةٍ فِيهَا فِعْلٌ مَزِيدٌ ثَلَاثِي حُرُوفُهَا الزَائِدَةُ أَقْلُ:

(١) الْمُعَلِّمُ يَتَحَدَّثُ عَنْ دَوْرِ الْمُطَالَعَةِ الْمُتَوَاصِلَةِ فِي النَّجَاحِ!
(٢) اِبْتَسِمَ لِلْحَيَاةِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَى أَيِّ شَيْءٍ يَحْدُثُ!
(٣) الْمُؤْمِنُونَ يُغْرَضُونَ عَنِ اللَّغْوِ فِي حَيَاتِهِمْ!
(٤) يَنْبَغِي ضَوْءٌ مِنْ أَعْمَاقِ الْبَحْرِ وَ هَذَا مِنْ جَانِبِ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضْيِئَةِ!

٤٢٦- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْأَبْوَابِ:

(١) تَعَلَّمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِيهِ لُغَةُ الْقُرْآنِ: تَفْعَلُ
(٢) أَنْتَ طَالِبٌ مِثَالِي تَشْتَغِلُ بِالدِّرَاسَةِ: افْتَعَالُ
(٣) انْتَصَرَ النَّاسُ فِي مُوَاجَهَةِ قُوَاتِ الْكُفْرِ وَالظُّلْمِ: انْفَعَالُ
(٤) بَعَثَ الْأَمِيرُ وَلَدَهُ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ لِيَكْتَسِبَ التَّجَارِبَ: افْتَعَالُ

٤٢٧- عَيْنُ الْخَطَا فِي مُطَابَقَةِ الْفِعْلِ مَعَ الضَّمِيرِ:

(١) هُمَا اسْتَضَعَفَا - هُمَا اسْتَضَعَفَا - أَنْتُمْ تَتَعَارَضُوا
(٢) أَنْتَ تَتَعَارَضِينَ - هِيَ تَتَعَارَضُ - هُوَ يَتَعَارَضُ
(٣) أَنْتَ تَتَعَارَضُ - هُمَا يَسْتَضَعِفَانِ - هُمَا تَسْتَضَعِفَانِ
(٤) أَنْتَ تَتَعَارَضُ - أَنْتِ اسْتَضَعَفْتَ - هُمَا يَسْتَضَعِفُونَ

٤٢٨- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي تَشْتَمِلُ عَلَى فِعْلٍ مَزِيدٍ ثَلَاثِي بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ:

(١) تُحَاوِلُ الْمُسْلِمَاتُ كَثِيرًا فِي الدِّفَاعِ عَنِ الْمَظْلُومِينَ فِي الْعَالَمِ!
(٢) أَسْتَمِعُ إِلَى كَلَامِ الْوَلَدِ فَإِنَّهُمَا يَقُولَانِ لِي عَنْ تَجَارِبِهِمَا!
(٣) اسْتَنْتَجَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ لِكُلِّ جِسْمٍ قَرِينًا!
(٤) الشَّبَابُ الْمُؤْمِنُونَ فِي الْمَسَاجِدِ يَكْتَبِرُونَ فِي إِقَامَةِ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ!

٤٢٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي أَبْوَابِ الْأَفْعَالِ لَمَّا أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطَا:

(١) بَغَضَ النَّاسُ لَا يَتَنَاوَلُونَ الْمَأْكُولَاتِ الْقِيَمَةَ الْغِذَائِيَّةَ - باب مفاعلة
(٢) وَالِدِي تَمَكَّنَ مِنْ تَشْجِيعِ أُخْتِي - باب تفعيل
(٣) نَحْنُ نَسْتَرْجِعُ الثَّرْوَةَ الْعِلْمِيَّةَ الْمَفْقُودَةَ بِالْاجْتِهَادِ - باب استفعال
(٤) أُنتِجَ الْعَمَلُ الْمَحَاصِيلَ فِي خَارِجِ الْبِلَادِ - باب إفتعال

٤٣٠- عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ أَمْرًا:

(١) تَعَلَّمَ هَذَا الدَّرْسَ مِنَ الْمُعَلِّمِ الْمَشْفِقِ!
(٢) فِي غَزْوَةِ أَحَدِ تَقَدَّمَ الْمُشْرِكُونَ بَعْدَ سَاعَاتٍ!
(٣) أَجْلَسَ مَعَ الْوَلَدِ فِي حَفْلَةِ التَّكْرِيمِ!
(٤) هُوَ بَلَغَ رِسَالَتِي إِلَى أَخِي الصَّغِيرِ فِي الْمَدِينَةِ!

٤٣١- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَزِيدُ بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ:

(١) يَا زَمَلَاتِي، اسْتَمِعُوا إِلَى آيَاتِ كِتَابِ اللَّهِ!
(٢) نَحْنُ نَعْتَمِنُ أَيَّامَ الشَّبَابِ مِنْ عَمْرِنَا!
(٣) ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾
(٤) اِنتَخَبِي بَيْنَ هَذَيْنِ الطَّرِيقَيْنِ: الْكُفْرَ وَالْإِيمَانَ!

٤٣٢- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا فِعْلٌ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ «إِفْعَالِ»:

(١) أَجْلَسَ وَالِدَتَكَ الْعَجُوزَ عِنْدَكَ!
(٢) أَنَا أَجْلَسُ عَلَى مَسْنَدِكَ لِحِظَةً جُلُوسَ الْمُلُوكِ!
(٣) الْعَسَلُ لَا يُفْسِدُ الْأَسْنَانَ عَلَى خِلَافِ السُّكَّرِيَّاتِ الْأُخْرَى!
(٤) أَظْهَرَتْ ظَاهِرَةً «قَوْسَ قَرْحٍ» أَلْوَانَهَا الْجَمِيلَةَ فِي الْأَيَّامِ الْمَاطِرَةِ!

٤٣٣- عَيْنُ الْخَطَا:

(١) هَذَا الْعَالَمُ لَهُ سُنَنٌ وَ قَوَائِنٌ لَا تَتَغَيَّرُ! (باب تَفْعَلُ)
(٢) اِئْتَصَرَ الْإِمَامُ وَأَصْحَابُهُ فِي كَرْبَلَاءَ! (باب إِفْتَعَالُ)
(٣) نَحْنُ نُوَاجِهُ الْمَشَاكِلَ مُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ! (باب مَفَاعَلَةُ)
(٤) أَنْبَتْنَا بِهِ جَنَاتٍ رِزْقًا لِلْعِبَادِ! (باب إِنْفَعَالُ)

٤٣٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(١) ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾: فِعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلْغَائِبَاتِ - مَزِيدٌ ثَلَاثِي بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ
(٢) ﴿لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنَّ الْقُلُوبِ﴾: اسْمٌ - جَمْعُ تَكْسِيرٍ وَ مَفْرَدَةٌ «قَلْبٌ» وَ هِيَ مُؤَنَّثَةٌ
(٣) هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ هَذَا الدَّرْسِ: اسْمٌ - جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمُؤَنَّثِ - مِنْ مَادَّةِ «عَمَلٌ»
(٤) تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَةِ الْمُقَدَّسَةِ: مَاضٍ - مَزِيدٌ ثَلَاثِي بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ مِنْ بَابِ تَفْعَلُ

٤٣٥- عَيْنُ أَبْوَابِ الْأَفْعَالِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا وَ اسْتَكْثَرُوا مِنْهَا وَ تَقَرَّبُوا بِهَا!»

(١) تفاعل - مفاعلة - استفعال - تفعل (٢) تفعل - مفاعلة - استفعال - تفاعل (٣) مفاعلة - استفعال - تفاعل (٤) تفاعل - تفاعل - استفعال - تفعل

٤٣٦- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي أَبْوَابِ الْأَفْعَالِ «جَاهِدِي - اِنْتَقِمْنَا - اِسْتَمِعْنَا»:

(١) مفاعلة - افتعال - إفعال (٢) إفعال - افتعال - استفعال (٣) إفعال - انفعال - افتعال (٤) مفاعلة - انفعال - استفعال

٤٣٧- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ أَبْوَابِ الْأَفْعَالِ:

(١) نَحْنُ نَسْتَمِعُ إِلَى كَلَامِ الْمُعَلِّمِ لِنَتَعَلَّمَ الدَّرْسَ! (استفعال)
(٢) عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْتَهَزُوا اِكْتِسَابَ التَّجَارِبِ! (افتعال)
(٣) انْتَصَرَ الْمَجَاهِدُونَ مَعَ قَائِدِهِمْ فِي الْقِتَالِ! (انفعال)
(٤) أَتَيْهَا الْمُؤْمِنُونَ! تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِحْسَانِ بِالْفُقَرَاءِ! (مفاعلة)

٤٣٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْأَفْعَالِ النَّالِيَةِ:

(١) الْمَاضِي مِنْ «تَعَلَّمِينَ»: تَعَلَّمْتُمْ (٢) الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «تَبَسَّيْمٍ»: تَبَسَّيْتُمْ (٣) الْأَمْرُ مِنْ «تَسْتَمْعُونَ»: اِسْتَمِعُوا (٤) الْمَضَارِعُ مِنْ «اسْتَغْفِرُونَ»: تَسْتَغْفِرُونَ
(١) أَخِي وَ أَصْدِقَاؤُهُ - تَكَلَّمُوا (٢) يَا إِخْوَانِي - تَكَلَّمُوا (٣) أُخْتِي وَ صَدِيقَتَاهَا - تَكَلَّمَا (٤) يَا أُخْتِي - تَكَلَّمَا
(كانون فرهنكي آموزش ٩٨)

۲۸۴- گزینۀ «۲» در گزینۀ (۲) الإساءة (بدی) و الإحسان (نیکی)

متضاد هستند.

ترجمۀ گزینۀها: گزینۀ (۱): کشورهای اسلامی، مجموعه‌ای از ملت‌های بسیار هستند. / گزینۀ (۲): انسان براساس شخصیتش بدی یا خوبی کردن به دیگران را انتخاب می‌کند. / گزینۀ (۳): بیاموزید و بفهمید و جاهل نمیرید! / گزینۀ (۴): اسب می‌تواند ایستاده روی پاهایش بخوابد.

۲۸۵- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) الذّکریات یعنی «خاطرات» و با توجه

به معنی جمله، غلط است: «خاطرات، جزئی از تکالیف درسی ما است».

در سایر گزینۀها اما جملات درست هستند:

گزینۀ (۱): یک پنجم عدد چهل مساوی است با هشت. / گزینۀ (۲): رهبر کسی است که مسئولان را به انجام وظایفشان نصیحت می‌کند. / گزینۀ (۴): گمرک جایی است که در آن کالاهای مسافران بازرسی می‌شود.

۲۸۶- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) سَوَاء یعنی «یکسان» و مُخْتَلِف

یعنی «متفاوت، مختلف» و این دو کلمه متضاد هم هستند.

بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): العَمَلَاء (مزدوران) - أَصْدِقَاء (دوستان) / گزینۀ (۲): بَثّ (پخش کردن، پراکندن) - نُشْر (پراکندن) / گزینۀ (۴): حَزَبَة (آزادی) - حَزَب (جنگ)

۲۸۷- گزینۀ «۱» ترجمۀ عبارت: «هنگامی که آسمان شروع به

باریدن کرد، حیاط مدرسه از دانش‌آموزان».

گزینۀ (۱): خالی شد / گزینۀ (۲): پراکنده کرد / گزینۀ (۳): متحوّل شد / گزینۀ (۴): شُست

فَرَّقَ پراکنده کرد، تفرقه انداخت، جدایی انداخت

۲۸۸- گزینۀ «۴» ترجمۀ عبارت: «ای سربازان من؛ اکنون

می‌خواهیم به مقرّ دشمنان حمله کنیم، آیا شده‌اید؟»

گزینۀ (۱): خواب / گزینۀ (۲): غافل / گزینۀ (۳): عذرخواهی کننده / گزینۀ (۴): آماده

۲۸۹- گزینۀ «۴» ترجمۀ گزینۀها: گزینۀ (۱): صحنه‌ها / گزینۀ (۲):

پدیده‌ها / گزینۀ (۳): رخدادها / گزینۀ (۴): تندیس‌ها

با توجه به معنای عبارت، گزینۀ (۴) نمی‌تواند مناسب باشد: «در طبیعتی که خداوند بلندمرتبه آفریده است ی عجیبی را می‌بینیم».

۲۹۰- گزینۀ «۳» ترجمۀ گزینۀها: گزینۀ (۱): باور می‌کند / گزینۀ (۲):

می‌نامد / گزینۀ (۳): به تعجب می‌اندازد / گزینۀ (۴): برمی‌انگیزد

با توجه به عبارت «مردم را کاملاً واضح است که گزینۀ (۳) صحیح است.

۲۹۱- گزینۀ «۲» ترجمۀ گزینۀها: گزینۀ (۱): افتادن / گزینۀ (۲):

پراکنده‌شدن / گزینۀ (۳): باریدن / گزینۀ (۴): پایین آمدن

با توجه به عبارت «..... ماهی‌ها از آسمان» واضح است که «تفرّق» واژه مناسبی نیست.

۲۹۲- گزینۀ «۱» ترجمۀ گزینۀها: گزینۀ (۱): سالانه / گزینۀ (۲):

همواره / گزینۀ (۳): روزانه / گزینۀ (۴): به سادگی

با توجه به این که پدیده باران ماهی «همواره» یا «روزانه» یا «به سادگی» رخ نمی‌دهد، گزینۀ (۱) صحیح است.

۲۹۳- گزینۀ «۱» ترجمۀ گزینۀها:

گزینۀ (۱): نمایان می‌شود / گزینۀ (۲): فرستاده می‌شود / گزینۀ (۳):

جشن می‌گیرد / گزینۀ (۴): مشرف می‌کند

با توجه به عبارت «از عجیب‌ترین این منظره‌ها است که با آن قدرت خداوند» گزینۀ (۱) مناسب است.

۲۷۸- گزینۀ «۱» در گزینۀ (۱) اِئْتَبَهُوا و اِسْتَيْقَظُوا هر دو به معنی

«بیدار شدند» هستند. بررسی سایر گزینۀها:

گزینۀ (۲): حاولوا: تلاش کردند - ذَهَبُوا: رفتند / گزینۀ (۳): البَهَائِم: چهارپایان - الحَدَائِق: باغ‌ها / گزینۀ (۴): تُصْبِحُ: می‌شود - تُكُونُ: می‌باشد

۲۷۹- گزینۀ «۲» ترجمۀ عبارت:

«بعد از اتفاق افتادن باران ماهی، زمین می‌شود، با ماهی‌های روی زمین!»

ترجمۀ گزینۀها: گزینۀ (۱): پراکنده - مرتبط / گزینۀ (۲): پوشیده (مفروش) - پراکنده / گزینۀ (۳): مرتبط - زیبا / گزینۀ (۴): پدیده - قوی

۲۸۰- گزینۀ «۴» در گزینۀ (۴) اِجْلِس یعنی «بنشین» که با جمله

جور نیست؛ جای خالی باید با اَجْلِس (بنشان) پر می‌شد:

«فرزندت را کنار خودت تا از او محافظت کنی».

بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): ملت ایران قبل از انقلاب اسلامی فشار را قبول نکردند. / گزینۀ (۲): چمدانت را برای بازرسی به این جایباور. / گزینۀ (۳): باتری موبایلم خالی نمی‌شود مگر بعد از دو روز!

(فوش به حالت! باتری موبایل ما روزی دو بار باید شارژ بشه!)

۲۸۱- گزینۀ «۲» در گزینۀ (۲) العَمَلَاء جمع الغمیل و به معنی

«مزدوران» است. عامل کلمه‌ای است که به صورت سالم (عاملون و عاملین) و به صورت مکسر (العَمَال) جمع بسته می‌شود.

در سایر گزینۀها جمع کلمات صحیح است:

گزینۀ (۱): قائِد (قادة): رهبر / گزینۀ (۳): مَقْبَرَة (مَقَابِر): آرامگاه، مقبره / گزینۀ (۴): زَمِيل (زُملاء): همکلاسی، همکار

۲۸۲- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) جمله درباره «باتری» است و به

جای فُرْشَة (مسواک) باید بَطَارِيَة قرار می‌گرفت، یعنی: قطعه‌ای در موبایل وجود دارد که بعد از مدتی استفاده از گوشی، خالی می‌شود که باتری نام دارد.

بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۱): کسی که به دشمنان وطن خدمت می‌کند مزدور است. / گزینۀ (۲): فیلم‌هایی هستند که دیدنشان به کودکان اجازه داده نمی‌شود و غیرمجاز هستند. / گزینۀ (۴): موقع وارد شدن به سایر کشورها به گذرنامه احتیاج داریم.

۲۸۳- گزینۀ «۱» در گزینۀ (۱) أَصْبَحَ و صَار هر دو به معنی «شد»

هستند. بررسی سایر گزینۀها: گزینۀ (۲): بَسَطَ (كَسَّرَ، بَسَطَ کرد) - أَخَذَ (گرفت) / گزینۀ (۳): التَّعَلُّم (یادگیری) - التَّعْلِيم (یاد دادن) / گزینۀ (۴):

نُزُول (پایین آمدن، ریزش) - صُعود (بالا رفتن)

۲۹۴- گزینه ۲»

«عَمِلَ» به معنای «مزدوران» بوده و مفرد آن «عَمِل» است و جمع «عَمِلَ» (کارگر)، «عَمَل» است.

ترجمه کلمات: گزینه (۱): قائد: فرمانده - حبل: ریسمان - يد: دست / گزینه (۲): ظاهرة: پدیده - ثلج: برف، یخ / گزینه (۳): فلم: فیلم - ریح: باد - سماء: آسمان / گزینه (۴): سنة: سال - ذنب: گناه - نائم: خواب

۲۹۵- گزینه ۴»

با توجه به مفهوم عبارت، باید در جای خالی کلمه‌ای قرار داده شود که مفهوم مالکیت را برساند. «لَدَيَّ» (لَدَي + ي) در گزینه (۱) «لي» در گزینه (۲) و «عندي» در گزینه (۳) همگی این مفهوم را می‌رسانند ولی گزینه (۴) ترکیب مناسبی برای این کار نیست: تلفن همراهی دارم که باتری‌اش طی نیم‌روز خالی می‌شود.

۲۹۶- گزینه ۲»

به معنای فعل‌های زیر دقت کنید: تصدّق: راست می‌گویی - يصدّق: راست می‌گوید - يصدّق: باور می‌کند - تصدّق: باور می‌کنی

حالا با توجه به مفهوم جمله در جای خالی اول «تصدّق» و در جای خالی دوم «يصدّق» را قرار می‌دهیم: «آیا باور می‌کنی مردی که هرگز در برابر گناه صبر نمی‌کند، راست بگوید؟!»

لازم به ذکر است که فعل دوم برای «رَجُلٌ» به کار می‌رود و نمی‌تواند مؤنث یا مخاطب باشد.

۲۹۷- گزینه ۱» نکات ترجمه‌ای:

لبعض المناطق ... لـ + اسم یا ضمیر در ابتدای جمله معنی «داشتن» ایجاد می‌کند؛ بنابراین در این جا ترجمه به این صورت است: بعضی از مناطق در جهان دارند.

حَيَّرَ: فعل ماضی است و به معنای «به تعجب انداخته، حیران کرده»
ما يصدّق: «باور نمی‌کنند»
صُور: تصاویر (جمع صورة)

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): «وجود دارد» معادلی در عبارت عربی ندارد. «به حیرت می‌اندازد» مضارع اخباری است. / گزینه (۳): «حیرت‌انگیزی» معادلی در عبارت عربی ندارد. حَيَّرَ فعل است و باید به صورت فعل ترجمه شود. ترجمه بخش دوم عبارت کاملاً اشتباه است. / گزینه (۴): «هم» معادلی در عبارت عربی ندارد. «صحنه‌های» ترجمه غلطی برای صُور است.

۲۹۸- گزینه ۴» کلمات مهم:

عندما: هنگامی که، زمانی که ← رد گزینه (۲)
شاهدنا: دیدیم ← رد گزینه (۲)
قریتنا: روستای خود، روستایمان (ضمیر «نا» باید ترجمه شود). ← رد گزینه (۱)

احتفلنا: جشن گرفتیم (فعل ماضی است). ← رد گزینه (۳)
كُنّا ننتظر: انتظار می‌کشیدیم (كان + فعل مضارع = ماضی استمراری)
← رد سایر گزینه‌ها

۲۹۹- گزینه ۲» کلمات مهم:

كل واحد متا: هر یک از ما، هر کدام از ما ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
حاول: تلاش کرد (فعل ماضی و للغائب است). ← رد سایر گزینه‌ها
أُسرار: رازها (جمع است). ← رد گزینه (۱)
هذه الأسماك التي: این ماهی‌هایی که ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
كانت: بودند (ماضی است). ← رد گزینه (۳)

۳۰۰- گزینه ۳» نکات ترجمه‌ای:

استغفروا: آمرزش خواسته‌اند (فعل ماضی است چون در جمله ضمیر «هم» داریم. پس این فعل هم للغائبین است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)
من يغفر: چه کسی می‌آمرزد؟ (فعل يغفر مضارع است). ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «باید» معادلی در آیه ندارد. «خواهند» مضارع است در حالی که فعل جمله ماضی است. / گزینه (۲): «می‌خواهند» مضارع است در حالی که فعل جمله ماضی است - «می‌تواند» اضافی است. / گزینه (۴): فعل يَغْفِر مضارع است و نباید ماضی ترجمه شود.

۳۰۱- گزینه ۴» بررسی سایر گزینه‌ها:

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): بکره: یعنی «بدش می‌آید» - القیام بـ...: پرداختن به ... ترجمه درست: آیا از پرداختن به کارهای زشتی که خداوند از آن‌ها بدش می‌آید، خودداری نمی‌کنید؟ / گزینه (۲): سنوياً: سالانه، هر ساله / گزینه (۳): أرسلوا: بفرستید (فعل امر از باب إفعال است).

۳۰۲- گزینه ۴» کلمات مهم:

عملاء العدو: مزدوران دشمن ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
يحاولون: تلاش می‌کنند ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
بثّ الخلاف: پراکندن اختلاف ← رد گزینه (۲)
اللغات والألوان: زبان‌ها و رنگ‌ها ← رد گزینه (۱)

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «تلاش کرده» ترجمه درستی نیست. / گزینه (۲): «گسترش پیدا کند»: ترجمه درستی نیست و «بسیار» اضافی است. / گزینه (۳): «دشمن مزدور» غلط است و «تأکیدشان روی ... است» ترجمه صحیحی نیست.

۳۰۳- گزینه ۱»

در گزینه (۱): تَفَقَّهُوا یعنی «بیاموزید» و فعل امر است و لا تغفلوا فعل نهی، بنابراین ترجمه درست چنین است: «در آن چه در جهان رخ می‌دهد بیندیشید و غفلت نورزید!»

۳۰۴- گزینه ۴» کلمات مهم:

كُنّا نشاور: مشورت می‌کردیم (كان + فعل مضارع = ماضی استمراری)
← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
في الأمور: در کارها (هیچ ضمیری به آن نچسبیده!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

مصلحة: مصلحت ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
المجتمع الإسلامي: جامعه اسلامی ← رد گزینه (۲)
يجتهدون: تلاش می‌کردند (همان كُنّا در ابتدای جمله باعث می‌شود تا این فعل هم ماضی استمراری ترجمه شود). ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

۳۰۵- گزینه ۲» کلمات مهم:

خَلَقْنَا خَلْقًا + نا: ما را خلق کرد / آفرید (فعل ماضی است). ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
قبائل مختلفة: قبیله‌های متفاوتی (باید نکره ترجمه شود). ← رد گزینه (۱)

حتى نتعارف: تا همدیگر را بشناسیم (باب تفاعل معمولاً به کمک «همدیگر» و «یکدیگر» ترجمه می‌شود). ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
أكرمنا (أكرم + نا): گرامی‌ترین ما (أكرم اسم تفضیل است). ← رد سایر گزینه‌ها

أثقنا (أثقی + نا): باتقواترین ما، پرهیزگارترین ما (أثقی نیز اسم تفضیل است). ← رد سایر گزینه‌ها!

۳۰۶- گزینه ۱» کلمات مهم:

نزلوا: پایین بیاورید (فعل امر از باب تفعیل و متعدی است). ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
فَسَمّوها: آن‌ها را تقسیم کنید (فعل امر از باب تفعیل است). ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
حتى تُفرّحوهم: تا آن‌ها را خوشحال سازید. (تُفرّحون فعل للمخاطبين از باب تفعیل و متعدی است). ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

۳۰۷- گزینه «۴»

کلمات مهم:

- يَلَا حَظُّونَ: ملاحظه می کنند، می بینند (فعل مضارع است). — رد
- گزینه های (۱) و (۲)
- ظاهرة: پدیده ای — رد سایر گزینه ها
- كأن: گویی، انگار — رد گزینه های (۱) و (۳)
- تُمطر: می بارد (مضارع است). — رد سایر گزینه ها

۳۰۸- گزینه «۳»

کلمات مهم:

- علينا: ما باید، بر ماست (در همه گزینه ها درست ترجمه شده).
- أن نشتر: که بخیریم — رد گزینه (۴)
- البطاقة: بلیت — رد گزینه های (۲) و (۴)
- حتى ندخل الملعب: تا به ورزشگاه وارد شویم، تا وارد ورزشگاه شویم — رد
- گزینه (۱) — «بتوانیم» در گزینه های (۲) و (۴) اضافی است.
- لمشاهدة المباراة: برای دیدن مسابقه (المباراة مفرد است). — رد
- گزینه های (۱) و (۴)

۳۰۹- گزینه «۲»

کلمات مهم:

- ما أرسلنا: نفرستادیم (ما + فعل ماضی = ماضی منفی) — رد سایر گزینه ها
- من رسول: هیچ پیامبری (در این جا «من» را هیچ ترجمه می کنیم، در ضمن رسول مفرد است). — رد گزینه های (۱) و (۴)
- إلا: به جز، جز — رد گزینه های (۱) و (۴)
- قومه: قومی، مردمش — (قبلش «آن» نداریم و ضمیر «ه» نیز مفرد است). — رد گزینه های (۳) و (۴)

۳۱۰- گزینه «۲»

کلمات مهم:

- يتحلى: جلوه گر می شود، آشکار می شود (فعل مضارع است). — رد
- گزینه های (۳) و (۴)
- اتحاد الأمة الإسلامية: اتحاد امت اسلامی (مضاف + مضاف الیه + صفت)؛ دقت کنید که ترجمه سنوياً نباید بین این ها فاصله بیندازد — رد گزینه (۱)
- اتحاد: اسم است و نباید «متحد می شوند» ترجمه شود — رد گزینه (۳)
- يشترک: شرکت می کنند — رد گزینه (۱)

۳۱۱- گزینه «۴»

کلمات مهم:

- كُل الناس: همه مردم — رد گزینه (۱)
- مع بعضهم: با یکدیگر، با همدیگر — رد گزینه های (۱) و (۲)
- لا يفرقهم: آن ها را جدا نکند، آن ها را پراکنده نسازد — رد گزینه (۲)
- تعاشراً سلمياً: زندگی مسالمت آمیز، همزیستی مسالمت آمیز — در همه گزینه ها درست ترجمه شده است.
- جاهل: نادانی، یک نادان (مفرد است). — رد گزینه (۲)
- در گزینه (۳): «نتواند» اضافی است و این گزینه نیز رد می شود.

۳۱۲- گزینه «۳»

کلمات مهم:

- أن تجلس: بنشینیم (فعل از باب افعال است و باید مفعول پذیر ترجمه شود) — رد گزینه های (۱) و (۴)
- عندنا: کنار ما، کنارمان (عندنا نباید «کنار فرزندان» ترجمه شود). — رد
- گزینه (۱)
- تعلّمهم: به آن ها یاد بدهیم، به آن ها آموزش دهیم (تعلّم از باب تفعیل است و باید مفعول پذیر ترجمه شود، در ضمن «هم» مفعول این فعل است). — رد
- گزینه های (۲) و (۴)

۳۱۳- گزینه «۴»

کلمات مهم:

- خمس: یک پنجم (دقت کنید که خمس (با ضمه) یعنی یک پنجم و خمس (با فتحة) یعنی پنج) — رد گزینه های (۱) و (۳)

- زملائي: همکلاسی هایم، هم شاگردی هایم (ضمیر «ی» باید در جای خودش ترجمه شود). — رد گزینه های (۲) و (۳)
- قادرين: می توانید، توانایی دارند (نباید به صورت فعل ماضی ترجمه شود). — رد
- گزینه های (۲) و (۳)

۳۱۴- گزینه «۲»

کلمات مهم:

- حيرت: حیرت زده کرده است، شگفت زده کرده است (از باب تفعیل است و باید به صورت مفعول پذیر ترجمه شود). — رد گزینه (۳)
- سنوات طويلة: سال های طولانی — رد گزینه (۱)
- ما وجدوا: نیافتند، پیدا نکردند (ما + فعل ماضی = ماضی منفی) — رد
- گزینه های (۱) و (۴)
- جواباً: پاسخی (مفرد است). — رد گزینه (۴)

۳۱۵- گزینه «۲»

کلمات مهم:

- يرسل: (در اینجا) می فرستد (مضارع است). — رد گزینه (۱)
- الرياح: باده ها (جمع است، مفرد آن الريح است). — رد گزینه (۳)
- سحاباً: ابری (مفرد است). — رد گزینه های (۱) و (۴)
- ثثير: برمی انگیزد (فعل مضارع است). — رد گزینه (۱)
- ينسط: می گستراند (فعل مضارع است). — رد گزینه های (۱) و (۴)
- السما: آسمان (مفرد است). — رد گزینه (۳)

۳۱۶- گزینه «۱»

کلمات مهم:

- أرسل: (در این جا) فرستادند — در همه گزینه ها درست ترجمه شده است.
- العلماء: دانشمندان (جمع العالم است). — رد گزینه های (۲) و (۴)
- فريقاً: گروهی، یک گروه — رد گزینه (۲)
- زيارة المكان: دیدن محل، دیدن مکان، دیدار محل — رد گزینه (۳)
- تتساقط: می افتند (فعل مضارع است). — رد گزینه (۴)
- هذه الأمطار الشديدة: این باران های شدید («هذه» باید ترجمه شود، در ضمن الأمطار جمع است). — رد گزینه های (۳) و (۴)

۳۱۷- گزینه «۱»

کلمات مهم:

- انعقدت: برگزار شد، برپا شد
- التكريم: بزرگداشت، تکریم — رد گزینه های (۳) و (۴)
- ليتعرف الآخرون على: تادیران بشناسند، تادیران آشنا شوند با ... (دقت کنید فعل «تعرف على» به معنی «آشنا شد با ...» یا «... را شناخت» است و در این عبارت «الآخرون» فاعل آن است). — رد گزینه های (۲) و (۴)

۳۱۸- گزینه «۱»

کلمات مهم:

- ليش: نیست — رد گزینه (۴)
- الثلوج و الأمطار: برف ها و باران ها (هر دو جمع هستند). — رد
- گزینه های (۲) و (۴)

۳۱۹- گزینه «۱»

کلمات مهم:

- الأسماك: ماهی ها (جمع است). — رد گزینه (۲)
- عجيب جداً: بسیار عجیب است («جداً» باید ترجمه شود). — رد سایر
- گزینه ها
- در گزینه (۳): «مانند» اضافی است و در عوض «ولكن» ترجمه نشده است.
- تسحب: می کشد، می کشاند (این فعل متعدی (مفعول پذیر) است). — رد
- گزینه های (۲) و (۴)

۳۱۹- گزینه «۱»

کلمات مهم:

- إليها: به سوی خودش، به سویی — رد گزینه های (۲) و (۴)
- نُسَمي: می نامیم (دقت کنید فعل با «نُ» شروع شده، پس مضارع و للمتكلم مع الغير است) — رد گزینه های (۲) و (۳)

۳۲۰- گزینه ۲»

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): المرافقین:

همراهان، الجوازات: گذرنامه [ها] ترجمه درست: درود بر همراهان. به بخش گذرنامه بروید. / گزینه (۳): انْقَطَعَ: قطع شد، قطع شده است (فعل از باب انفعال است و مفعول نمی‌پذیرد). ترجمه درست: خدایا امیدم از خلق قطع شده است و به تو توکل نمودم. / گزینه (۴): نیام: خواب هستند ترجمه درست: «مردم خواب‌اند و هنگامی که بمرند بیدار می‌شوند.»

۳۲۱- گزینه ۱»

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): اغْفِرْ لَنَا: ما را

بیامرز ترجمه درست: «و از ما درگذر (ما را عفو کن) و ما را بیامرز و به ما رحم کن.» / گزینه (۳): مَعَكُمْ: همراه شما (باید ترجمه شود). ترجمه درست: «پس منتظر باشید، که من همراه شما از منتظران هستم.» / گزینه (۴): لا تُحْمَلُنَا: به ما تحمیل مکن (دقت کنید که آخر فعل ساکن داریم، پس فعل نهی است: لا تُحْمَلُ + ضمیر نا) ترجمه درست: «پروردگارا! آن چه طاقتش را نداریم به ما تحمیل مکن!»

۳۲۲- گزینه ۴»

در گزینه (۴) أخوای در واقع «أخوان + ی» است

و ترجمه آن می‌شود: «دو برادرم». اگر در عبارت «أخي» داشتیم آن وقت ترجمه حاضر درست می‌بود ترجمه درست: «دو برادرم (برادرانم) هفته آینده به شمال ایران سفر می‌کنند.»

۳۲۳- گزینه ۳»

در گزینه (۳) أُنْزِلَ (بر وزن أَفْعَلَ) از باب إفعال

است و به صورت مفعول‌پذیر ترجمه می‌شود: یعنی «نازل کرد، فرو فرستاد» ترجمه درست عبارت: «و از آسمان آبی پربرکت نازل کرد.»

۳۲۴- گزینه ۳»

کلمات مهم:

لا تَسْبُوا: دشنام ندهید، ناسزا نگویند (فعل نهی است). رد گزینه‌های (۲) و (۴)

يَدْعُونَ: فرامی‌خوانند، دعوت می‌کنند در همه گزینه‌ها درست ترجمه شده است.

من دون الله: جز خدا، غیر از خدا رد گزینه‌های (۱) و (۴)

يَسْبُوا: دشنام می‌دهند، ناسزا می‌گویند (فعل مضارع و غایب است). رد گزینه‌های (۱) و (۲)

در گزینه (۲) «نباید» معادلی در عبارت عربی ندارد!

در گزینه (۴) «اگر» معادلی در عبارت عربی ندارد!

۳۲۵- گزینه ۱»

کلمات مهم:

تَعَلَّمُوا: بیاموزید، یاد بگیرید (تَعَلَّمَ از باب تَفَعَّلَ و به معنی «یاد گرفتن، آموختن» است، دقت کنید از همین ریشه در باب تَفَعَّلَ فعل «عَلَّمَ، يُعَلِّمُ» را داریم به معنی «یاد دادن و آموزش دادن» که در ادامه جمله آمده است؛ در ضمن با توجه به کلیت و معنای جمله، این فعل امر است نه ماضی). رد گزینه‌های (۳) و (۴) عَلِّمُوا (عَلَّمَ + ضمیر «ها»): آن را یاد بدهید، آن را آموزش دهید

رد سایر گزینه‌ها تَكَلَّمَ: صحبت کرده است، سخن گفته است (فعل ماضی است). در همه گزینه‌ها درست ترجمه شده است.

بِهَا (بِ + ضمیر «ها»): به آن، به وسیله آن رد گزینه (۲)

۳۲۶- گزینه ۴»

کلمات مهم:

ساكنو (ساكنون): ساکنین رد گزینه (۱) يَخْتَلِفُونَ: تفاوت دارند، متفاوت‌اند (معنی «اختلاف و درگیری داشتن» ندارد، در ضمن فعل مضارع است). رد سایر گزینه‌ها يَتَعَايَشُونَ: همزیستی می‌کنند (مضارع است). رد گزینه (۱) با وجود این که (در گزینه (۲) زائد است).

۳۲۷- گزینه ۲»

کلمات مهم:

مَاشِيَت: همراهی کنی رد گزینه (۱)

أصدقاء: دوستان (معنی همکلاسی هانمی‌دهد). رد گزینه‌های (۳) و (۴)

سَوْفَ تَتَفَقَّهَ: خواهی فهمید (سَوْفَ + فعل مضارع = مضارع مستقبل) رد گزینه‌های (۱) و (۳)

در ضمن: در گزینه (۱) معادلی برای «زیادی» در عبارت عربی نیست. / در گزینه (۳) «خواهد بود» معادلی در عبارت عربی ندارد. / در گزینه (۴) «بهتر» ترجمه درستی نیست و «مطالبی» معادلی در عبارت عربی ندارد.

۳۲۸- گزینه ۳»

کلمات مهم:

شَارَكَ: شرکت کنند، مشارکت کنند رد گزینه (۲) خُمُس: یک پنجم رد گزینه‌های (۱) و (۲) مَظَاهِرَةُ يَوْمِ الْقُدْس: تظاهرات روز قدس رد گزینه (۲) تَجَلَّى: جلوه‌گر می‌شود، جلوه می‌نماید (فعل بر وزن تَفَعَّلَ و ماضی است ولی به دلیل جواب شرط بودن به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود). رد گزینه‌های (۱) و (۴)

اتِّحَاد: اتحاد، یکپارچگی رد گزینه (۱)

۳۲۹- گزینه ۴»

کلمات مهم:

قَامَ ... بِ: پرداختند (گفتم اگر بعد از قَام حرف اضافه «بِ» بیاید معنای آن را عوض می‌کند!) رد گزینه‌های (۱) و (۳) تَنْزِيل: پایین آوردن رد گزینه‌های (۱) و (۲) السَّيَّارَةُ: ماشین (جمع نیست!) رد گزینه‌های (۱) و (۲) حَتَّى يَبِيعَهَا: تا آن‌ها را بفروشند باز هم رد گزینه‌های (۱) و (۲)

۳۳۰- گزینه ۳»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): در ترجمه، اسلوب جمله تغییر کرده و ضمیرهای «کم» به درستی ترجمه نشده‌اند:

ترجمه درست: «همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست.»

گزینه (۲): أَعْلَمُ در این جا فعل است، نه اسم تفضیل؛

ترجمه درست: «گفت بی‌شک من می‌دانم چیزی را که شما نمی‌دانید!»

گزینه (۴): أَوَّل این که يَذْهَبْنَ فعل است نه اسم، دوم ضمیر «تان» در ترجمه، اضافی است.

ترجمه درست: «قطعاً نیکی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برند.»

۳۳۱- گزینه ۱»

در گزینه (۱): «كُنَّا + فعل مضارع» داریم که

باید به صورت ماضی استمراری ترجمه شود، یعنی: «با یکدیگر زدوخورد می‌کردیم پس مدیر دخالت کرد و ما را نصیحت کرد.» - در ضمن «تَدَخَّلَ» یعنی «دخالت کرد» نه «وارد شد».

نکات سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): لَذِيْهِمْ (لَذَى + ضمیر هم): معنی «داشتن» دارد. / گزینه (۳): حَذَرْنَا (حَذَرَ + ضمیر نا): حَذَرَ فعل ماضی بر وزن فَعَّلَ و از باب تَفَعَّلَ است. / گزینه (۴): أَحْسَنُ: فعل امر از باب إفعال است (مصدر آن إحسان به معنی نیکی کردن) و أَحْسَنَ: فعل ماضی للغائب از همان باب است.

۳۳۲- گزینه ۲»

کلمات مهم:

باور می‌کنی: تُصَدِّقَ (برای مذکر) و تُصَدِّقِينَ (برای مؤنث) رد گزینه‌های (۳) و (۴)

که ببینی: أَنْ تَشَاهِدَ (بِأَنْ تَشَاهِدَ) - أَنْ تَرَى (بِأَنْ تَرَى) رد گزینه (۴) ماهی‌هایی: أَسْمَاكَ (هم جمع است و هم نکره، برای همین نباید «ال» هم داشته باشد). رد گزینه‌های (۱) و (۳)

می‌افتند: تَتَسَاقَطُ (چون این فعل در ارتباط با أَسْمَاكَ به کار می‌رود، پس باید به صورت مفرد مؤنث بیاید، چون أَسْمَاكَ جمع غیرانسان و در حکم مفرد مؤنث است!) رد گزینه (۱)

از آسمان: مِنَ السَّمَاء رد گزینه (۱)

۳۳۳- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) معادل «خارج شدند» می شود

خَرَجَ دقت کنید که «تَخَرَّجَ، يَتَخَرَّجُ» از باب تَفَعَّل و به معنی «فارغ التحصیل شد» است. **تعریب درست:** خَرَجَ كُلُّ التَّلَامِيذِ مِنَ الصَّفِّ بِسُرْعَةٍ.

۳۳۴- گزینۀ «۱» **کلمات مهم:**

این پدیده عجیب: هذه الظاهرة العجيبة (الظاهرة اسم مؤنث است و باید از اسم اشاره مؤنث یعنی «هذه» برای آن استفاده کنیم، در ضمن العجیبه هم صفت آن است که مؤنث می آید). **رد گزینۀ های (۲) و (۴)**
هر ساله: سنوياً، كُلَّ سَنَةٍ (شهرتاً یعنی هر ماه، ماهانه) **رد گزینۀ های (۳) و (۴)**

حیران می کند: تُحَيِّرُ **رد سایر گزینۀ ها!** (دقت کنید در گزینۀ (۲) فعل به اشتباه به صورت ماضی به کار رفته، در گزینۀ (۳) تُسَبِّبُ (سبب می شود) اضافی است و در گزینۀ (۴) نیز فعل تَثِيرُ نیز اضافه آورده شده و فعل به درستی تعریب نشده است!)

۳۳۵- گزینۀ «۲» **کلمات مهم:**

بندگانش: عبادة (ضمیر «ه» فراموش نشود!) **رد گزینۀ های (۱) و (۳)**
دوری (کردن): اجتناب (مصدر است و بهتر است به صورت فعل نیاید). **رد گزینۀ های (۱) و (۳)**

بدی کردن: الإساءة (دقت کنید السَّيِّئَةُ یعنی بدی و السَّيِّئَاتِ یعنی «بدی ها» و با «بدی کردن» فرق دارند). **رد گزینۀ های (۱) و (۴)**
دستور داده: أَمَرَ (فعل ماضی است). **رد گزینۀ (۳)**

نازل نموده است: أُنْزِلَ (اَوَّل این که فعل ماضی است پس گزینۀ (۳) رد می شود، دوم این که فعل متعدی است، دقت کنید که نَزَلَ یعنی «نازل شد» و فعل لازم است). **رد گزینۀ های (۱) و (۳)**

۳۳۶- گزینۀ «۴» **کلمات مهم:**

اجازه نمی دهیم: لا نَسْمَحُ (فعل مضارع است پس گزینۀ (۲) رد می شود، در ضمن در گزینۀ (۱) عَلَيْنَا داریم که یعنی «ما باید» و اضافی است).
دشمنان: الأعداء (هیچ ضمیری نداریم که به آن چسبیده باشد! پس گزینۀ (۲) رد می شود، در ضمن العَمَلَاءُ در گزینۀ (۳) تعریب درستی نیست! پس گزینۀ (۳) هم رد می شود).
کشورمان: بلادنا (ضمیر «نا» فراموش نشود). **رد گزینۀ های (۲) و (۳)**
دخالت کنند: أَنْ يَدْخُلُوا (در گزینۀ (۲) يَدْخُلُوا از باب اِفعال است و یعنی «وارد کنند») **رد گزینۀ (۲)**

۳۳۷- گزینۀ «۲» **بررسی سایر گزینۀ ها:** گزینۀ (۱): فعل

«همنشینی کن» در عربی از باب مفاعلة (مُجَالَسَةٌ) است، پس می شود: جَالِسٌ. **تعریب درست:** مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةً فَجَالِسُهُمْ. (أَجْلِسُ: فعل امر از باب اِفعال است و یعنی: بنشان) **گزینۀ (۳):** «جمع نمی شوند» یک فعل لازم است که در عربی از باب افتعال ساخته می شود، یعنی لا يَجْتَمِعَان، در ضمن «مؤمن» نیز باید به صورت المؤمن یعنی معرفه بیاید. (مؤمن: مؤمنی، یک مؤمن) **تعریب درست:** إِنَّ الْبَخْلَ وَالْكَذِبَ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي الْمُؤْمِنِ. **گزینۀ (۴):** «با یکدیگر آشنا شدند» در عربی از باب تَفَاعُل (تعارُف) می آید و صحیح آن به این صورت است: تَعَارَفَ الزَّمْلَاءُ فِي نِهَآيَةِ الصَّفِّ.

۳۳۸- گزینۀ «۱» **بررسی سایر گزینۀ ها:**

گزینۀ (۱): کاملاً صحیح است و جمله را در حالت «جمع مؤنث» آورده است. **گزینۀ (۲):** اِشْتَرَكَ ماضی است در حالی که «شرکت می کنند» مضارع است. **گزینۀ (۳):** دقت کنید چون جمله با أصدقاء (اسم جمع) شروع شده، پس فعلی که پس از آن می آید هم باید به صورت جمع بیاید، یعنی: أصدقاء

بیشتر کون صحیح است. **گزینۀ (۴):** اَوَّل این که الصدیقات یعنی «دوستان» و یک ضمیر کم دارد، یعنی: صدیقاتی صحیح است، دوم فعل جمله هم باید مانند صدیقات، مؤنث بیاید، یعنی تَشْتَرِكُ صدیقاتی ...، و در آخر مهرجان یعنی «جشنواره» و معنای آن با «جشن» متفاوت است.

۳۳۹- گزینۀ «۱» **بررسی سایر گزینۀ ها:** گزینۀ (۲): زجاء یک اسم

مذکر است، پس فعل بعد از آن هم باید مذکر بیاید (ما انْقَطَعَ)؛ در ضمن «مشکلات» جمع است و مشکل تعریب درستی نیست. **گزینۀ (۳):** قَطَعَ یعنی بُرِد، قطع کرد (متعدی) است، در حالی که انْقَطَعَ یعنی قطع شد (لازم است). **گزینۀ (۴):** لا يَنْقَطِعُ مضارع است در حالی که در عبارت فعل ماضی داریم: الزَّيْبُ باید با ضمیر «ي» و به صورت رَبِّي بیاید، زَغَم یعنی «با وجود» که در عبارت فارسی معادلی ندارد.

۳۴۰- گزینۀ «۲» **بررسی سایر گزینۀ ها:** گزینۀ (۱): اَمَرْنَا فعل ماضی

است در حالی که «دستور می دهد» مضارع است. **گزینۀ (۳):** نُجَادِلُ یعنی «ستیز کنیم» در حالی که در عبارت فارسی داریم: «ستیز نکنیم». **گزینۀ (۴):** قد يَأْمُرُ لَنَا یعنی «گاهی برای ما امر می کند» که تعریب صحیحی نیست، در ضمن أَلَا جاذلنا فعل ماضی است در حالی که «ستیز نکنیم» مضارع است.

۳۴۱- گزینۀ «۱» **بررسی سایر گزینۀ ها:** گزینۀ (۲): ما اعتمدنا

فعل ماضی است اما «اعتماد نمی کنیم» مضارع است، در ضمن صَفَّ مفرد است اما «صفوف» جمع است. **گزینۀ (۳):** دقت کنید که الاختلاف در عربی به معنی «فرق داشتن و متفاوت بودن» است ولی منظور از «اختلاف» در عبارت فارسی «ستیز و دشمنی» است که معادل آن می شود الخِلاف. ضمناً «یحاولون» نباید جمع باشد و «انتشار» هم یعنی «پراکنده شدن» که هر دو غلط هستند **گزینۀ (۴):** لا نعتمد علينا یعنی «ما به خودمان اعتماد نمی کنیم» و تعریب صحیحی نیست.

۳۴۲- گزینۀ «۲» **کلمات مهم:** «حَيَّرَ»: حیران کرد - «الغيوم

السوداء»: ابرهای سیاه - «الرياح الشديدة»: بادهای شدید - «ليلة أمس»: دیشب **خطاهای سایر گزینۀ ها:** گزینۀ (۱): ابر «الغيوم» جمع است. - آسمان روستا «في» ترجمه نشده است. - متحیر کرده بود «حَيَّرَ» ماضی ساده است. **گزینۀ (۳):** قوی (ترجمۀ دقیقی برای «الشديد» نیست). - دهکده ما (ضمیر «ما» اضافی است). - به وحشت انداخت (ترجمۀ درستی برای «حَيَّرَ» نیست). **گزینۀ (۴):** مردم (باید به صورت مفعول ترجمه شود **مردم را**) - آسمان دهکده (مانند گزینۀ ۱) - حیرت زده شدند «حَيَّرَ» مجهول نیست). **خطاهای سایر گزینۀ ها:** گزینۀ (۱): چه «هل» به

معنای «آیا» است. - درباره (ترجمۀ دقیقی برای «من» نیست). **گزینۀ (۳):** مدیر (در عبارت عربی به شکل «مدير المدرسة» آمده است، در واقع کلمۀ «المدرسة» جابه جا ترجمه شده است). **گزینۀ (۴):** مانند (اضافی است).

۳۴۴- گزینۀ «۲» **بررسی سایر گزینۀ ها:** گزینۀ (۱): چشم «عيني»

یعنی «چشم من» ولی ضمیر آن ترجمه نشده است. - افتادند «تساقط» مصدر است به معنای «افتادن» **گزینۀ (۳):** وقتی و هستی (اضافی هستند **تو در دنیا خوابی**) **گزینۀ (۴):** توان «ووسعهم» یعنی «توانشان» ولی ضمیر ترجمه نشده است).

۳۴۵- گزینۀ «۲» **بررسی سایر گزینۀ ها:** گزینۀ (۱): «الصُّور»

جمع «صورة» بوده و معنای آن «عکس» است نه «صورت». **گزینۀ (۳):** «دیگران» ترجمۀ مناسبی برای «التاس» نیست - «لا ينفعك» یعنی «به تو سود نمی رساند» ولی ضمیر «ك» ترجمه نشده است. **گزینۀ (۴):** «كُلَّ» در این عبارت معنای «همه» می دهد ولی در ترجمه لحاظ نشده است.

۳۴۶- گزینه ۳

خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): باور می‌کنی «لا تصدق» فعل منفی است نه مثبت. - ماهی «أسماکاً» جمع است - ماهی‌هایی/ // گزینه (۲): گمان می‌کردی «تظنّ» فعل مضارع است - گمان می‌کنی - باران «ذلك» ترجمه نشده است - آن باران/ // گزینه (۴): این روز (جابه‌جا ترجمه شده است و باید به قسمت اول جمله منتقل شود - این روز را جشن می‌گیرند). - نامیده می‌شود «یُسَمون» فعل معلوم و جمع است - می‌نامند.

۳۴۷- گزینه ۱

کلمات مهم: «يَقوم بـ»: اقدام می‌کند - «كُلّ» سَنَه: هر سال - «رجل غنيّ»: مردی ثروتمند
خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): پخش می‌کند «يقوم بـ» ترجمه نشده است. // گزینه (۳): جشن (اضافی است). - ثروتمندی «رجل» ترجمه نشده است. - بلند می‌شود «يقوم» با «بـ» آمده و معنی «اقدام می‌کند» می‌دهد. - تقسیم می‌نماید (معنای درستی برای «توزیع» نیست). // گزینه (۴): همه‌ساله «كُلّ» با اسم مفرد نکره آمده پس معنای «هر» می‌دهد نه «همه» - ماهی‌ها «السمك» مفرد است. - از آسمان فرو می‌ریزند (اضافی است). - آن مرد «آن» اضافی است و «غنيّ» ترجمه نشده است. - است (اضافی)

۳۴۸- گزینه ۳

کلمات مهم: «لا تصدق»: باور نمی‌کند - «أن يتساقط»: که سقوط کند - «مطرٌ من السمك»: بارانی از ماهی «مطر» نکره است. - «يقدر علی»: بتواند - «واقفاً»: ایستاده
خطاهای سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): باورش نمی‌شد «لا تصدق» متعدی است. - باران «مطر» نکره است. - و نیز (ترجمه درستی برای «کما» نیست). - به راحتی (اضافی است). // گزینه (۲): باور نمی‌کنی «لا تصدق» با «هي» آمده پس غائب است. - باران (مانند گزینه ۱) - بر سرت (اضافی است). - اسبی «الفرس» نکره نیست. // گزینه (۴): راست نمی‌گوید «صدّق، يُصدّق» یعنی «باور کرد» - باران (مانند گزینه‌های قبل) - فرومی‌ریزد «يتساقط» با حرف «أن» آمده، پس باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود. - اسبی (مانند گزینه ۲)

۳۴۹- گزینه ۱

کلمات مهم: «كُلّ يوم»: هر روز - «تُرتّن»: می‌آرید - «ظاهرة»: پدیده - «لننتمتع»: تا بهره ببریم - «نتأمل»: بیندیشیم.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): آراسته می‌شود «تُرتّن» یعنی «می‌آرید»، این فعل از «زَيَّنَ، يَزِينُ» ساخته شده است. // گزینه (۳): همه‌روزه «كُلّ» با «يوم» که مفرد نکره است آمده پس معنای «هر» می‌دهد نه «همه» - طلوع و غروب خورشید (ضمیر «ها» در «غروبها» ترجمه نشده است). - کاملاً (اضافی است). // گزینه (۴): همه‌روزه (مانند گزینه ۳) - بدون شک (اضافی است).
کلمات مهم: «الزّمْ»: پای‌بند باش - «التعلّم»: یادگیری - «أمران»: دو امری ... (مثنی و نکره است). - «قد شجّع»: تشویق کرده است

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): همراه ... باش (ترجمه دقیقی برای «الزّمْ» نیست). - مورد تأکید بوده (اضافی است). - تشویق شده‌اند «قد شجّع» معلوم و مفرد است. - ابتدای ظهور (ضمیر «ه» در «ظهوره» ترجمه نشده است). // گزینه (۲): بر تو واجب است (مانند گزینه ۱) - همان (اضافی است). - ابتدای ظهور (مانند گزینه ۱) - تأکید کرده است (ترجمه درستی برای «شجّع» نیست). // گزینه (۳): اموری «أمران» مثنی است.

۳۵۱- گزینه ۱

کلمات مهم: «هناك»: وجود دارد (ابتدای جمله اسمیه آمده است). - «كُلّ شدة»: هر سختی - «نستطيع»: می‌توانیم - «أن نعرف»: که بشناسیم.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): آن‌جا «هناك» در ابتدای جمله اسمیه معنای «وجود دارد» می‌دهد. - توانسته‌ایم «نستطيع» مضارع است. - دوستان و دشمنان «صديق» و «عدوّ» مفرد هستند. // گزینه (۳): آن‌جا (مانند گزینه ۲) - همه سختی‌ها «كُلّ» با اسم مفرد نکره آمده پس معنای «هر» می‌دهد. - برای ما (اضافی است). - شناخت «أن نعرف» فعل است نه اسم. - در پی دارد (اضافی است). // گزینه (۴): منافع «خير» مفرد است. - شناختن (مانند گزینه ۳) - به دنبال دارد (مانند گزینه ۳)

۳۵۲- گزینه ۳

کلمات مهم: «يُحبّ»: دوست دارد (فعل است). - رد گزینه‌های (۲) و (۴)
«يُحسِنُ»: نیکی می‌کند (فعل، مضارع است). - رد گزینه (۱)
«يُحبّ»: او را دوست دارد (فعل است نه اسم). - رد گزینه (۴)
«يُبَيّدُ»: دور می‌کند (فعل بر وزن يُفَعِلُ و از باب افعال است، بنابراین باید به صورت مفعول‌پذیر ترجمه‌اش کنیم). - رد گزینه‌های (۱) و (۲)

۳۵۳- گزینه ۲

کلمات مهم: «إن»: اگر (باید ترجمه شود) - رد گزینه‌های (۱) و (۴)
«تُذهِبُ»: برطرف کنی (چون بعد از إن آمده به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود). - رد گزینه‌های (۳) و (۴)
«شَرٌّ ما قَدَمنا»: شرّ آن‌چه که پیش فرستادیم - رد گزینه‌های (۳) و (۴)

«سَنَدُوقُ»: خواهیم چشید (سَ+فعل مضارع=مستقبل) - رد سایر گزینه‌ها
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): در «شیرینی عاقبت» ترجمه «في» نیامده است. // گزینه (۳): «بدی‌هایی» و «ذائقه» معادلی در عبارت عربی ندارند. // گزینه (۴): «این‌که» و «ذائقه» معادلی در عبارت عربی ندارند.

۳۵۴- گزینه ۴

کلمات مهم (که تقریباً در همه گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند):
«جاهدا»: تلاش کنند، بکوشند (بعد از «إن» آمده پس مضارع التزامی ترجمه می‌شود).

«أن تُشركَ»: که شریک کنی، که شریک قرار دهی
«لَيْسَ لكِ: نداری (لَيْسَ + لَ+ اسم یا ضمیر = معنی نداشتن می‌دهد).
«لا تُطعُهما»: از آن‌ها اطاعت نکن (لا + تُطعُ + ضمیر «هما»: فعل نهی است که مفعولش به آن چسبیده است).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «هرگاه» ترجمه مناسبی برای «إن» نیست، «مبادا» معادلی در عبارت عربی ندارد و هم‌چنین بهتر است که لا تُطعُ را به صورت فعل ترجمه کنیم، نه اسم! // گزینه (۲): «که نمی‌دانی چیست» معادلی در عبارت عربی ندارد و ترجمه درستی نیست، «نباید» و «بپذیری» هم معادلی در عبارت عربی ندارند. // گزینه (۳): «هیچ‌گونه» معادلی در عبارت عربی ندارد و اضافی است.

۳۵۵- گزینه ۲

«لا تُحَمِّلُ»: تحمیل ممکن (فعل نهی است و مفعول‌پذیر). - رد سایر گزینه‌ها
«شريكك: شریکت، شریک خود (ضمیر «ك» باید درست و سر جایش ترجمه شود). - رد سایر گزینه‌ها

«في الحياة»: در زندگی - رد سایر گزینه‌ها
«أبدأ: هیچ‌گاه، هرگز - رد گزینه (۳)
«لأنّ: زیرا [أو (لأنّ + هـ) - رد سایر گزینه‌ها
«سَيُخَجَلُ»: خجالت خواهد کشید (سَ+فعل مضارع=فعل مستقبل) - رد سایر گزینه‌ها!

۳۵۶- گزینه «۳» در گزینه (۳) لا يَتَوَقَّعُونَ فعل مضارع است،

بنابر این ترجمه درست عبارت: «اما آن‌ها از مردم چیزی را توقع ندارند»

۳۵۷- گزینه «۱» کلمات مهم:

أَصْبَحُوا: گردیدند، شدند (فعل، ماضی است) — رد سایر گزینه‌ها!

مفاتيح: کلیدهایی (جمع است) — رد سایر گزینه‌ها!

أَقْفَالاً: قفل‌هایی (جمع است) — رد سایر گزینه‌ها!

۳۵۸- گزینه «۱» کلمات مهم:

انكسَر: شکست (ماضی است!) — رد گزینه‌های (۳) و (۴)

قطرات الماء الصَّغِيرَةِ: قطره‌های کوچک آب (دقت کنید الصَّغِيرَةِ صِفَتِ قَطْرَاتِ

است والماء مضافٌ إليه است که بین آن‌ها فاصله انداخته) — رد سایر گزینه‌ها!

حَدَّثَ: به وجود آمد، رخ داد (فعل ماضی است! در ضمن معنی «تشکیل

داد» نمی‌دهد!) — رد سایر گزینه‌ها!

۳۵۹- گزینه «۲» کلمات مهم:

تُصَدِّقُ: باور داری (فعل صَدَّقَ به معنای باورداشتن است) —

رد گزینه‌های (۱) و (۳)

قُوَى الظلم: نیروهای ظلم، نیروهای ستم — رد گزینه‌های (۱) و (۳)

تَقْدِرُ: می‌تواند (فعل مضارع است) — رد سایر گزینه‌ها

۳۶۰- گزینه «۲» ترجمه و مفهوم عبارت: «کسانی که ظلم و ستم

کرده‌اند خواهند دانست که به کدامین بازگشتگاه باز خواهند گشت.» مفهوم

آیه این است که کسانی که ظلم و ستم کنند حتماً سزای ظلم و ستم خود

را خواهند دید.

مفهوم گزینه‌ها: گزینه (۱): اگر ظلمی کردی به توبه و بخشش خداوند

امید داشته باش — مفهوم: بخشش و توبه‌پذیری خداوند / گزینه (۲):

هر کس ستم کند، روزگار پاسخش را می‌دهد — هم‌مفهوم آیه است. /

گزینه (۳): در مسیر زندگی برای این که به خطر گمراهی نیفتی، بدون

راهنما و راه‌بند طی مسیر نکن — مفهوم: استفاده از راهنما / گزینه (۴):

این بیت شعر هم به معنای «انتظار» اشاره دارد و ربطی به آیه قرآن ندارد.

۳۶۱- گزینه «۴» در مصراع دوم مفهوم شعر کاملاً مشخص است:

هم‌فکری و مشورت با دیگران باعث قوی‌تر شدن عقل و تصمیم می‌شود.

ترجمه عبارت: گزینه (۱): با آنان به روشی که بهتر است گفت‌وگو کن

مفهوم — راه و روش صحبت کردن / گزینه (۲): پس مرا یاد کنيد تا شما

را یاد کنم مفهوم — یاد خدا / گزینه (۳): همانا وعده خداوند حق است.

مفهوم — به حق بودن وعده‌های خداوند / گزینه (۴): در کار [ها] با آنان

مشورت کن مفهوم — اهمیت مشورت

۳۶۲- گزینه «۲» دقت کنید که صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد

که با عبارت هم‌مفهوم نباشد!

ترجمه و مفهوم عبارت: «آن چه از خوبی [کسب کرده به سود اوست و

آن چه از بدی [به دست آورده به زیان اوست.» یعنی نتیجه همه کارها از

خوب و بد به خود آدم برمی‌گردد. همه گزینه‌ها همین مفهوم را دارند به جز

گزینه (۲) که به مفهوم «رنج جدایی و دوری» اشاره دارد.

۳۶۳- گزینه «۲» ترجمه و مفهوم عبارت:

«همگی، به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید» این آیه به اهمیت

«اتحاد و یکپارچگی» در سایه خداوند و دوری از تفرقه اشاره می‌کند.

ترجمه و مفهوم گزینه‌ها: گزینه (۱): اسلام بر پایه منطق و دوری از

بدی کردن استوار است — ربطی به اتحاد ندارد. / گزینه (۲): همانا این

امت شما امتی واحد است و من پروردگار شمایم پس مرا عبادت کنید —

به یکپارچگی و وحدت اشاره دارد و با آیه داده‌شده مرتبط است. / گزینه

(۳): اسلام به آدیان الهی احترام می‌گذارد — این هم به یکپارچگی اشاره

ندارد. / گزینه (۴): هر گروهی به آن چه که دارد شاد است — این هم

به یکپارچگی اشاره ندارد.

۳۶۴- گزینه «۲» ترجمه و مفهوم آیه: «و چه کسی غیر از خداوند

گناهان را می‌آمزد؟» این آیه به بخشاینده‌گی خداوند اشاره دارد و این که به

کسی جز او امید نداشته باشیم که با گزینه (۲) متناسب است.

بررسی مفهوم گزینه‌ها: گزینه (۱): اهمیت آزارنرساندن به خلق خدا /

گزینه (۲): اشاره به توبه‌پذیری و بخشاینده‌گی خداوند و ناامید نشدن انسان

از او. / گزینه (۳): این شعر می‌گوید که خوشبختی انسان به این است که

خداوند او را ببخشد، نه به داشتن قدرت و ثروت. / گزینه (۴): اشاره به

قدرت خداوند در خلق انسان و ضعیف‌بودن او در برابر خداوند دارد.

۳۶۵- گزینه «۱» ترجمه و مفهوم آیه: «هر چه از خوبی [کسب

کند به سود اوست و هر چه از بدی [به دست آورد به زیان اوست.» منظور

این است که نتیجه همه کارهای خوب و بد انسان به خودش بازمی‌گردد که

این نکته با گزینه (۱) نزدیک‌ترین تناسب معنایی را دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): انتقام‌گرفتن آسان است ولی با خوبی

جواب بدی را دادن قدرت می‌خواهد! / گزینه (۳): نیکی و احسان خوب

است ولی نه در حق همه‌کس! / گزینه (۴): بدون انتظار بازگشت نیکی کن

که خداوند از جایی که فکرش را نمی‌کنی جوابت را می‌دهد!

۳۶۶- گزینه «۳» بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «خداوند آن چه را که طاقتش را نداریم بر ما تحمیل مکن.»

«خداوند کسی را مکلف نمی‌کند مگر به اندازه وسع او!» هر دو هم‌مفهوم‌اند.

گزینه (۲): «فقط قوم کافران از رحمت خداوند ناامید می‌شوند.»

«مؤمنان از رحمت خداوند ناامید نمی‌شوند.» هر دو هم‌مفهوم‌اند.

گزینه (۳): «و بر آن چه می‌گویند صبر کن و از آن‌ها فاصله بگیر.»

«با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن.» این دو آیه تناسب

معنایی ندارند. اولی درباره صبر و دومی درباره دعوت به سوی خداست.

گزینه (۴): «و ما را عفو کن و بیامرز و به ما رحم کن.»

«پروردگارا از تو آمرزش و رحمت می‌خواهیم.» هر دو هم‌مفهوم‌اند.

۳۶۷- گزینه «۱» ترجمه و مفهوم عبارت: «مانند برادرها معاشرت

کنید و مانند غریبه‌ها معامله کنید.» مفهوم عبارت واضح است و دقیقاً با

گزینه (۱) هم‌مفهوم است.

مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): برای دیدن نتیجه باید تا آخر کار صبر کرد. /

گزینه (۳): به اهمیت هم‌نشین و کسانی که با آن‌ها معاشرت می‌کنیم اشاره

دارد. / گزینه (۴): انسان برای رفع مشکلاتش باید به خودش تکیه کند، نه دیگران!

۳۶۸- گزینه «۳» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «همانا خوبی‌ها،

بدی‌ها را از بین می‌برند.» اهمیت کارهای خوب؛ این شعر اما به

اهمیت بخشش اشاره دارد. / گزینه (۲): «هر گروهی به آن چه دارد

خوشحال است.» به پذیرش تفاوت‌ها اشاره دارد. شعر اما به اهمیت

قناعت اشاره می‌کند. / گزینه (۳): «همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و

پراکنده نشوید.» اهمیت اتحاد و یکپارچگی؛ شعر هم می‌گوید دولت

و ثروت از اتحاد و با هم بودن به دست می‌آید و نفاق عامل از بین رفتن

آن‌هاست و با آیه موردنظر تناسب معنایی دارد. / گزینه (۴): «با بهترین

روش دفع کن (جواب بده)» — جواب خوبی یا بدی را به بهترین روش

دادن؛ شعر می‌گوید جواب ستم را با ستم بده که با آیه، در تناقض است.

۳۶۹- گزینۀ «۳»

عبارت داده شده به «ناامید نشدن از رحمت خداوند» اشاره دارد که این مفهوم در تمام گزینه‌ها به جز گزینۀ (۳) دیده می‌شود. در گزینۀ (۳) به «تلاش برای رسیدن به محبوب که همان خداوند است» اشاره شده است.

۳۷۰- گزینۀ «۴»

ترجمۀ گزینه‌ها: گزینۀ (۱): همگی به ریسمان خداوند چنگ بزید و پراکنده نشوید — به اهمیت اتحاد و یکپارچگی اشاره دارد. / گزینۀ (۲): این امت شماسست که امتی متحد است و من پروردگار شما هستم پس مرا بپرستید — اهمیت اتحاد و همبستگی را بیان می‌کند. / گزینۀ (۳): همگی بخورید و پراکنده نشوید زیرا برکت همراه جماعت است — باز هم به همدلی و با هم بودن اشاره دارد. / گزینۀ (۴): اگر کسی سخنی بگوید که میان مسلمانان تفرقه بیندازد، بدانید که او مزدور دشمن است. — این جمله درباره تفرقه انداختن توسط دشمن و مزدوران آن است و ارتباط زیادی با گزینه‌های دیگر ندارد.

۳۷۱- گزینۀ «۴»

معنای عبارت «بیشتر اشتباهات انسان در زبانش است».

مفهوم عبارت: «زبان هر انسانی معرف شخصیت اوست و عدم کنترل زبان و گفتار می‌تواند درس‌های زیادی را برای انسان فراهم کند».

توضیح گزینه‌ها: گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) تا حد زیادی با عبارت اصلی ارتباط معنایی دارند ولی عبارت گزینۀ (۴) کاملاً بی‌ربط است: «حرف، حرف می‌آورد!»

۳۷۲- گزینۀ «۳»

ترجمۀ مفهوم عبارت: «مانند کسی عمل کن که می‌داند خداوند پاداش بدی کردن و نیکی کردنش را می‌دهد». یعنی هم خوبی و هم بدی توسط خداوند پاداش داده می‌شود.

ترجمۀ گزینه‌ها: گزینۀ (۱): هر آن چه از نیکی برای خودتان پیش می‌فرستید آن را نزد خداوند می‌یابید — فقط به نیکی اشاره کرده. / گزینۀ (۲): نیکی آن است که در پنهان مانند آشکارا عمل کنی — در نگوشت دورویی است. / گزینۀ (۳): آن چه انسان از خوبی یا بدی انجام دهد برایش محاسبه می‌شود — مثل آیه موردنظر هم به خوبی و هم به بدی اشاره کرده! / گزینۀ (۴): کسی که خیر انجام دهد در نهایت از آن سود می‌برد — این هم فقط به خیر و نیکی اشاره کرده است.

۳۷۳- گزینۀ «۴»

دقت کنید که سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که با آیه هم مفهوم نیست!

ترجمۀ مفهوم عبارت: «و بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامی (فروتنی) بر زمین راه می‌روند». این آیه به فروتنی و تواضع اشاره دارد که با همه گزینه‌ها هم مفهوم است به غیر از گزینۀ (۴).

مفهوم گزینه‌ها: گزینۀ (۱): خودپسندی انسان نشانه‌ای بر ضعف عقل اوست. / گزینۀ (۲): شاخه‌های درختان میوه‌دار بیشتر به سمت زمین میل می‌کند. / گزینۀ (۳): اگر فیض و رحمت الهی را می‌خواهی، افتاده و متواضع باش. / گزینۀ (۴): با افراط و تفریط، انسان به جایی نمی‌رسد، بلکه میانه‌روی و اعتدال او را به مقصد می‌رساند.

۳۷۴- گزینۀ «۲»

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): اخبار — اخبار (بر وزن افعال) / گزینۀ (۳): مجالس — مجالس (بر وزن مفاعله) / گزینۀ (۴): یتعارف — یتعارف (بر وزن یتفاعل)

۳۷۵- گزینۀ «۴»

شکل صحیح سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): یُرسِلْ متکلم و حده — اُرسِلْ / گزینۀ (۲): راجع — مضارع للمخاطبة — تُراجِعینْ / گزینۀ (۳): تَسَاقَطْ — مضارع نهی — لا تَسَاقَطْ

۳۷۶- گزینۀ «۱»

در گزینۀ (۱) خصلتان مثنی و مؤنث است، بنابراین فعل بعد از آن نیز باید مثنی و مؤنث بیاید، یعنی: لا تَجْتَمِعَانِ. در

سایر گزینه‌ها، فعل‌ها درست به کار رفته‌اند:

گزینۀ (۲): حَیَّرْتُ (حیران کرد): بعد از ظاهره (مفرد مؤنث) آمده و درست است.

گزینۀ (۳): نَزَّلْتُ (پایین بیاورد): فعل امر للمخاطبات و درست است.

گزینۀ (۴): أَجْلِسُوا (بنشاند): فعل امر للمخاطبین و درست است.

۳۷۷- گزینۀ «۲»

نُشِرْكَ — باب افعال: أَشْرَكَ، يُشْرِكْ، إِشْرَاكَ نُكَايْتُ — باب مفاعله: كَاتَبْتُ، يُكَاتِبُ، مُكَاتَبَةٌ

تُدَاوِعُونَ — باب مفاعله: دَافَعَ، يُدَافِعُ، مُدَافِعَةٌ (دفاع)

۳۷۸- گزینۀ «۴»

در گزینۀ (۴) نُسْتَرْجِعُ بر وزن نُسْتَفْعِلُ و از ریشه (رجع) از باب استفعال است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): نَسْتَمِعُ: «س» در ریشه فعل است (سمع) و فعل بر وزن نَفْعِلُ و از باب افتعال است. / گزینۀ (۲): اِسْتَلَمَ: بر وزن اِفْتَعَلَ و از باب اِفْتَعَلَ است و «س» در ریشه فعل است. (سلم) / گزینۀ (۳): اِسْمَعُوا: بر وزن اِفْعَلُوا و فعل مجزء از ریشه (سمع) است. (سمیع) / گزینۀ (۴): نَسْتَرْجِعُ: بر وزن نُسْتَفْعِلُ و از ریشه (رجع) از باب استفعال است.

۳۷۹- گزینۀ «۱»

در گزینۀ (۱) تَنْعَقِدُ (برگزار می‌شود) بر وزن تَنْفَعِلُ و از ریشه (عقد) است و «ن» از حروف زائد است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۲): اِئْتِجِبْ (انتخاب کن) بر وزن اِفْتَعِلُ و از ریشه (نخب) / گزینۀ (۳): تُنْتِجْ (تولید می‌شوند) بر وزن تَفْعَلُ و از ریشه (نتج) / گزینۀ (۴): اِئْتَشِرْ (انتشار یافت) بر وزن اِفْتَعَلَ و از ریشه (نشر) / یُهَيِّئُونِی (به من تبریک می‌گویند) — یُهَيِّئُ بر وزن یَفْعَلُ و از ریشه (هنأ) / در گزینۀ (۴) اِئْتَشِرْتُ از ریشه (نشر)، از باب افتعال است و «ن» در ریشه فعل است.

۳۸۰- گزینۀ «۴»

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): اِئْتَبَعْتُ (فرستاده شد): ریشه (بعث) در باب اِنْفَعَال: اِئْتَبَعْتُ، یُئْتَبَعُ / گزینۀ (۲): یَنْدَفِعُ (اعزام می‌شود): ریشه (دفع) از باب اِنْفَعَال: اِئْتَبَعْتُ، یُئْتَبَعُ / گزینۀ (۳): اِنْقَطَعَ (قطع شد): ریشه (ق ط ع) از باب اِنْفَعَال: اِنْقَطَعَ، یُنْقَطِعُ

۳۸۱- گزینۀ «۲»

در گزینۀ (۲) تَعَلَّمُوا بر وزن تَفَعَّلُوا و (با توجه به معنی) فعل امر از باب تَفَعَّلُ است.

ترجمۀ عبارت: «عربی را یاد بگیرید چرا که یک زبان بین‌المللی است».

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): تَبَعَّدَ (دور است): بر وزن تَفَعَّلُ از ریشه (بعد) و مجرد است. / گزینۀ (۳): لَا تَخْرُجَنَّ (خارج نشوید، بیرون نروید): بر وزن تَفَعَّلَنَّ از ریشه (خرج) و مجرد است: خَرَجَ، یَخْرُجُ. / گزینۀ (۴): یَأْخُذُ (می‌گیرند): بر وزن یَفْعَلُ و از ریشه (أخذ) و مجرد است: أَخَذَ، یَأْخُذُ.

۳۸۲- گزینۀ «۱»

در گزینۀ (۱) اِسْتَغْفِرُوا فعل امر از باب استفعال و صیغه للمخاطبین است و در رابطه با ضمیر «انتم» به درستی به کار رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۲): تَعَلَّمَنْ — تَعَلَّمُوا (چون ضمیر هم، للغائبین است). / گزینۀ (۳): تَتَعَلَّمِینَ (للمخاطبة) — تَتَعَلَّمِ (چون هی، للغائبة است). / گزینۀ (۴): اِسْتَغْلَتْ (للمخاطبات) — اِسْتَغْلَنْ (چون هن، للغائبات است).

۳۸۳- گزینۀ «۲»

در گزینۀ (۲) تَكَلَّمْتُ (بر وزن تَفَعَّلْتُ) و از باب تَفَعَّلُ و صحیح است: تَكَلَّمْتُ، یَتَكَلَّمُ، تَكَلَّمْ.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): اِئْتَصِرْ (نصر) — باب افتعال: اِئْتَصَرَ، یَنْتَصِرُ، اِئْتِصَارٌ / گزینۀ (۳): سَنَسْتَعِیْلُ (س + نَسْتَعِیْلُ) (شغل) — باب افتعال: اِسْتَعَلَ، یَسْتَعِیْلُ، اِسْتِغَالٌ / اِشْتِغَالَ: دقت کنید «س» برای ایجاد معنای مستقبل آمده و «ن» در ابتدای فعل علامت للمتكلم مع الغیر در فعل مضارع است؛ بنابراین هیچ کدام از حروف گفته شده، زائد نیستند. / گزینۀ (۴): یَبْسِمُونَ (بس) — باب افتعال: اِبْسَمَ، یَبْسِمُ، اِبْسَامٌ

۳۸۴- گزینه ۱

در گزینه (۱) یستخرج در ارتباط با الغواصون به درستی به کار رفته است.

ترجمه: «غواصان از عمق دریا مرواریدهای زیبایی را خارج می کنند.»

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۲): انضحی - انضحوا (إخوة جمع أخ برادر) و جمع مذکر است. / گزینه (۳): تتخرجن - يتخرجن (طالبات جمع مؤنث غایب است و فعل غایب با «ی» شروع می شود). / گزینه (۴): تنتظر - ينتظر (صديق مفرد مذکر است و فعل باید با «ی» شروع شود).

۳۸۵- گزینه ۳

تتخرجن حذف (ت) - تخرجن (ابتدایش همزه امر نمی خواهد، در ضمن چون جمع مؤنث است «ن» از آخرش حذف نمی شود).

تكتسبن حذف (ت) - كتسبن + همزه - اكتسبن حذف نون - اكتسبي تغتذرون حذف (ت) - غتذرون + همزه - اغتذرون حذف نون - اغتذروا

۳۸۶- گزینه ۳: أختاي (أختان + ي) مؤنث است و مثنی؛ پس فعل مناسب با آن تدرسان است و أخوای (أخوان + ي) مثنی است و مذکر؛ پس فعل مناسب با آن، يدرسان است.

۳۸۷- گزینه ۳: ضمیرهای مناسب در همه گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: گزینه (۱): نحن - هما - أنت / گزینه (۲): أنا - هما - هي یا أنت / گزینه (۳): نحن - أنتما یا هما - هي یا أنت / گزینه (۴): أنا - أنتما - هي یا أنت

۳۸۸- گزینه ۱

تخرجت (تفعل) (خرج) - تخرج، يتخرج، تخرج - تخرج - تخرج (فتح) - انفتح، يفتح، انفتح - انفتاح لانستسلم (لاستغفل) (سلم) - استسلم، يستسلم، استسلم - استسلام با توجه به گزینه های داده شده، تخرمان دوتا نشانه برای تشخیص دارد: یکی «ت» در ابتدای آن، که نشانه مؤنث بودن است و دیگری «ان» که نشانه مثنی بودن است، پس أختاي (أختان + ي) صحیح است.

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۱): أخوات: جمع مؤنث / گزینه (۲): أخت: مفرد مؤنث / گزینه (۴): إخوة: جمع مذکر است.

۳۹۰- گزینه ۳: در گزینه (۳) قرأت چون آخرش «ت» دارد مفرد مؤنث مخاطب یعنی از صیغه للمخاطبة است (مثل أنت).

ترجمه: «چرا قبل از رفتن به جشن، درس هایت را خواندی؟»

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۱): توقفت: للغائبة است. دقت کنید که با توجه به جمله، این فعل در اصل توقفت است که برای راحتی در تلفظ، کسره عارضی گرفته.

ترجمه: «اتوبوس ایستاد تا دانش آموزان سوارش شوند.»

گزینه (۲): استخدموا: للغائبين است. دقت کنید که فعل امر للمخاطبين از همین فعل به صورت استخدموا است.

ترجمه: «کامپیوتر را برای بحث های علمی به کار گرفتند.»

گزینه (۴): يجتمعون: للغائبين است. دقت کنید اولش «ی» دارد!

ترجمه: «مؤمنان در موسم حج در خانه خدا جمع می شوند.»

۳۹۱- گزینه ۱

تقربوا از باب تفعل و بر وزن تفعلوا است. می دانیم که در این باب، فعل ماضی للغائبين (مناسب با ضمیر هم) و فعل امر للمخاطبين (مناسب با ضمیر اتم) شبیه هم هستند؛ بنابراین از بین گزینه ها، فقط گزینه (۱) که ضمیر جمع مؤنث است نمی تواند در جای خالی قرار بگیرد.

۳۹۲- گزینه ۲

باید فعلی را پیدا کنیم که سه حرف زائد دارد:

گزینه (۱): انتظروا - إنتظر (نظر) - افعل - الف و ت زائدند. / گزینه (۲): یقفر که مجرد است و حرف زائد ندارد. إشتمسك (مسك) اشتغل - الف، س و ت زائدند. / گزینه (۳): يتكلمون - يتكلم (كل م) - تتفعل - ت و تکرار عین الفعل / گزینه (۴): لا يشتغلون - اشتغل (شغل) - افعل - الف و ت زائدند.

۳۹۳- گزینه ۱ بررسی فعل ها:

گزینه (۱): تعوذنا (باب تفعل) - نستقبل (باب استفعال) - تا مزید! گزینه (۲): اضبر (ثلاثی مجرد است) - اشتغل (باب استفعال) - ۱ مزید! گزینه (۳): كسبت (ثلاثی مجرد است) - اكتسبت (باب افتعال) - ۱ مزید! گزینه (۴): وقعت (ثلاثی مجرد است) - اخترقت (باب افتعال) - ۱ مزید!

۳۹۴- گزینه ۲ ترجمه عبارت: «ای ساکنین جهان! با یکدیگر مسالمت آمیز»

سگان جمع مذکر است و با توجه به معنی جمله، در جای خالی یک فعل امر می خواهیم؛ بنابراین فعل امر للمخاطبين از تعایش، يتعایش جواب خواهد بود: يتعایش للمخاطبين تتعایشون امر - تعایشوا (همزیستی کنید)

۳۹۵- گزینه ۳ ترجمه عبارت: «مثل مؤمن مانند مثل عطفروش است، اگر با او به تو سود می رساند!»

با توجه به ضمیر «ك» در نفعك و معنای جمله، فعل باید از صیغه للمخاطب باشد، که تنها در گزینه (۳) جالست (همنشینی کنی) ماضی و للمخاطب است.

۳۹۶- گزینه ۳ ترجمه عبارت: «سالانه این روز را پس بدانید که آن نعمتی است از سوی خدا.»

با توجه به وجود فعل امر اعلما در جمله و با توجه به معنی عبارت، در جای خالی نیز باید یک فعل امر از صیغه للمخاطبين قرار بگیرد.

دقت کنید که در گزینه (۱) اختلفوا به خاطر فتحه روی فاء ماضی للغائبين است: اختلف، يختلف، اختلف.

۳۹۷- گزینه ۱

انتشرت: بر وزن افعلت و از باب افتعال است. (انتشر، ينتشر، انشر) تساقطت: بر وزن تفاعل و از باب تفاعل است. (تساقط، يتساقط، تساقط) در گزینه (۴) فعل انفتح از ریشه (فتح) از باب انفعال است و نون از حروف زائد به شمار می آید. در سایر گزینه ها اما نون جزء ریشه فعل است:

گزینه (۱): انتبهوا (ن ب ه) / گزینه (۲): تعني (غ ن ي) / گزینه (۳): ينتفع (ن ف ع) در گزینه (۱) با توجه به معنی جمله و آمدن یا

۳۹۹- گزینه ۱: اثنائي در ابتدا، فعل جمله باید امر باشد، بنابراین ائفقا صحیح است. دقت کنید: ائفق (ماضی) - يئفق (مضارع) - ائفق (امر) للمخاطبين ائفقا (اتفاق کنید)

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۲): بلغ (پرسان): فعل امر للمخاطب بلغ، يبلغ، بلغ - تبليغ / گزینه (۳): كلمن (صحبت کردند): فعل ماضی للغائبات كلم، يكلم، كلم - تكليم / گزینه (۴): تعلموا (یاد بگیرید) یاد گرفتند: با توجه به معنی می تواند هم ماضی باشد هم امر - تعلم للغائبين تعلموا / تعلم للمخاطبين تعلموا - با توجه به معنی، فقط امر للمخاطبين صحیح است.

۴۰۰- گزینه ۱ در گزینه (۱) هیچ مصدری نداریم. دقت کنید که «مجاورة» بر وزن «مفاعلة» نیست چون حرف «و» کسره دارد.

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۲): التعرف: مصدر باب تفعل / گزینه (۳): تناول: مصدر باب تفاعل / گزینه (۴): التكلّم: مصدر باب تفعل

۴۰۱- گزینه «۴»

ترجمه عبارت: «در برابر کسی که از او علم می‌آموزید، فروتنی کنید»

تواضعوا: با توجه به کاربرد و معنی در جمله فعل امر للمخاطبین است، از باب تفاعل: تواضع، يتواضع، تواضع.

تتعلمون: فعل مضارع للمخاطبین از باب تفاعل (تَعَلَّمَ، يَتَعَلَّم، تَعَلَّم) است و دو حرف زائد (ت و تکرار عین الفعل) دارد.

۴۰۲- گزینه «۲»

دقت کنید که در گزینه (۲) خلاف بر وزن فعال و وزن دوم باب مفاعله است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): جمع تکسیر و ... — مفرد است و مصدر باب افعال. / گزینه (۳): مثنی و ... — العُدوان به معنی «دشمنی» و مفرد است، «ان» بخشی از خود کلمه است نه علامت مثنی! / گزینه (۴): با توجه به معنای جمله نمی‌تواند فعل «نهی» باشد بلکه نفی است (اصرار بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست برای این که کسی از آن سود نمی‌برد).

۴۰۳- گزینه «۳»

ترجمه عبارت: «از آسمان، آبی را و به وسیله آن از میوه‌ها رزقی را برایتان»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): نازل شد، خارج شد / گزینه (۲): نازل می‌شود، خارج می‌شود / گزینه (۳): نازل کرد، خارج کرد / گزینه (۴): نازل می‌کند، فارغ‌التحصیل می‌شود

۴۰۴- گزینه «۱»

با توجه به فعل اَنْظُرُ و معنی جمله، تصدق فعل مضارع و از صیغه للمخاطب است، هم‌چنین از باب تفعیل است: صَدَّقَ، يُصَدِّقُ، تَصَدِّق. ترجمه: به این عکس‌ها نگاه کن تا باور کنی!

با توجه به معنی آیه، فعل‌ها هر دو باید متعدی باشند و گزینه (۱) صحیح است.

۴۰۵- گزینه «۴»

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «ثُمَّطِرُ» با توجه به کاربردش در جمله، للغایبه است و در ارتباط با السَّمَاء (مؤنث) به کار رفته است. / گزینه (۲): «أَرْسَلُوا» چون عین‌الفعلش فتحه دارد فعل ماضی است نه امر: أَرْسَلَ، يُرْسِلُ. / گزینه (۳): «تَحَدَّثُ» فعل ثلاثی مجزّد است: حَدَّثَ، يَحَدِّثُ، حَدَّثُوا. اگر از باب افعال بود باید بر وزن «تَفَعَّلَ» می‌آمد. / گزینه (۴): «أَعْتَقَدَ» فعل مضارع للمتكلم وحده

۴۰۶- گزینه «۳»

از باب افعال است و ماضی آن اِعْتَقَدَ دو حرف زائد (الف و ت) دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): متعدّ — لازم (باب انفعال همواره معنای لازم دارد). اِنْفَتَحَ: باز شد / گزینه (۲): للغایبات — للمخاطبات (اولش «ت» دارد!) / گزینه (۴): للمخاطبة — للغایبة (آخرش «ت» ساکن دارد). — متعدّ — لازم (یعنی «فارغ‌التحصیل شد» که لازم است، نه متعدی!)

۴۰۷- گزینه «۱»

فَرَحُوا: به خاطر کسره‌ای که روی «ر» دارد فعل امر است (فَرَحُوا ماضی است).

تَعَاوَنْتُ: از ضمیر «ت» کاملاً مشخص است که ماضی است.

تَعَارَفِي: از ضمیر «ی» در آخر فعل مشخص است که فعل امر للمخاطبة است (تعارفین بوده که نون از آخرش حذف شده است).

۴۰۸- گزینه «۴»

در گزینه (۴) يَنْصَحُونَ فعل مضارع للغائبین از نَصَحَ، يَنْصَحُ و ثلاثی مجزّد است و با توجه به کاربرد و معنی آن متعدی است: نصیحت می‌کنند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): فعل ماضی — فعل أمر (أَدْخَلَ، يَدْخُلُ، أَدْخَلَ للمخاطبات — اَدْخِلْنَ — للغائبات — للمخاطبات / گزینه (۲): مجزّد ثلاثی —

مزید ثلاثی (از باب افعال) — متعدّ — لازم (با توجه به کاربرد و معنی آن لازم است: منتشر می‌شود). / گزینه (۳): مزید ثلاثی — مجزّد ثلاثی (قَبِلَ، يَقْبَلُ) — گزینه (۱): لا تَنْتَظِرُ (اَنْتَظِرْ، يَنْتَظِرْ، اِنْتَظِرْ) —

۴۰۹- گزینه «۱»

باب افعال — يَخْلِفُ (أَخْلَفَ، يَخْلِفُ، إِخْلَاف) — باب افعال / گزینه (۲):

أَنْزَلْنَا (أَنْزَلَ، يُنْزِلُ، إِنْزَال) — باب افعال — نَزَلَ (يُنْزِلُ) — ثلاثی مجزّد است. / گزینه (۳): يَأْمُرُ (أَمَرَ، يَأْمُرُ) — ثلاثی مجزّد است. نَحْتَرِمُ (اِحْتَرَمَ، يَحْتَرِمُ، اِحْتِرَام) — باب افتعال / گزینه (۴): هَجَمُوا (هَجَمَ، يَهْجُمُ) — ثلاثی مجزّد است. دَافَعُوا (دَافَعَ، يُدَافِعُ، مِدَافَعَة) — باب مفاعله

۴۱۰- گزینه «۲»

بررسی فعل‌ها: گزینه (۱): دافَعُوا: فعل امر للمخاطبین (دَافَعَ، يُدَافِعُ، مِدَافَعَة) ترجمه: «ای مسلمانان، از ارزش‌های اخلاقی دفاع کنید!» / گزینه (۲): جَاهَدُوا: فعل ماضی للغائبین (جَاهَدَ، يَجَاهِدُ، مَجَاهِدَة) ترجمه: «سربازان قدرتمند ما برای دفاع از وطن در راه خدا جهاد کردند.» / گزینه (۳): اِغْتَذَرُوا: فعل امر للمخاطبین (اِغْتَذَرَ، يَغْتَذِرُ، اِغْتِذَار) ترجمه: «هنگام خُلف وعده از مردم عذرخواهی کنید!» / گزینه (۴): تَرَاخَمُوا: فعل امر للمخاطبین (تَرَاخَمَ، يَتَرَاخَمُ، تَرَاخُم) در این جا با توجه به وجود ضمیر «کَم» و توجه به کاربرد فعل و معنی جمله می‌فهمیم که فعل امر است. ترجمه: «هنگام وقوع حوادث به‌همدیگر مهربانی کنید، پس این برایتان بهتر است.» / گزینه (۳): يَجْمَعُونَ (جَمَعَ، يَجْمَعُ) و ثلاثی مجرد است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): تُهَدِّئُ: بر وزن تَفَعَّلُ و از باب تفعیل (هَدَّأَ، يُهَدِّئُ)؛ (فعل كَتَبَ در این عبارت ثلاثی مجزّد است) / گزینه (۲): يَنْعَيِّرُ: بر وزن يَنْفَعِلُ و از باب تَفَعَّلَ (نَعَّيَّرَ، يَنْعَيِّرُ، نَعْيَر) / گزینه (۴): اُنْشَدَ: بر وزن أَفْعَلَ و از باب افعال (أَنَشَدَ، يُنْشِدُ، اِنْشَاد)

۴۱۲- گزینه «۳»

ترجمه عبارت: «بیاموزید و یاد بدهید و بفهمید و جاهل نمیرید!»

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): فعل امر: تَعَلَّمُوا (از باب تفعّل) — عَلِّمُوا (از باب تفعیل) — تَفَقَّهُوا (از باب تَفَعَّلَ) / گزینه (۲): جمع تکسیر: جَهَّال (جمع جاهل) / گزینه (۳): فعل ماضی: نَدَارِمُ! همه فعل‌ها امر هستند (لا تموتوا: نهی). / گزینه (۴): فعل نهی: لا تموتوا

۴۱۳- گزینه «۱»

چون در جمله ضمیر «کَم» آمده، پس اگر فعلی بیاید باید للمخاطبین باشد مثل گزینه‌های (۲) و (۴)، اما جاهدوا در گزینه (۱) فعل ماضی للغائبین و به معنی «جهاد کردند» است و نمی‌تواند در جمله قرار بگیرد. در گزینه (۳) نیز اسم جمع مذکر داریم که با ضمیر «کَم» متناسب و صحیح است.

۴۱۴- گزینه «۲»

در گزینه (۲) يَمْتَنِعُ بر وزن يَفْعَلُ از باب افعال و صحیح است (اِمْتَنَعَ، يَمْتَنِعُ، اِمْتِنَاع).

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): يَسْتَوِي بر وزن يَفْعَلُ و از ریشه (س و ی) از باب افعال است: اِسْتَوَى، يَسْتَوِي، اِسْتِواء. / گزینه (۳): تَفَاخَرُوا بر وزن تَفَاعَلُوا و از باب تَفَاعَلَ است: تَفَاخَرَ، يَتَفَاخَرُ، تَفَاخُر. / گزینه (۴): تَخَرَّجْنَ بر وزن تَفَعَّلْنَ از باب تَفَعَّلَ است: تَخَرَّجَ، يَتَخَرَّجُ، تَخَرُّج.

۴۱۵- گزینه «۴»

در گزینه (۴) تعامل مصدر باب تفاعل است. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): الجُلوس: مصدر ثلاثی مجرد (جَلَسَ، يَجْلِسُ، جُلوساً) / گزینه (۲): القراءة: مصدر ثلاثی مجرد (قَرَأَ، يَقْرَأُ، قِرَاءَة) / گزینه (۳): الصَّدَق: مصدر ثلاثی مجرد (صَدَّقَ، يَصْدُقُ، صِدْقاً) / الخَوْف: مصدر ثلاثی مجرد (خَافَ، يَخَافُ، خَوْفاً)

۴۱۶- گزینه «۴»

در گزینه (۴) فقط فعل‌های ثلاثی مجرد داریم: کان — يَنْصَحُ — نَضِبَ.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): حاوَل (مزید از باب مفاعله) — وَصَلَ (ثلاثی مجزّد) / گزینه (۲): نُصِرَ (ثلاثی مزید از باب افعال) — يَحْدُثُ (ثلاثی مجزّد) — نَنْتَظِرُ (مزید از باب افعال) / گزینه (۳): عَصَفَتْ (ثلاثی مجزّد) — خَرَبْتُ (مزید از باب تفعیل: خَرَبَ، يَخْرُبُ، تَخْرِب)

۴۱۷- گزینه «۴» در گزینه (۴) فعل تُمَطِّرُ بر وزن تُفَعِّلُ و از باب

إفعال است: اَمْطَرَ، يُمْطِرُ، إمطار.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): اِصْبِرُوا (مَجْرَد) - صَابِرُوا و رَابِطُوا (باب مفاعلة) - اِتَّقُوا (باب افتعال) / گزینه (۲): يَجْلِسُ (مَجْرَد) - يَتَنَاوَلُ (باب تفاعل) / گزینه (۳): اِشْرَحْ (مَجْرَد) - يَسِّرْ (باب تفعیل)

۴۱۸- گزینه «۳» در گزینه (۳) مَنَعَتْ قبل از الأَمِّ و به درستی از صیغه اللغائب آمده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): يَتَعَارَفُونَ - يَتَعَارَفُ: فعل غایب در ابتدای جمله باید به صورت مفرد به کار رود. / گزینه (۲): لَا تُشْرِكُونَ - لا يَشْرِكُونَ: هَؤُلَاءِ رَجَالٌ، جمع مذکر غایب است، نه مخاطب! / گزینه (۴): فَزَحُوا - فَزَحُوا: با توجه به معنی جمله و این که در ابتدای آن آنها المسلمون آمده، فعل باید امر باشد، نه ماضی. (ترجمه: ای مسلمانان، قلب‌های نیازمندان را با انفاق شاد کنید!)

۴۱۹- گزینه «۱» در گزینه (۱) دقت کنید که تُنْزِلُ از باب إفعال است و همان‌طور که می‌دانیم تنها فعل امری که در عربی با همزه مفتوح (أ) شروع می‌شود، فعل امر از باب إفعال است؛ بنابراین اَنْزِلْ صحیح است.

۴۲۰- گزینه «۱» در گزینه (۱) شاهدنا از باب مفاعلة است؛ در ضمن اسم تفضیل أَحْسَنَ را هم داریم که نباید با فعل ماضی آن را اشتباه بگیریم. به ترجمه دقت کنید: در کلاس بهترین دانش‌آموزان را از نظر اخلاق و درس دیدیم!

در سایر گزینه‌ها از باب إفعال، فعل داریم:

گزینه (۲): أَحْسَنَ: ترجمه: «خداوند به پیامبر نیکی کرد، پس او را به نیکی به مردم امر کرد!» / گزینه (۳): أَخْبَرَ: ترجمه: «قرآن به ما از پدیده تنگی نفس خبر داده است!» / گزینه (۴): أَذْخَلَ: ترجمه: «پروردگارا ما را به بهشت‌های داخل کن و به ما رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگان!»

۴۲۱- گزینه «۲» در گزینه (۲) تُجَالِسُ از باب مفاعلة است: جَالَسَ، يُجَالِسُ، مُجَالَسَةً.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): تَعَاشَرُوا (تَفَاعُل) / گزینه (۳): يَتَعَاوَنُ (تَفَاعُل) / گزینه (۴): يَتَعَافَوُا (تَفَاعُل)

۴۲۲- گزینه «۱» ضمیرهای مناسب با فعل‌ها در گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

گزینه (۱): أَنْتُمْ تَعْرِفُوا - نَحْنُ نُمَسِّكُ - هِيَ تَحْتَرِمُ (یا: أَنْتَ تَحْتَرِمُ) / گزینه (۲): هُمْ إِحْتَفَلُوا - نَحْنُ أَخْرَجْنَا - أَنْتَ شَارَكْتَ / گزینه (۳): أَنْتُمْ أَرْسَلْتُمْ - أَنَا أَجْلَسُ - أَنْتَ تَتَعَلَّمِينَ / گزینه (۴): هُمْ شَجَعُوا - أَنَا إِعْتَدَزْتُ - هِيَ اسْتَعْفَرَتْ

۴۲۳- گزینه «۳» فعل‌های موجود در عبارت:

شاورَ: باب مفاعلة - شاورَ، يُشاورُ، مشاورَةً / عَزَمْتُ: ثلاثی مجرد - عَزَمَ، يَعَزِمُ، عَزَمًا / تَوَكَّلَ: باب تَفَعَّل - تَوَكَّلَ، يَتَوَكَّلُ، تَوَكُّلاً / يُحِبُّ: باب إفعال - أَحَبَّ، يُحِبُّ، إِحباباً

۴۲۴- گزینه «۳» در گزینه (۳) نزول مصدر ثلاثی مجرد است: نَزَلَ، يَنْزِلُ، نَزُولاً

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): إكراه: مصدر باب إفعال / گزینه (۲): اجتناب: مصدر باب إفتعال / گزینه (۴): المُحاوَلَة: مصدر باب مفاعلة (الوصول والتجاذب مصدرهای ثلاثی مجرد هستند.)

۴۲۵- گزینه «۳» در گزینه (۳) يَغْرِضُونَ از باب إفعال و تعداد حروف زائد آن یکی است: أَعْرَضَ.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): يَتَحَدَّثُ - باب تَفَعَّل (دوتا حرف زائد:

ت و تکرار عین الفعل) / گزینه (۲): اِئْتَسِمَ - باب افتعال (دوتا حرف زائد:

همزه و ت) / گزینه (۴): يَتَّبِعُ: باب انفعال (دوتا حرف زائد: همزه و نون)

۴۲۶- گزینه «۳» در گزینه (۳) اِنْتَصَرَ از ریشه (ن ص ر) و از باب افتعال است: اِنْتَصَرَ، يَنْتَصِرُ، اِنْتِصَار.

۴۲۷- گزینه «۱» «تتعارضوا» یک فعل مضارع است که باید آخرش «ن» داشته باشد یعنی «أنتم تتعارضون» درست است.

۴۲۸- گزینه «۲» اُسْتَمِعَ ماضی - اِسْتَمَعَ در گزینه (۲) از باب افتعال است و دو حرف زائد دارد: همزه و ت.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): تحاولَ ماضی - حاولَ مفاعلة - یک حرف زائد: الف / گزینه (۳): اسْتَنْتَجَ استفعال - سه حرف زائد: همزه، س، ت / گزینه (۴): يَكْبُرُونَ ماضی - كَبَّرَ تفعیل - یک حرف زائد: تکرار عین الفعل

۴۲۹- گزینه «۳» بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): يَتَنَاوَلُونَ - باب تَفَاعُل (تَنَاوَلَ، يَتَنَاوَلُ، تَنَاوُل) / گزینه (۲): تَمَكَّنَ - باب تَفَعَّل (تَمَكَّنَ، يَتَمَكَّنُ، تَمَكُّن) / گزینه (۴): اُنْتَجَ - باب إفعال (اُنْتَجَ، يُنْتِجُ، اِنْتِاج)

۴۳۰- گزینه «۱» تَعَلَّمَ در گزینه (۱) با توجه به معنی جمله و کاربرد فعل می‌تواند امر (للمخاطب از باب تفعّل) باشد.

ترجمه: این درس را از معلم دلسوز یاد بگیر.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): تَقَدَّمَ: ماضی للغائب ترجمه - در جنگ اُحُد مشرکان بعد از ساعتی جلو آمدند. / گزینه (۳): أَجْلِسَ: مضارع للمتكلم وحده ترجمه - در جشن بزرگداشت، همراه پدر و مادرم می‌نشینم. / گزینه (۴): بَلَّغَ: قبلش هُوَ داریم! ماضی للغائب ترجمه - او نامه‌ام را به برادر کوچکم در شهر رساند.

۴۳۱- گزینه «۳» در گزینه (۳) جَاهِذْ از باب مفاعلة است و یک حرف زائد دارد: الف.

در سایر گزینه‌ها فعل‌های مزید همگی از باب افتعال هستند و دو حرف زائد (همزه و ت) دارند: گزینه (۱): اِسْتَمِعُوا / گزینه (۲): نَعْتَمِمْ / گزینه (۴): اِئْتَجِبِي

۴۳۲- گزینه «۲» در گزینه (۲) با توجه به کاربرد فعل و معنی جمله فعل أَجْلِسُ ثلاثی مجرد و مضارع للمتكلم وحده است: «من می‌نشینم...»

در سایر گزینه‌ها از باب إفعال، فعل داریم: گزینه (۱): أَجْلِسَ: فعل امر للمخاطب: بنشان / گزینه (۳): يُقْسِذْ: فعل مضارع للغائب: فاسد می‌کند / گزینه (۴): أَطْهَرْتُ: فعل ماضی للغائب: نشان داد، ظاهر کرد

۴۳۳- گزینه «۴» در گزینه (۴) اُنْبَتْنَا فعل ماضی از ریشه (ن ب ت) و باب إفعال است، یعنی «ن» در خود ریشه وجود دارد: اُنْبَتَ، يَنْبِتُ، اِنْبَات.

۴۳۴- گزینه «۴» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): يَذْهَبِينَ: از باب إفعال است و یک حرف زائد دارد: همزه (أَذْهَبَ). / گزینه (۲): قَلْبَ مَوْثَ نیست. / گزینه (۳): معلومات: از ریشه «ع ل م» است نه «ع م ل».

۴۳۵- گزینه «۱»

تعاهدوا تبدیل - تعاَهَدَ باب - تَعَاوَل: تَعَاوَل، تَعَاهَدَ، تَعَاهَدًا
حافظوا تبدیل - حَافَظَ باب - مَفَاعَلَة: حَافَظَ، يُحَافِظُ، مُحَافَظَةً
اِسْتَكْبَرُوا تبدیل - اِسْتَكْبَرَ باب - اِسْتَفْعَال: اِسْتَكْبَرُ، يَسْتَكْبِرُ، اِسْتِكْبَارًا
تَقَرَّبُوا تبدیل - تَقَرَّبَ باب - تَفَعَّل: تَقَرَّبَ، يَتَقَرَّبُ، تَقَرُّبًا

۴۳۶- گزینه «۱»

جاهدي تبدیل - جَاهَدَ باب - مَفَاعَلَة: جَاهَدَ، يُجَاهِدُ، مُجَاهَدَةً
اِئْتَقَمْنَا تبدیل - اِئْتَقَمَ باب - اِفْتَعَال: اِئْتَقَمَ، يَنْتَقِمُ، اِئْتِقَامًا
اِسْتَمَعْنَا تبدیل - اِسْتَمَعَ باب - اِفْتَعَال: اِسْتَمَعَ، يَسْتَمِعُ، اِسْتِمَاعًا

۴۳۷- گزینه ۲ تنتهزوا در گزینه (۲) از ریشه (ن-ه-ز) و باب افتعال و صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): نستمع (س-م-ع) باب افتعال / گزینه (۳): انتصر (ن-ص-ر) باب افتعال / گزینه (۴): تعاونوا (ع-و-ن) باب تفاعل (تعاون، يتعاون، تعاونا)

۴۳۸- گزینه ۲ فعل مستقبل با اضافه کردن «س» یا «سوف» به مضارع ساخته می‌شود: «تَبْتَئِسِم» مستقبل «سَبَبْتِسِم».

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «تَتَعَلَّمِينَ» فعل مضارع و مربوط به «أَنْتَ» است و فعل ماضی برای «أَنْتَ»، آخر شناسه «ت» دارد، پس «تَتَعَلَّمِينَ» ماضی «تَعَلَّمْتَ» / گزینه (۳): فعل امر از «تَسْتَمِعُونَ» «إِسْتَمِعُوا» است و باید وسطش کسره داشته باشد. / گزینه (۴): با توجه به شناسه «تَن» مشخص می‌شود که «إِسْتَعْفَرْتَن» مربوط به «أَنْتَن» است ولی «تَسْتَغْفِرِينَ» مربوط به «أَنْتَب» است: «إِسْتَعْفَرْتَن» مضارع «تَسْتَغْفِرْنَ».

۴۳۹- گزینه ۳ «أُخْتِي وَصَدِيقَتَا» یعنی «خواهرم و دوستش»، این دو اسم در کنار هم «مثنای مؤنث غائب» به حساب می‌آیند. پس فعل بعد از آن هم باید از همین صیغه باشد، یعنی «تَكَلَّمَا» یا «تَتَكَلَّمَان» صحیح خواهد بود. **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): «أَخِي وَ أصدقاؤه» (برادر و دوستانش) جمع مذکر غایب به حساب می‌آیند، پس «تَكَلَّمُوا» برای آن مناسب است. / گزینه (۲): «یا إخوانی» (برادران من!) جمع مذکر مخاطب به حساب می‌آید. پس فعل امر «تَكَلَّمُوا» کاملاً مناسب است. این فعل از «تَتَكَلَّمُونَ» ساخته شده است. / گزینه (۴): «یا أُخْتَي» در واقع «أُخْتَيْن + ی» بوده (ای دو خواهر من) پس مثنای مؤنث مخاطب به حساب می‌آید و فعل امر «تَكَلَّمَا» که از «تَتَكَلَّمَان» درست شده، مناسب آن است.

۴۴۰- گزینه ۲ «تَتَفَجَّحَ» از ماده «ف-ت-ح» است؛ بنابراین بر وزن «تَفَعَّلَ» و از باب «انفعال» است.

۴۴۱- گزینه ۲ «يُشَارِكُ» بر وزن «يُفَاعِلُ» بوده و از باب «مفاعلة» است نه «تفاعل». دقت کنید که همه فعل‌های باب تفاعل در ساختارشان حرف «ت» دارند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «أَكْمِلُ» بر وزن «أَفْعِلُ» فعل امر از باب إفعال است. / گزینه (۳): «يَنْتَصِرُونَ» از ریشه «ن-ص-ر» و بر وزن «يَفْتَعِلُونَ» است؛ بنابراین از باب افتعال است.

گزینه (۴): «يُفَرِّقُ» بر وزن «يُفَعِّلُ» بوده و از باب تفعیل است.

۴۴۲- گزینه ۴ فعل «سَتَتَرَكِينَ» از ریشه «ت-ر-ك» بوده و «ت» جزء حروف اصلی آن است.

اما حروف اصلی سایر فعل‌ها: گزینه (۱): تَكَلَّمُوا / گزینه (۲): اِكْتَسَبَ / كسب / گزینه (۳): يَشْتَعِلُونَ / شغل

۴۴۳- گزینه ۳ «انكسرن» نمی‌تواند برای ضمیر «أَنْتَن» مناسب باشد چون:

إِنْكَسَرْتُ (ماضی) / إِنْكَسَرْتُ / أَنْتَن (مضارع) / تَنْكَسِرْنَ / أَنْتَن (امر) / إِنْكَسِرْنَ

۴۴۴- گزینه ۴ در این گزینه تمام فعل‌ها از باب افتعال هستند، برای درک بهتر وزن کلمات باید حروف اصلی آن‌ها را درست پیدا کنیم:

(۱) استشهد / استعمل / عمل / استفعال / استماع / س-م-ع / انفعال / انكسار / كسر / انفعال / انطلاق / طلق / انفعال / انتظار / ن-ظ-ر / افتعال

(۳) انتشار / ن-ش-ر / افتعال / انكسار / كسر / انفعال / امتحان / م-ح-ن / افتعال

(۴) امتزاج / م-ز-ج / افتعال / اعتبار / ع-ب-ر / افتعال / استماع / س-م-ع / افتعال

۴۴۵- گزینه ۲ برخی فعل‌های باب «تَفَعَّلَ» و «تَفَاعَلَ» شکل

ماضی و امرشان یکی است. این مشابهت در گزینه (۲) وجود دارد: تَكَلَّمَا: هما ماضی - أَنْتَمَا أمر / تَكَلَّمُوا: هم ماضی - أَنْتُم أمر / تَكَلَّمْنَ: هُنَّ ماضی - أَنْتَن أمر

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «تَكَلَّمْنَا» دارای شناسه «تا» و «تَكَلَّمْتُ» دارای شناسه «ت» است که هر دو شناسه فقط مخصوص ماضی هستند. / گزینه (۳): «تَ، تَا، ثَمَا» شناسه‌های مخصوص فعل‌های ماضی هستند. / گزینه (۴): «نَا، ثَم، ثُ» نیز شناسه‌های مخصوص فعل‌های ماضی هستند.

۴۴۶- گزینه ۴ صورت سؤال فعلی را می‌خواهد که در آن «حروف زائد» وجود داشته باشد؛ یعنی «ثلاثی مزید» باشد. فعل «إِسْتَعْفَرَ» بر وزن «إِسْتَفْعَلَ» و از باب «استفعال» است که حروف «الف، س، ت» حرف‌های زائد آن محسوب می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها: «تَفَرَّغَ» در گزینه (۱)، «اجتمعوا» و «أترکوا» در گزینه (۲) و «تَنَامَ» در گزینه (۳) ثلاثی مجردند و حرف زائدی ندارند.

۴۴۷- گزینه ۱

فعل «تَعَجَّبَ» بر وزن «تَفَعَّلَ» بوده و مربوط به «هُوَ» می‌باشد. (او تعجب کرد). «احتفلوا» دو حالت می‌تواند داشته باشد. اگر «إِحْتَفَلُوا» خوانده شود فعل امر بوده و مربوط به ضمیر «أَنْتُم» است (شما جشن بگیرید). و اگر «إِحْتَفَلُوا» بخوانیم فعل ماضی و مربوط به «هم» خواهد بود (آنان جشن گرفتند).

«تَعَارَضَ» بر وزن «تَفَاعَلَ» فعل ماضی بوده و مربوط به ضمیر «هُوَ» است. **۴۴۸- گزینه ۳** «تَيَسَّرَ» از ریشه «ی-س-ر» و بر وزن «تَفَعَّلَ» است؛

بنابراین فعل ماضی بوده و دارای دو حرف زائد (ت-س) است. - «اقروا» فعل امر از ریشه «ق-ر-أ» بوده و مربوط به «قَرَأَ، يَقْرَأُ» می‌باشد.

۴۴۹- گزینه ۱ برای تعیین وزن مصدر فعل‌ها (یا همان باب

آن‌ها) باید طبق مراحل زیر عمل کنیم:

(۱) ایستر وزن / اِفْتَعَلَ / وزن مصدر آن افتعال است نه استفعال. (دقت کنید که حرف «س» جزء حروف اصلی این فعل است / س-ت-ر)
(۲) يَنْتَقِلُونَ / وزن / يَنْتَقِلُونَ حذف شناسه / يَنْتَقِلُ / وزن مصدر آن «تَفَعَّلَ» است.

(۳) تَعَجَّبُوا / وزن / تَعَجَّبُوا حذف شناسه / تَفَعَّلَ / وزن مصدر آن «تَفَعَّلَ» است.

(۴) يَنْقَلِبُونَ / وزن / يَنْقَلِبُونَ حذف شناسه / يَنْقَلِبُ / وزن مصدر آن انفعال است.

۴۵۰- گزینه ۴ صورت سؤال فعلی را می‌خواهد که تعداد حروف زائد آن با بقیه گزینه‌ها فرق دارد. دقت کنید که تعداد حرف زائد هر فعل را از روی ماضی آن مشخص می‌کنیم نه از ظاهر خود فعل.

بررسی گزینه‌ها: گزینه (۱): نَوَّرَ / بر وزن «فَعَّلَ» و از باب تفعیل است و چون ماضی آن «فَعَّلَ» است یک حرف زائد دارد. / گزینه (۲): يَعْلَمُ / بر وزن «يُفَعِّلُ» و از باب تفعیل است پس باز هم یک حرف زائد دارد. / گزینه (۳): «تَطَالَعُ» بر وزن «تَفَاعَلَ» و از باب مفاعلة است و چون ماضی آن «فَاعَلَ» است، یک حرف زائد دارد. / گزینه (۴): «إِسْتَمَلَ» بر وزن «إِفْتَعَلَ» بوده و خودش ماضی است پس دو حرف زائد دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): اَنْتَشَرْتَ (منتشر شد): ریشه (ن ش ر) از باب افتعال: اَنْتَشَرَ، يَنْتَشِرُ / گزینه (۳): اِنْتَخَبْتُ (انتخاب کردم): ریشه (ن خ ب) از باب افتعال: اِنْتَخَبَ، يَنْتَخِبُ / گزینه (۴): يَنْتَقِلُ (منتقل می‌شود): ریشه (ن ق ل) از باب افتعال: اِنْتَقَلَ، يَنْتَقِلُ

۴۵۱- گزینه ۲ «أَنْظُرَنَّ» فعل امری است که با «ز میلات» هماهنگی دارد و ضمناً چون مربوط به جمع مؤنث است، حرف «ن» از آخرش حذف نشده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «ابحثان»: باید حرف «ن» از آخرش حذف شود ← «إبحثا» / گزینه (۳): «أقتربن»: این فعل برای جمع مؤنث است ولی «إخوتي»، جمع «أخ» بوده و مذکر است ← «أقربوا» / گزینه (۴): «إسمعوا»: با «شابت» که مفرد مذکر است هماهنگی ندارد ← «إسمع».

۴۵۲- گزینه ۳ «تَحَرَّجِي» آخرش شناسه «ي» دارد و هیچ کدام از صیغه‌های ماضی این شناسه را ندارند. در واقع «تَحَرَّجِي» فعل امر از «تَتَحَرَّجِينَ» است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «إفتحا» ← مربوط به «هما» است. / گزینه (۲): «تكلّموا» ← مربوط به «هم» است. / گزینه (۴): «تعلّموا» ← مربوط به «هما» است.

۴۵۳- گزینه ۳ «أولاً» فقط همراه فعل‌ها می‌آید ← «خروج» در گزینه (۴) مصدر است. ثانیاً با توجه به مفهوم جمله باید فعلی را در جای خالی قرار بدهیم که مفعول نیاز داشته باشد: (۱) خَرَجَ: خارج شد ← مفعول نمی‌خواهد. (۲) يَخْرُجُ: خارج می‌شود ← مفعول نمی‌خواهد. (۳) أَخْرَجَ (بر وزن «أفعل») و از باب افعال است: خارج کرد ← مفعول می‌خواهد.

معنای عبارت: «خداوند افراد بالیمان را از تاریکی‌ها به سمت روشنی خارج کرده است».

۴۵۴- گزینه ۲ صورت سؤال فعلی را می‌خواهد که دو حرف زائد داشته باشد. فعلی که از یکی از باب‌های «افتعال»، «انفعال»، «تفاعل» یا «تفعّل» باشد دو حرف زائد دارد. در گزینه (۲) «إنتخبوا» از باب افتعال بوده و دو حرف زائد دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): «استعمروا» ← از باب استفعال است که ۳ حرف زائد دارد. / گزینه (۳): «يخشي» ← فعل ثلاثی مجرد است و هیچ حرف زائدی ندارد. / گزینه (۴): «نستغفر» ← از باب استفعال بوده و ۳ حرف زائد دارد. «نسال» ← فعل ثلاثی مجرد بوده و حرف زائد ندارد.

۴۵۵- گزینه ۲ «تساقط» بر وزن «تفاعل» بوده و مربوط به صیغه «مفرد مذکر غایب» از باب تفعّل است، پس ضمیر مناسب آن «هو» است نه «هي».

۴۵۶- گزینه ۲ **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): «الکهرباء» واژه‌ای است که مؤنث مجازی محسوب می‌شود، پس فعل آن هم باید مؤنث بیاید ← «إنقطعت» / گزینه (۳): «الرجال» جمع مذکر است، بنابراین به جای «جَعَلًا» باید از فعل «جَعَلُوا» استفاده کنیم. / گزینه (۴): با توجه به وجود ضمیر «كُم» که مربوط به جمع مذکر مخاطب است پس فعل بعدی هم باید «سَرَفْتُمْ» باشد نه «سَرَفْتما».

۴۵۷- گزینه ۴ بهتر است اوّل با کلمه «الانتصار» شروع کنیم که ساده‌تر است. این کلمه از ریشه «ن ص ر» بوده و وزن آن افتعال است نه انفعال (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳).

«تعلّم» یک فعل است که به اسم مؤنث «مُدْرَسَة» برمی‌گردد، پس «تَفَعَّل» که وزن مصدر است نمی‌تواند صحیح باشد و باید وزن «تَفَعَّل» را برای آن بپذیریم: «تَعَلَّمْنَا» ← به ما یاد می‌دهد.

۴۵۸- گزینه ۱ در گزینه (۱): اِنْكَسَرَ بر وزن اِنْفَعَلَ و از باب انفعال است و ریشه آن (ک س ر) است.